

۲۴ صفحه

۷۶

بیکار

سال دوم - دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۲۹ تا ۵۳ (۵) صفحه
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات بت سرباز (۷) صفحه
- حزب توده و مسئله عراق تجسمی از بوقلمون صفتی و ابن الوقتی! صفحه ۲۱
- پاسخ به نامه ها صفحه ۱۳
- صفحه ۱۹

پیمان فلاحی فرمانده نیروی زمینی و جانشین ستاد مشترک ارتش کیست؟

۸ صفحه

السلام

امپریالیستها و سوداگری اسلحه

لبنین سگفت طفیلگیری ارحله حمو صبات امپریالیسم بوده و سوداگری تسلطی یکی از موارد این طفیلگیری می باشد. امپریالیستها برای اعمال ستمگری سیاسی - اقتصادی برای تقسیم و گسترش مناطق نفوذ و برای نامین هرچه بیشتر سودهای کلان، ساگر بر به اعمال زور میبندند و یکی از اشکال این اعمال زور سربا کردن جنگ و با دادن زدن به آن است. برای تحقق این امر کارخانجات اسلحه سازی امپریالیستی ابراز این اعمال زور را فراهم میسازند و اسلحات امپریالیستی به تنهایی در خدمت اهداف بحا و - کارانه مستقیم امپریالیسم است بلکه به علاوه منبع درآمد مستشاری برای این چهار کشور است بشمار می آید.

امپریالیستها (اعم از امپریالیسم آمریکا، سوسیالیسم امپریالیسم روس و امپریالیسمهای اروپائی) از طریق سوداگری تسلطی سالانه میلیاردها دلار جنگ میا ورند. اگر اریکسو شخصیت بخش مهمی از بودجه نظامی سه خرد اسلحه

بعینه در صفحه ۲

کارگران: قربانیان اصلی جنگ ایران و عراق

حکمی که اکنون رژیمهای ایران و عراق بر آنها بنا کرده اند هر روز که میگذرد، دامنه سسری خود کفر همه و بیش از پیش، زخمکنان و سوسره کارگران دو کشور را به بدبختی و فلاکت میگذارد. سابق حاله در طی حدود سه هفته جنگ ایران و عراق، ساکتون بخوبی نشان داده است که سبب کارگران دو کشور بیشترین صدمه را از این جنگ می بیند و کلیه عوارض نکتت تا رنجک سبب آنها میگردند. حال سببیم که کارگران در جنگ سس سرما به داران دو کشور، چگونه فریبی سوطه های امپریالیسم و اهداف سوسه لایا به و بدخلقی رژیمهای ارتشهای ایران و عراق میگردند، سرمایه داران هر دو کشور، کارگران و زخمکنان و فرسودگان آنها را به همان همانا حنه اسد

سوسیال امپریالیسم

شوروی نامین کننده

اصلی سلاحهای رژیم عراق

صفحه ۱۰

یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطا الله برآزنده را گرامی بداریم



۵ صفحه

بیماران روز دوشنبه تهران، باردیگر مردم را غافلگیر کرد

روز دوشنبه در آفرین (۱۵)

گزارشی از شهرهای آقادی و حرمشهر تا تاریخ ۵۹/۷/۷

کشتار، ویرانی، آوارگی و... دستاورد جنگ ایران و عراق برای زخمکنان



جنگ غیرعادلانه چیست؟

صفحه ۹

مشتتی از خروار: اشاره ای به جنایات بعثی ها در عراق

صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

رژیم جمهوری اسلامی دست بدامن امپریالیسم فرانسه میشود

طبق خبر روزنامه "لوموند" شماره ۱۴ مهر ۵۹، رژیم جمهوری اسلامی از کارخانات "داسو" (سازنده هواپیماهای جنگی مبراژ) خواسته است تا تجهیزات نیروی هوایی و بویژه هواپیماهای جنگنده ارتش جمهوری اسلامی را بعهده بگیرد. از آغاز جنگ عملی و غیرعا دلانه ایران و عراق این از اولین نشانه های گرایش به غرب علی

بقیه ارضه امپریالیسم... از امپریالیستها توسط رژیمهای ارتجاعی و وابسته، یکی از منابع مسمروداگسری تسلیماتی امپریالیستی است. از سوی دیگر جنگهای ارتجاعی محلی، منطقه ای و غیره فرصت طلائی و حالی است که امپریالیستها پیش از پیش به سودهای غارتگرانه خودسپا فزایند. اما هر واضح است که امپریالیستها با فروش اسلحه علاوه بر سودهای کلان اقتصادی هدف سرکوب جنبشها و انقلابات و بفون کشیدن توده های ستکشن را نیز تعقیب میکنند.

جنگ ایران و عراق فرصت دیگری است تا امپریالیستهای تبهکار از طریق سوداگری تسلیماتی و دام زدن به این جنگ ارتجاعی اهداف خود را تعقیب نمایند. اگر این جنگ برای زحمتکشان ایران و عراق فلاکت و کشتار به ارمغان می آورد، در عوض برای منابع اسلحه سازی امپریالیستها سودهای هنگفتی به همراه می آورد. امپریالیستها با حرص و ولع بسیار میکوشند تا دولتتهای متخاصم را به خرید اسلحه های جدید تشویق نمایند و دولتتهای ارتجاعی منطقه و از جمله رژیمهای عراق و ایران خواستهای امپریالیستها را پاسخ میگویند. اینان به قیمت محرومیتها و گرسنگی کارگران و سایر توده ها، به قیمت خون فرزندان زحمتکشان و به قیمت اسارت بیشتر آنان، با خرید ابزار آلات جنگی و قطعات یدکی نظامی، کبسه های غارت جهانفواران را پر میکنند. در اینجا مانگای به معاملات یک هفته اخیر تسلیمات در منطقه می اندازیم تا نشان دهیم در برابر کشتار توده ها چگونه منافق امپریالیستها تا مین میشود:

- ۱ - ایران از ترکیه (لوموند، ۳ سپتامبر) و گروه جنوبی اسلحه و لوازم یدکی میخرد (خبرنامه جنگ بیکار شماره ۱). ترکیه و گروه هر دو کارگزار امپریالیسم آمریکا هستند و طبیعتی است که سود این معامله به جیب انحصارات امپریالیستی می رود.
- ۲ - عراق از فرانسه موثک زمین به هوا میخرد. (آرادگان و میزان ۱۷ مهر)

۱ - ایران از فرانسه درخواست تعمیر هلیکوپترهای نظامی خود را کرده و برای این منظور بسیار کارخانه داسو سازنده مبراژ قراردادی می بندد. (خبرگزاریها)

۲ - شوروی مقدار زیادی اسلحه و مهمات برای عراق فرستاد، اسلحه در عقبه تخلیه و از طریق اردن برای عراق فرستاده میشود. (انقلاب اسلامی ۱۵ مهر)

۳ - عربستان از آمریکا ۴ هواپیما و آواکس (رادار پرنده) که گرانسپا ترین هواپیما جهان است خریداری کرد (جمهوری اسلامی ۱۵ مهر).

۴ - شوروی، صدایک بی - ۷۲ به عراق داد. (مذاکرات سخت وزیری و سفیر شوروی)

۵ - شوروی کارشناسان نظامی خود را به اردن فرستاد. (خبرگزاریها)

۶ - لیبی سوریه با اسلحه شوروی به ایران کمک میکنند. (خبرگزاریها)

طبعی است در امانه این خرید و فروش تسلیماتی، کویت، شیخ نشینهای عربی، پاکستان

تصحیح و توضیح:

در شماره ۷۵ کتابی از آلکساندر کولوتای ز انقلابی و لشوئیک روسیه معرفی کردیم که متأسفانه طرح روی طلدکتاب بطور واضح چاپ شد. عنوان کتاب "آژن کارکی و مادر" است از استثنایات کمیته زنان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر.

افغانستان، ترکیه و... نیز هر یک میکوشند تا به قیمت فلاکت زحمتکشان یک زرادخانه نظامی در کشور خود ایجاد کنند. آری جنگ ارتجاعی ایران و عراق با زار خوبی برای فروشندگان اسلحه، این سودگران مرگ ایجاد کرده است. همانطور که دبروز جنگ سوماتی و تبوی، عراق و کویت، هندو پاكستان، ترکیه و یونان با زار خوبی برای امپریالیستها و سوسپال امپریالیسم بوجود آورده بود. سفارشات جنگی و نظامی این کشورها میلیاردها دلار نصیب سوداگران اسلحه کرده است ولی ما میدانیم که هر قدر ادا دنگلی جهت خرید اسلحه تعهدات انقلابی طلبانه دیگری را نیز به همراه می آورد. ارسال مستشاران نظامی و جاسوسان از جانب امپریالیستها، خرید قطعات یدکی از انحصارات، گرفتن وامهای امپریالیستی، انعقاد دیمپانه های دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی از جمله تعهدات الزام آوری است که کشور خریدار اسلحه می با بمت رعایت نماید. بدین ترتیب امپریالیستها میکوشند تا با فروش اسلحه کشورهای دیگر را هر چه بیشتر به اسارت خود در آورند و پرواضح است رژیمهای شی که بر روی چنین خطی راه میروند تضمین کننده استمرار منافع سوداگران بین المللی اسلحه می باشند. آری چنین رژیمهایی با خرید اسلحه امپریالیستی، با سرکوب خونین انقلاب، بسا قربانی نمودن جان و مال زحمتکشان، بدرگهای نحیف طفیلگیری امپریالیستی خون تازه میدهند آری رژیم جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری عراقی چنین میکنند!



توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را بحکوم می کنیم!

جنبش کارگری



در رژیم جمهوری اسلامی، بیماری خطرناک زحمتکشان غیر ضروری تشخیص داده میشوند!

روز یکشنبه ۵۹/۷/۶ یکی از کارگران کوره - بزخانه دختر بچه اش را به بیمارستان دکتر شرفی میبرد. بای دخترک عفونت شدیدی داشته و نا معزاستخوانش رسیده بود برای نجات زندگی دختر بچه میباید باش را قطع میکردند. پزشکان پس از معاینه بیمار را میگویند دولت دستور داده که از بستری کردن بیمار آن غیر ضروری خودداری شود! از اینرو ما نمی توانیم او را بستری کنیم. آنها آدرس بیمارستان دکتر فاطمی را به او میدهند، کارگر مذکور با این بیمارستان و بیمارستانهای امام خمینی، فیروزگرد و لقمان الدوله دهم تماس میگیرد ولی هیچ بیمارستانی حاضر به بستری نمودن دختر او نمیشود. کارگر زحمتکش می فهمد که با بد دختر بچه اش را به خانه ببرد و شاید مرگ تدریجی او باشد، در حالیکه با یک عمل ساده میشد آن دختر بچه را نجات داد. ولی آیا در رژیم جمهوری اسلامی زحمتکشان مانند انتظاری غیر از این باید داشته باشند.

آغا جاری - یورش پاسداران سرمایه به کارکنان صنعت نفت

پیکار، دستگیره بین ما و هدایت آنان میباید این مزدوران سرمایه در مقابل اعتراض کارگران اسلحه های خود را به بیرون کارخانه برده و دوباره برای نفیض سداخل کارخانه سر میگرد و یکی دیگر از کارگران را با طرسید کردن تشریه در کمندش، دستگیر میکنند و میبرند کارگران مبارز برای آزادی دوستانشان به "مقریبا" سداران می روند و علیرغم تشنات پاسداران و حمله به کوه کارگران، نفتگران مبارز در مقابل مفرسپاه پاسداران متحصن میشوند و شروع به افشاگری میسازند. پاسداران پس از پیرونده سازی برای دو کارگر میار آنها را به "دادگاه انقلاب" میمان - کوه میبرند، نفتگران مبارز برای مسیر بهتر مبارزه میمان و جهت آزاد ساختن رفقا میمان، چند تماشاگر از بین خود انتخاب کرده و متجددانه و مشکل موضوع را دنبال میکنند. در این اثناء انما ری "مشول بحث کجا زوگار ما به" کوشش میکند کارگران را با آنها متراکم از موضوع دستگیری دوستانشان منحرف سازد که با برخورد آگاهانه و هشیارانه نفتگران مبارز مواجعه میشود و نفتگران مبارز به ندرت و مشکل خود ادامه میدهند و در مقابل زور و سوطه سرخ نمیکند.

ظهر دوشنبه ۲۲ شهریور ۵۹ پاسداران مسلح به کارخانه "ان.جی.ال ۵۰۰" آغا جاری یورش می برند. جلوه و ورودی مانع ورود آنها می شوند. ولی یکی از افراد فداکار "صنعت نفت" (که بعدا متحصن میشود خودی پاسداران را به سیه با اینک یکی از کارگران در کمندش اسلحه دارد، خبر کرده بود) با مسئولیت خود آنها را بدون کارخانه راه میدهد. (گویا یکی از کارگران زحمتکش بعلت ابتلا به بیماری روانی جدید با ریطرف همگامی اسلحه کشیده است ولی رژیم جمهوری اسلامی بحای معامله پاسداران سرمایه را گسیل میدارند. ناسپاهای برای سرکوب کارگران آگاه دست آورده پاسداران سراع کمد لباس کارگران رفته و عمدتگن آنها را میکنند ولی با مقاومت کارگران مواجعه میشوند. پاسداران سرمایه با صدای تعنگ بحان یکی از نفتگران معتزلی منافقت و وی را دستگیر میکنند. هنگامیکه کارگران به دستگیری رفیق مبارزشان اعتراض میکنند و آنها "محورقا نوی" میخواهد یکی از پاسداران جهت گرفتن "مجوز" به "دادگاه انقلاب" میروند. در تعقیب پاسداران او با نشانه ای شریک متفرقی و اسلحای ارحله کار.

اخراج کارگران مبارز تولیدی زرین تریکو

روزه ۵ شهریور ۵۹ کارفرمایان تولیدی زرین سه نفر از کارگران را بدون بهانه از کارخانه اخراج کردند ولی با اعتراض این کارگران و تهدید به شکایت پس از دو روز سه سرکار را زکشتند ۱۳ شهریور مسئولان کارخانه زرین تصمیم به اخراج ۵ نفر از کارگران دیگر گرفتند که با اعتراض بنفیه کارگران روبرو شدند. زرین سرمایه دار کارخانه که در سنگای اعتراض فرا گرفته بود حمله همیشگی سرمایه داران را با کار بست وی "کارخانه اسعدت نامعلوم تعطیل اعلام کرد". کارگران همان روز تا ساعت ۳ بعد از ظهر در جلوی کارخانه تحصن کردند و پس از آن دوباره روز ۱۵/۶ به جلوی کارخانه آمده و تجمع کردند. کارفرمایان که نمیخواستند کارخانه را با زکند، با اعتراض محدود کارگران روبرو شدند، کارگران بلافاصله خواسته ۷ ماده خود را که شامل اضافه حقوق، گرفتن حق مسکن، حق اولاد، تشکیل شوراهمچنین اخراج یکی از سرپرستان بود، بدیوار نصب کردند. پس از آن کارگران به وزارت کار رهسپار شدند. شکایت کردند ولی جواب وزارت کار "ذبح شرعی طبق ماده ۳۳ بود" در این مدت ما مدتی که سرادش در کمند ۲ گیشا است توانست یکی از کارگران را به کمیته برده و او را با زحوشی بگیرد. مسارزه کارگران احرای هسوراد اما دارد.

فعل با لاینگه است که در هر نوبت کار جداصل ۵۰۰ نفر کارگر و افراد دیگر در آن محل مشغول بکارند. و در صورت پرتاب راکت با شلبسک هواپیما های رژیم صحت تعداد زیادی از زحمت کشان کشته و زخمی خواهد شد. عده ای از کارگران معتقدند که میاست محل کار به حای سیختری منتقل شود. با دستبرون با لاینگه به تعمیر اتومبیل های مختلف مشغول شوند اما مسئولین فردای آن روز طرحی بنهه میکنند که با صلاح حافظ ایمنی کارگران است. آنان کارگران را به دو شیفت تقسیم میکنند: ۱- روزکار (۶ صبح تا ۶ عصر) ۲- شبکار (از ۶ عصر تا ۶ صبح) این طرح با مخالفت اکثریت کارگران روبرو شد ولی با فشار و فریب آنان را محسوسه قبول آن کردند این طرح هم اکنون اجرا میشود و محسوسه عیاب مکرر را با دست هر روز انجام میگیرد. آری، حال کارگران برای رژیم سرمایه داران چه ارزشی دارد؟

جان کارگران برای رژیم ارزشی ندارد

آبادان - حدود ساعت ۱۱ صبح دوشنبه ۱۴ مهر یک فرونده میک عراقی از فراز بالابنگاه پرواز کرد که پس از عبور آن در اشراف نجا رکت کرا کسر (C.O.U) دو دود غلیظی برخاست که بعد از یکسی دو ساعت خاموش شد. هنوز یک ربع نگذشته بود که دو میک عراقی در حال برگشت به خاک عراق سمت پتروشیمی را کنی پرتاب کردند که عمل نکرد. آنها از ارتفاع بسیار کم پرواز میکردند آنش - بارهای ضد هوایی پس از عبور آنها چند تیر شلیک کردند. کارگران پتروشیمی لباسهای کار خود را در آورده و لباسهای خود را پوشیدند و همگسی میگفتند که محیط کار خطرناک است. دو تن از اعمای انجمن اسلامی "مطرح میگردند که اسحا هم بهر حال جبهه جنگ است و باید کار کرد." قسمت "گاراژ" با "عمل و نقل" آنها نخست

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های

بهرای و وظایف سیاسی و اقتصادی جامعه ما
کنترده بر مسود. هیئت جامعه مدخلی از
با حکومتی به حواسها و نهارهای توده‌ها تا جز
است. جناحهای مختلف حکومت (حزب جمهوری
اسلامی از یکطرف و بسی صدرولمیرالها از طرف
دیگر) برای کسب قدرت بیشتر با هم مبارزه می -
کنند. بوم و خوشحالی توده‌ها سمیت به حکومت
تا حدی سکس شده است. روبرو نیستها (حزب
توده و مدآشان اکثریت) میگوشتدر قدرت
سیاسی سهم توندوپا آرا بدست گیرند. دار و
دسته‌های حاشی حساباروا بسی میگوشتد کودیا
کنند و قدرت را بدست گیرند. از طرف دیگر
مها هدرس خلق نیز با گرایشات لیبرالی بان سعی
میکنند با نگاه سازش با لیبرالها در قدرت سهم
شود جنگ بین ایران و عراق. اگر همه
بر مانی تکی که سرمدیم تا حدودی ما به افکسده
است ولی مللما ما رزه برای کسب قدرت سیاسی
در جامعه ما را به سها تخفیف نمده بلکه شدید
نیز خوا هذکرد. ابیها همه ما را بر آن میدارد که
با تمام موا به سازماندهی نیروهای خود بپردازیم
و خط منی و برنا مومارماندهی تشکیلانی خود
را هرچه وسیعتر به میان توده‌ها بفرستیم و برای
رهبری نمودن مبارزات آنان فعالانه بکوشیم.
مسئله وظایف عملی کمونیستها که همواره
بخش وسیعی از فعالیت آنان را دربر میگیرد
رمانیکه جنبش انقلابی اوج میگیرد پیش از
پیش اهمیت می باشد و در دستور کار قرار میگیرد
ما ضمن برخوردان تنفادی به "پیکار" که در گذشته
بگوشیده است نقش بارماندهی جنبش توده‌ای و
آمورش و طابف سیاسی - تشکیلانی به هواداران
را اسحو مطلوب انجام دهد از این پس تلاش می -
کسیم صفحه‌های از پیکار به آموزش سیاسی -
تشکیلانی و سازماندهی و رهبری و هدایت مسقیم
جنبش توده‌ای احصا می باید. مانند که ما برخورد
فعال رفا بسوا سیم "طبق" "بیکار" "بیشترین
را بطهرانا جنبش توده‌ای ایجا دشوده بسه
ارتقاء آن و شکل سازمانهای توده‌ای بپردازیم.

☆☆☆

در بخش اول این سلسله مقالات اصلی ترین
وظایف عملی ما را (بعنوان نیروهای مارکسیست
- لنینیست) در قبال جنبش کارگری و توده‌ای
ذکر خواهیم کرد و در قسمت‌های بعدی میگوئیم
تک تک موا ردد کرده را توضیح دهیم با رفا با
شنا خب همه جا شبه نسبت به وظایف خویش، سا
تما موجود در احرای آن بکوشند. همانطور که
میدانیم شورانقلابی برای مبارزه کامی نیست
بلکه وجودنشوری را تنها نقشه و سرمانه همجون
چراغی است که راه ما را روشن میکند و بسا آن
قطب نمائی که ملوانان را در طوفانهای دریا
بکار می آید، ما را در غلظدن به اجراءات
با زمیدارد. بنا براین اگر ذکر این وظایف ساده
و بدیهی جلوه کند مسئله‌ای نیست. چرا که ما اولاً

بدین ترتیب است که میتوان نشوری را بسه
سلاح مادی تبدیل نمود و از تلاش در جهت تامین
هزمونی پیرولتا ریا به انگای نشوری را هنمای
مارکسیسم - لنینیسم سخن گفت.

۴ - تبلیغ و ترویج مواضع سیاسی - ایدئولوژیک
سازمان در میان طبقه کارگر و توده‌ها و در
حسین کمونیستی جزو اصلی ترس و طابف رفا
بشمار میبرود. این مسئله بخصوم در شرایط وجود
آلترناتیوهای کنونی در سطح جامعه (که در
استدای نوشته‌ها آنها با ذکریم) و با توجه به
نبودن سازماننده پیرولتا ریا، یعنی حزب طبقه
کارگر، اهمیت زیادی پیدا میکند. هم اکنون با
توجه به پراکندگی و تشتت سیاسی - ایدئولوژیک
جنبش کمونیستی و وجود انحرافات و گرایشات
روزیونیستی، ترونیستی و ... در درون آن
(که خود مانع جدی سرسرا راهجاد حزب کمونیست
است) و نبودن قطب نیرومند کمونیستی چه باید کرد؟
بنظر ما در عین حال که باید مبارزه ایدئولوژیک
را که ضامن وحدت جنبش کمونیستی است
شدت بخشیده با گرایشات انحرافی مبارزه کرد و
در جریان این مبارزه ایدئولوژیک به وحدت
دست یافت، همچنین با بدرقفا با تزه های
اکسونیستی و پاسیفیستی مرز بندی ننمایند و
طرح آلترناتیو کمونیستی را در میان توده‌ها
موکول به وحدت جنبش کمونیستی ننمایند.
بر عکس رفا با بدکوشند با تمام فعالیتها و
سازمان را که جزو بیکترین و انقلابی ترین
نیروهای کمونیست است، در میان توده‌ها و
جنبش تبلیغ ننمایند. ما توده‌ها بنوا ستم
آلترناتیو سودبگری را برای خویش بجز آنچه
نیروهای نا بیکر، سازتکار و فدا انقلابیون
عرضه میدارند، نمیسند. متاسفانه گرایشات
لیبرالی، اکونومیستی، پاسیفیستی
و انحلال طلبانه در درون جنبش با تمام مواضع
از فعالیت مستقل نیروهای جنبش کمونیستی
گردیده است. خوشبختانه سازمان توانست ضمن
مبارزه ایدئولوژیک فعال برای این انحرافات
غالب شده (دانشجویان مبارز، کنفرانس وحدت،
برخورد تزه‌های وحدت، برخورد به مسئله
استخانات، نشریات فاشریک، هفته‌های
کمونیستی (۱) و ...) و تا حدودی به انگای مبارزه
بخش در صفحه ۱۲

(۱) در مورد تزه فاشریک و هفته‌های کمونیستی
اگر چه کلیه نیروها از موضوع ما در قبال این موضوع
در کارخانجات و ... خبردارند و ما عین همسان
موضوعی که در مورد مسئله دانشجویان مبارز گرفتیم
(تکه بر سنگلات مستقل م. ل) در مورد تزه
فاشریک و هفته‌های کمونیستی بر حسی موضوعی
گرفته و بر این اساس عمل می کنیم اینکه سر
نشریه فاشریک مستقل م. ل. و هفته‌های م. ل.
مستقل) اما سراسر در سطح جنبش مطرح
نگرده ایم و بزودی بطرمان را منتشر خواهم کرد

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



کشتار و سرکوب خونین
مردم مهاپاد بدست
رژیم جمهوری اسلامی

خلقهای قهرمان ایران!

مهاپاد در آتش و خون غرق شده است. صدها هزار مردم بی دفاع این سهرتوسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، بیخون خویش در غلظیده اسدواز این طریقی رژیم جمهوری اسلامی حاکمیت جنایت - کارانه و خونینش را در مهاپاد برقرار ساخته است. کمیته کردستان سازمان مادر این مورد اعلامیه ای منتشر کرده است. ما ابتدا مسمنهای اران را در این محامیا و رسم و بعد خلغهای قهرمان اسران را در حربان آنچه که طی ۱۱ روز مردم مهاپاد گذشت فرا میبدهم:

مردم آگاه و قهرمان ایران!

یک بار دیگر خلق ستم دیده کرد و این بار مردم سارر مهاپاد مورد یورش متمرکز و وحشانه ارکانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. خوششان خاک کردستان را گلگون تر نمود. بار دیگر ما شین کشتار هبات حاکمه که بی وقفه در شهرها و روستاهای کردستان خان و زندگی خلق کرد را به سستی و نابودی میکشاند. با کلوله باران و حمپاره باران مردم مهاپاد بزرگ دیگری برد فرحنا پت ارتش صخلقی و پاسداران رژیم جمهوری اسلامی امزود....

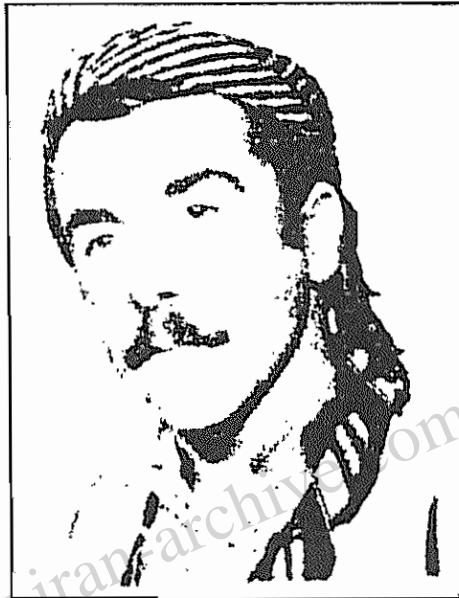
زحمتکشان و خلغهای سراسر ایران!

هیات حاکمه جمهوری اسلامی از فروردین امسال در دو مین بیورن سراسری خود به کردستان بی وقفه به سرکوب و کشتار و وارد آوردن سختهترین فشار بر خلق کرده دست زده است. ارتش و پاسداران طی این مدت و در جریان استقرار در شهرهای جنوبی کردستان که تنها با تکیه بر توب و تاشنگ و سایر سلاحهای مرگبار و بقیمت خون صدها تنسن و ویرانی خانه و کاشانه آنها انجام گرفت. گذشته از ناداه حرکت ضد مردمی خود در این شهرها مردم روستاهای اطراف را نیز به تیغ سرکوب گرفتند. و در منشا نه به نابودی زندگی آنها دست زدند. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به این نیز اکتفا نکرده، هر لحظه به سوطه جنبی علیه مردم شهرهای شمالی کردستان دست زده اند و برای گسترش یورش به این شهرها نقش ریختند و قدم بقدم به اجرا در آوردند.

آنها در دشمنی خود با خلق کرده که بسیار بگردد دشمنی اش با خلقهای سراسر ایران است در

یاد پیشمرگه قهرمان رفیق عطاء الله برازنده

راگرامی بداریم!



آنجا که زمینه مساعدی برای جذب ایده های انقلابی پیوست.

رفیق عطا در سال ۱۳۵۵ وارد دانشکده دامپروری ایلام شد و آنجا که عصری استوار، پر شور و صمیمی بودی بیروا از فضای سنگین و خفقان باری که دژخیمان آریا مهوری ایجاد کرده بودند در دانشکده به فعالیت های مبارزاتی اش افزود و یکی از فعالین جنبش دانشجویان انقلابی گردید.

رفیق در دوران قیام شکوهمند خلغهای قهرمان ایران فعالانه شرکت داشت و از جان مایه میگذاشت و در همین زمان هوادار سازمان شد. وی با شرکت فعال در جنگ سوز و خروش سنندج ساربار زنده ای اموج. رفیق بعدا به دانشکده اش سرگشت و در کنار سایر بررفغانش به تبلیغ و ترویج مثنی سارمانی که بدان عشق سوز زید پیدا غب و مسئولیت چندین هسنه کارگری و دانش آموزی را سعه گرفت. اوس از مدنی دانشکده اش را رها کرد و در اساط با دفتر سقز سا زمان بصورت یک بقعه در صفحه ۲۱

یک دقیقه سکوت
به یاد هرافتخارش،
با بان سکوت،
با دش گرامی بادا
ورا هن
همواره پیروز!
و اینک ما
با ران مبارزه کوتاه و پربارش
به مصیبتش
بم پیگیری و مدافعتش
و به شهادت و الایش
قسم یاد می کنیم:
که هر روز سینه تریبا موزیم
و هر روز مبارزه مان را
گسترده تر ساریم
و تا آنگاه

که آرمان و الایش
آرمان کارگران
- جامعه کمونیستی -

تحقق باشد
از پای نخواهیم نشست.

خلق دلاور کرد! مردم مبارز ایران!

روزشنبه ۵۹/۷/۱۲ رفیق عطاء الله برازنده یکی از پیشمرگان پر شور و پرتلاش سا زمان پیکار، طی آنجا میبک ما موریت سا زمان در یک درگیری شنا بر با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از زنده ماندن و متنی قهرمانا نه بخون خود در غلظتید "تا در لحظه های پیروزی، سر بر آرد بر بیا م خانه ها بردوش کارخانه ها، در قلب کشتزارها".

پیکارگر شهید عطا برار در سال ۱۳۳۵ در روستای علی آباد، در منطقه امشار (کردستان) و در خانواده ای زحمتکش نداشت. دوران کودکی اش در محیطی پر از درد و رنج و در میان سوده های فقیر و ستم دیده دهقان گذشت و با کسه و نقرتی صمیم نسبت به دشمنان زحمتکشان بزرگ شد. رفیق هنگامیکه در سنندج در دبیرستان تحصیل میکرد مسائل سیاسی آشنا گشت و از

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

مهاباد، ۱۱ روز مقاومت قهرمانانه خلق، ۱۱ روز کشتار خلق کرد



مهاباد: غرق در آتش و خون

گزارشی به خلقهای قهرمان ایران

۵۹/۶/۲۴ در اس روز دوستون ارتشی از طرفی حاده های سنا دوت آب و رفا شبه بطرف مهابا با حرکت کرده و در اطراف شهر در تپه های مشرف به شهر سنا مهابا "سپه قاسمی" و "کوه خراشی" مستقر گردیدند. این ستونها در مسره های خنود دهات اطراف را به سوب و خمبار به بند و موجب سها دد دهها نفر از روستا ثیان گردیدند که از جمله آنها سها دد ۵ نفر سینگ تراش و ۴ پیشمرگه در حاده رفا شبه دست سروه های ضد خلق بود. آنها همچنین در مسر حاده مهابا دوت آب قهوه خانه سها امیر آبا در با راکت مورد هجوم قرار داده و موجب زخمی شدن دو پیشمرگه قهرمان شدند. ستونها ی مذکور هر یک شامل ۱۸ تا ۲۰ تن و تعداد دزبانی خود رو بودند.

۵۹/۶/۲۵ صبح این روز یک نفر بر شامسل تعدادی ارتشی و یک جاش در استا دوم نزد یک نادگان مستقرند. همچنین با ساران و جاشها بدون هیچ مقابله ای از طرف پیشمرگان در سنا دد ارتش در میدان قاضی مجدداً ستفرا را فتنه بعد از ظهر همان روز یک نفر سروه خود رو به رادیو و تلویزیون رفتند.

۵۹/۶/۲۶ ساعت ۱۰ صبح امروز سه نفر سروه با سارا ارتشی در جها راه آزادی توسط مردم دستگیر و سوسله پیشمرگان حزب دمکرات بسه روستای "لاچین" برده شدند. بعد از این حربهان، با دگان مهابا دبا صدورا اطلاعیه ای اعلام کرده اگر تا ساعت ۳ بعد از ظهر این سه نفر تحویل اطراف را به سوب خواهد دست. با وجود با بن مهلت تعیین شده، با ساران و ارتش هیچ عکس العملی نشان ندادند اما آنها در طول روز در خانه سها پشیمانگی و نا تنگ ملی، فرما ساری و دخا سناست مستقر شدند تا خود را برای کشتار خلق آماده سازند.

۵۹/۶/۲۷ امروز صبح با ساران برای سنان دان حضور خود در شهر، در جلوی بانک سبه در خیابان تاهبوس سابق شروع به تازی و دستگیری مردم کردند اما این مزدوران مورد حمله قهرمانانه پیشمرگان قرار گرفته و سه تن از آنان در دم کشته شدند. پس از اس واقع ارتش و با ساران مسفر در با دگان و سبه "دانا محمد" شهر و روسا های اطراف را با خمبار و تفنگ ام- ۱۶ مورد حمله و حنسا به خود فرار دادند که در آن سنان سشار ۱۰ نفر از افراد دو خا سواد شهید و چند تنی نفر زخمی

کنار رنوطه حسینی های متعدد در روز سنا رنوطه محاصره و محاصره ای را بر شهر های مهابا و نونکان سنگرم کرده اند و سنا عت فشار هر چه بسره رحمتگان این شهرها و روسا های اطراف شدند (وهسور مشنود) در ادامه این حرکت صدمردمی خون همه کارمندان این دوشهر با مدت تا معلوم سوسف شد، ارتباط تلفنی اشان قطع گردید و سوسی راههای عبور و مرور با شهرهای اطراف را بستند و از ورود سبه شهر و خروج از آن جلوگیری نمودند (وهسوز سسما سنا) و با لآخره با حمله به مهابا دد و تبدیل آن به یک شهر سسما و سیران، با صلح و اخلاص خاکمیت "خود را در آن سرفرا را سنا خنود و حنود وار سغه "پیروزی" سدا دند.

ولی کدا مپیروزی؟ "پیروزی" در کشتار مردم سکا ه؟ "پیروزی" در انهدا مخانه و کانا سها و رسدگی آنها؟ "پیروزی" در عنا سنا کردن دشمنی خود با خلق کرده سها خلقهای ایران؟ زحمتگان و خلقهای ایران سارا سها اند این با صلح پیروزی های دشمنان خود سوده اند این "پیروزی" ها چیزی جز مشخص تر شدن حقایق و ما هست ارتخا عی رژیم جمهوری اسلامی برای خلقهای ایران نیست.

امروز بعد از نزدیک به دو سال که ارجا کمیت رژیم کنونی میگردد، سوده های هر چه وسعت سوری از زحمتگان سسپهان مٹا هده میکنند که بسن رژیم سنا تنها کوچکترین خواسته های آنها را بر آورده نکرده، بلکه هر روز پیشتر به دشمنی و ضدیت با آنها می بردازد، سرکوب کارگران، دهقانان دانشجویان در سوا سیران و از سها به رز تر سرکوب و کشتار و حنسا نه خلق کرد هر روز پیشتر حنم خلقهای قهرمان ایران را با ز سنا دوت آنها را برای آدامه انقلاب تا تمام ایران و سیران حام رساندن آن مصمم تر می سازد.

خلقهای قهرمان ایران سنا بدد در مقابل سرکوب و حنسا نه خلق کرده سنا کت بسن سنا دد آنها با بسنی در بسنت تبلیغات عوا مقربیا سسها و گسترده رژیم و اقمیت و حقایق فوق را تشخیس دهند و به حمایت و پیششمانی از خلق کرد پیروزند و صدای اعتراف خود را علیه سرکوب این خلق ستمدیده بلند نمایند.

آزادی از قید ستم و استعمار مهربا بسمو ارتجاع در کروه سستگی و بسنوند عمیق سنان خلقهای سراسر ایران و سنا رزه انقلابی آنها سنا فرار دارد. مهابا رزه ا بکه سنا تحت رهبری طبقه کارگر سنا سبه سنا حام سیرد.

سنگ و نفرت بر سرکوبگران خلق کرد! خا ودان با دغا طره شهیدای خلق کسرو و همه خلقهای ایران! سرفرا را د خود بخاری خلق سها در جمهوری دمکراتیک خلق!

۵۹/۷/۱۰

شدند. سبلافا صله مردم در سنا جد عملات خود، گروههای امداد سنا کتل داده و سبه مداوی و زخمیها برداشتند عصر امروز پیشمرگان رزمنده دمکرات بسها فرما سنا داری حمله کردند و همزمان با آن پیشمرگان قهرمان کومله در همان محل یک نفر بر ارتشی را با آری بی - جی از بسن بردند.

۵۹/۶/۲۸ از ساعت ۱۰ صبح امروز، ارتش و با ساران دد سنا سها عملات وسع خود را شروع کردند. آنها در هر مرحله جسمنده ای می دیدند، آن محل را به خمبار می بستند، با افزایش سها جسم و حنسا نه آنها، سنا دد شهیدا و زخمیها لحظه به لحظه زیا دتر میشد. نزدیکی شب ارتش از طریق رادیو اعلام کرده که اگر افراد مسلح، سلاح خود را تحویل ندهند، شهر را سنا دد مورد حمله خود قرار خواهند داد. هنگام شب یک ستون شامل یک تا سناک و یک ز رهپوش و یک ذیل به مقصد رادیو تلویزیون از با دگان خارج شد، اما در جها راه مولوی مورد حمله سنا عا نه پیشمرگان رزمنده دمکرات قرار گرفت و کلیه افراد آن کشته و زخمی شدند. تمام مهمات و اسلحه آنها، بدست پیشمرگان افتاد، سروه های ضد خلقی مستقر در تپه "دانا محبسد" منظره را مرتضیا خمبار به باران میکردند.

۵۹/۶/۲۹ امروز نیز تا ساعت ۱۰ اوضاع شهر سسنا آرا م بود. حدود ساعت ۱۰، سرکوبگران خلق کرد، با خمبار و تفنگ ام- ۱۶ شهر را ز سیرور ش و حنسا نه خود قرار دادند. در این عملات تعداد زیادی از مردم بی دفاع کشته و زخمی شدند. شدت حمله کمتر از روز قبیل بود. در هنگام شب پیشمرگان سسنا رگرما زمان سسنا روب پیشمرگان رزم سسما دمکرات به استا دوم و رادیو تلویزیون حمله کردند و تلفاتی به سنا خلق مستقر در آن مکانها، وارد سنا خنود. شهر همنان زبر خمبارها، در آتش و خون غرق بود.

۵۹/۶/۳۰ ساعت ۱۱ صبح امروز رادیو مهاباد اعلامیه آتش بس مورد توافق با دگان و سسورای سنا حد شهر را اعلام کرد. در اعلامیه سها شرط از طرف با دگان ذکر شده بود:

- ۱- کوچکترین حرکت از طرف ضد انقلاب موجب سنا سوری شهر میگردد.
- ۲- سفا سسین شهر سنا سنا دد از طریق سها ده سنا سنا دوت از شهر خارج شوند.
- ۳- بس سنا مردم سها اعلام میدا رده کوچکترین

بقیه در صفحه ۲۲

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

بقیه از صفحه ۱

کارگران: قربانیان اصلی جنگ ایران و عراق

در شرمباران میگهای عراقی سیزدها کارگر
وزحمتکش ما در اهواز، دزفول، راک در کاخانه
ایران ناسیونال وشهرک اکباتان در نهران ،
در پالایشگاههای آبادان و ترمیزوکارگران
دهها کارخانه دیگر، قربانی این جنگ تحمیلی
توسط سرما به داران دو کشور گردیده اند. کارگر
- ان ما میدانشد که در این جنگ حتی یک سرمایه

این کار را تحت عنوان "انگانه نولسدات
داخلی" به کارگران تحمیل میکند. اما او از
مجبور کردن کارگران به کار و نولید بیشتر در پی
آنست که با فشار آوردن به کارگران و امتزایش
استثمار آنها و کسب سود بیشتر، خود را از بحران
اقتصادی کمپنی خلاص کند. در ضمن میخواهد
خسارای را که در نتیجه جنگ به تاسیسات صنعتی

● کارگران نباید در جنگی که جز برادر رکشی و فلاکت و سیه روزی طبقه کارگر و زحمتکشان
دو کشور ایران و عراق و در مقابل رسیدن سرمایه داران به اهداف ضد خلقی خودشان
نتیجه ای ندارد و شرکت کنند. چه این جنگ جنگی است ارتجاعی و ضربه دلاانه .

- دار جان خود را از دست نمیده، بلکه آنها شی
که گوشت دم پوت کشته اند کارگران و فرزندان
آنها چه در کاخانه و چه بصورت سر با ردر ارتش
میباشند .

کارگران آگاه ما همچون مدانشد که رژیم
جمهوری اسلامی، ادا ما این جنگ را مستقیم
مناسی جهت نفویب و نشیبت ارتش و حکومت
خود از یک سو و سرکوب و حشا به ترخیص شده ای ،
کینا رکمو سیمپها و سپروهای انقلابی از سوی
دیگر، قرار داده است. رژیم میخواهد با فلسمداد
کردن خود به عنوان مدافع زحمتکشان ایران، از
ریزش توهم آنها نسبت بخود جلوگیری کند و هم
بتواند به آنها "جنگ با عراق" خلق کرد و سرو
های انقلابی را به تنگنا مل و همه حاسه ای کشار
کند و این سیاستی است که ما اکنون جلوه های
با رز ارتش در دستگیری انقلابیون در شهرهای
مختلف و در محاصره و حملات نظامی به شهرهای
کردستان، بیوزمه ما باد می بینیم .
حال طبقه کارگران در قبال جنگ کنونی
چیست ؟

و صنعتی وارد آمده و بحران اقتصادی را خا دستر
کرده است بحران کند. حال آنکه کارگران ما
میدانشد که متشا این بحران اقتصادی و صادر
نما به بدخشیهای حاسه ما سیستم سرمایه داری
و استعمار است و خود رژیم جمهوری اسلامی نیز حافظ
این سیستمی است .

گذشته از موارد فوق، کارگران ما با تمام
وجود خود حس میکنند که از شروع و کمینش حاکم ،
آنا ر قحطی و کراسی و کمپاسی ما بحناج زندگی
با شدی سن از پیش در حاسه ما آشکار شده و
حاضر می شود. بطوریکه کارگران و زحمتکشان،
برای خرید چند عدد نان، یک کیلو نخم مرغ، مقداری
گوشت، سیگار، نفت و... با ناسا عشا در صیف
بایستند. نما ما اینها از نتایج جنگ حاشنا شروز
کدوسی است که سها کارگران را به سه روزی هرحه
سنتر می کشا سده سرما به داران را. چون
سرما به داران، با استغفاده از سود حاصله از
استثمار کارگران، کالاهای با نایل شیش از مورد
ساز زندگی خود را خریداری کرده و احسار میکنند.
مهمتر از همه حراسی و ویرانی ناشی از جنگ
کارگران را به بیکاری و گرسنگی میکشاند .
پالایشگاهها و کارخانجات بر سر میبارانهای
هوایی نابود میشوند و در نتیجه هزاران کارگر و
زحمتکش، در این موقع قحطی و کراسی، بیسکار
منگردند. بیکاری هزاران کارگر و زحمتکش
برای سرما به داران کمترین اهمیت ندارد .
چرا که آنها برای رسیدن به اهداف خود، حاضرند
به سها بیکاری بلکه متل عام شدن وزیر مباران
فرار گریس را نیز به کارگران تحمیل کنند. از
آغاز جنگ ایران و عراق علاوه بر اسهادهام تاسیسات
صنعی و صنعتی درد و کشور و بیکاری شدن هزاران
کارگر ایرانی و عراقی، ما بارها شاهد کشته شدن
عده ای از کارگران دو کشور نیز بوده و هستیم .
علاوه بر کارگران و زحمتکشان عراقی که زیر
بسباران ماسوهای ایرانی جان میسارند ،

نا هریک بصیبت کشته شدن عده سیستماری
از این طبقات زحمتکش و رنج دیده ماسافع طبقاتی
خود را که هانا جها ول و غارت بیشتر زحمتکشان
است، بر آورده سازند. برای نمونه، رژیم جمهوری
اسلامی ایران از کارگران کاخانه دعوت
کرده است که به همه جنگ بروند و از "سپه دفاع کنند!
کارگران ما میپرسند: چرا رژیم جمهوری
اسلامی از سرما به داران، برای شرکت در این
جنگ دعوت نمیکند؟ واقعیت این است که این
رژیم، رژیمی سرمایه داری و حافظ منافع سرمایه
- داران است و این مسئله را کارگران ما در
طول مبارزات خود، بارها و بارها تجربه کرده اند.
اکنون سیزده سب با حفظ سرما به و منافس
سرما به داران و طبقات استعمارگر است که سیر
این جنگ دامن میزند و خواهان قطع آن نیست
و همچنین با طرف دفاع از سرما به داران است
که رژیم جمهوری اسلامی، با دعوت کارگران به
جنگ، خون این طبقه سمدیده را و نشود رسیدن
به اهداف ضد خلقی خود قرار داده است .

کارگران همرا به دیگر زحمتکشان، در این
جنگ گوشت دم پوت سرما به داران شده، تمام
پها مدهای ناشی از جنگ نیز صیبت آنها میگردد.
کارگران مجبورند تحت فشار سرما به داران ،
عواصب کمینش اقتصادی جنگ را تحمل شوند .
رژیم جمهوری اسلامی، نتایج نکبت با رنج را
اینگونه به کارگران تحمیل میکند: بسرای
ادامه و گسترش جنگ، لازم است سلاح جدید و پیشتری
موجود باشد، رژیم جمهوری اسلامی سیر چه بسرای
جنگ با رژیم عراق و چه برای سرکوب خلقهسا و
زحمتکشان ایران به ارتش با دندان مسلح و
از هر حیث آماده سرکوب نما ز مند است. او سرای
داشتن چنین ارتشی و برای حیران کمپو ده های
نظامی و تسلط حاشی خود مجبور است دست نیساز
سوی امپریالیستها دراز کند و برای این کار
چاره ای ندارد جز اینکه سودها طله از استثمار
کارگران و دسترنج زحمتکشان را به عصب
امپریالیستها سرازیر کند. طبیعی است که کسب
سود بیشتر از استثمار کارگران برای خریدار
بیشتر بخودی خود با افزایش حد استثمار
کارگران توسط سرما به داران از طریق کاهش
دستمزدها با کار بیشتر کارگران، افزایش مالیتها
افزایش بصیبت کالاهای مورد نیاز کارگران و
غیره همرا خواهد بود. اما فشار ناشی از جنگ
ایران و عراق بدینجا ختم نمیشود، رژیم جمهوری
اسلامی کارگران را بیوزمه در شرایط کنونی ،
بشدت به افزایش تولید و بازده بیشتر کار دعوت
میکند و از آنها میخواهد که در کارخانجات سحای
۴۰ ساعت کار (با ۵ روز کار هفت ساعته) در هفته
- که حواس همه کارگران ایران است- تمام
روزهای هفته را با ساعات بیشتر کار کنند، رژیم

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

تیمسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی و جانشین ستاد مشترک کیست؟

احرا درآورد. این تیمسار سرسپرده، را بسط عملیاتی ارتش مزدوران ایران با امپریالیستهای آمریکا در جنگ ویتنام بود. خلفهای جهان از جمله خلفهای ایران، از جناحی که امپریالیستهای آمریکا شایسته درویشنا کرده اند، اطلاع کافی ندارند. جناب تیمسار فلاحی سیزده ستور رژیم شاه در این جناحیات شرکت داشت. آخرین سمت این عنصر سرسپرده آمریکا در قبل از قیام، معاونت تیپ پنجاه شیراز و داره کتندها مور تیپروهای مخصوص "ارتش دشمنراز بود. برای اطلاع از فعالیت ضد خلقی فلاحی در این نیرو لازم است گفته شود که "نیروی مخصوص" شامل بخشهایی از

سنه میزند. حال سینه تیمسار فلاحی کیست و سابقه او چه بوده است؟
"ولی فلاحی" یکی از افسران سرسپرده ارتش آمریکا شایسته، بعد از کشتار زحمتکشان ما در ۱۷ شهریور ۵۷ از طرف ارتش شاهنشاهی به درجه سرتمی رسید. او در دهانکده ارتش خودانی ساسه

اخیرا با شروع جنگ ایران و عراق، سروکله فرماندهان جنایتکار ارتش و جگمه پوشتگان آریا مهری دیروز و تیمسارهای اسلام آورده امروز هر روز در تلویزیون پیدا میشود و صدای حاکی از "میهن پرستی و دینداری" این جلادان خلقهای ایران، همراه با بوق و کرنای رژیم جمهوری اسلامی، از رادیو شنیده میشود.

بعد از قیام میهن ما، عدهای از مزدوران آمریکا شایسته بدست توانای توده های رزمنده خلق دستگیر و اعدام شدند، عدهای دیگر توسط رژیم جمهوری اسلامی باز فرستاده شده اند تا در زندانهای آمریکا با شکنجه و شکنجه های دیگر شکنجه شوند. با دستگیری و بعد از آن در زندانها با برهمنان مناصب نظامی پیشین خود باقی نمانده و به رژیم جمهوری اسلامی ایران خدمت نمایند! بکار گرفتن این افسران ضد خلقی ارتش جنایتکار شاهنشاهی توسط جمهوری اسلامی، از جمله سیاستهای ضد خلقی رژیم سرکوب جنبش خلقها و توده های زحمتکش بوده و میباشد. با اتخاذ این سیاست، این مزدوران ارتشی امکان نمیبینند تا تجربیاتی را که طی سالها با کمیت رژیم شاه در کشتار خلقها و زحمتکشان ما بدست آورده بودند در خدمت رژیم جمهوری اسلامی بکار گیرند.

رژیم شاه کمالات زحمتکش آیت الله خمینی با تمام قوا و با تبلیغات بسیار رکوشید تا گذشته سراپا خیانت این مزدوران امپریالیست را از چشم خلق بپوشاند و آب تطهیر و توبه بر سر آنان بریزد اما این تبلیغات مردم فریب مدت زیادی نتوانست ادا میابد. چرا که توده های زحمتکش ما طی مبارزات خود و بواسطه افشاگرهای نیروهای انقلابی و کمونیست دربار فتنه که جلادان دیروز خلقهای ایران نمیتوانند با امروز انقلاب با شند. به این ترتیب عدهای از تیمسارهای آریا مهری که فرمان آیت الله خمینی بسینه مناصب نظامی گمارده شده بودند، در پیشگاه توده ها افشا و رسوا شده و بتدریج تحت فشار توده ها توسط رژیم گنا رگذاشته شدند. تیمسار ها شایسته همچون علوی (معاون نیروی دریایی)، فرید (رئیس ستاد مشترک ارتش)، شاکر (رئیس ستاد مشترک ارتش) و مدنی (وزیر دفاع و بعدا فرمانده نیروی دریایی و استان خوزستان) از آن جمله اند.

بدنبال رسوا شدن مهره های سرسپرده فوق الذکر، اکنون نیز سبب تیمسار و مسلمان شده و "وطن پرست" فلاحی رسیده است. او با اسفاده از امکاناتی که رژیم جمهوری اسلامی بواسطه جنگ ایران و عراق در اختیارش گذاشته است، در رادیو و تلویزیون از "شاد دهنها" و "دلوریهای" خود در جنگ با عراق سخن میگوید، و سنگ دفاع از "وطن" و "انقلاب اسلامی" را به

دادستانی کل انقلاب - تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۲۰
جمهوری اسلامی ایران - شماره: ۱۰۴۱۶
آقای علامرضا... با سلام و احترام
به موجب این حکم به شما مامورست
داده میشود که با رعایت موازین سرعنی
و عرفی و قانونی و احترام و آسایش
ساکنین به نشانی... حطب و مرغان و
اقدمات خود را رسماً و کتبا صورت جلسه
سموده و با منبهم تحویل این دادسرا دهید
سازیرس دادسرای انقلاب اسلامی
تهران - ۵۸/۳/۲۰

فدائی کل
جمهوری اسلامی ایران

تاریخ: ۰۸/۰۶/۵۹
شماره: ۱۰۴۳

سند شماره ۱

مزدوران ارتش است که تحت نظر آموزش مستقیم "سا" و برای سرکوب مبارزات پارسیزانی و حربکی و با در صورت لزوم برای سرکوبی تظاهرات خلقهای میهن ما تشکیل شده بود. تیمسار "فلاحی" در سال ۵۷ بارها دستور کسار مردم بدفاع شیراز را صادر کرده بود. در ۲۲ بهمن - روز قیام خلقهای ایران - وقتی که مردم مبارز شیراز به پا دگان (مرکز زرهی شیراز) حمله کرده بودند، تیمسار فلاحی توسط یک بیسیم به سرهنگی بنام بقعه در صفحه ۱۷

بیا ن داده شد! نشکده نوکری و کاسه لیبی شاه، به رژیم و با بنده پهلوی خدمت نکرد. فلاحی همچنین با توجه به نوکری و سرسپردگی اش، نسبت به رژیم پهلوی کنایاتی به اسم "نارسیخ" شاهنشاهی نوشته است. علاوه بر آن در بهرامیه ریزان اموری جنگی رژیم شاه و فرمانده و افسر عملیاتی "ساق جنگ" بوده است. در اسارتی باط او موظف بود تا نقشه های جنگی امپریالیسم آمریکا برای سرکوبی جنبشهای آزادیبخش ایران و منطقه از جمله جنبش خلقی طرا را در مرحله

از... ستاد مشترک (اداره دوم حفاظت اطلاعات)
به... فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران
موضوع: رهنمودهای امام است

باتوجه به اصل ۱۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دایره ارتش (ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتش اسلامی باشد) که ارتش مکتبی و مردمی است و باید افراد شاکیست را بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی میبندد و در راه تحقق آن قداگانه باشد (و نیز اینکه در ملاقات جمعه ۱۷/۵/۵۹ جانشین ستاد مشترک با امام امده و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران معظم له سخن رهنمودهایشان مقرر فرمودند .

همچنین از گروههای انقلابی و جنب فایده حیز توده چریکهای اقلی خلق سازمان مجاهدین خلق و سایر گروههایی که ضد انقلاب اسلامی میباشند حذر دارند در تیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عدم فعالیت و فعالیتها را ممنوع میکند این قبیل پرسنل در حال حاضر در تیرو وجود دارند فوراً تسویه و پاکسازی گردند و تیروها را برای فرمان رهبانان انقلاب و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران خواهند است دستور فرمائید مقام او امر امام است تارده فرماندهان لشکری و پگاهها ابلاغ تا نسبت به پاکسازی افراد مذکور با همکاری پرسنل مومن و متعهد و تائید روسای سازمانهای اید بولویک اقدام مقتضی معمول نمایند و نتیجه حاصله نیز بین ارسال لیست افراد فعال گروههای مزبور به اداره دوم ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام گردد

جانشین رئیس ستاد مشترک سرتهب فلاحی
عینی معزات

سند شماره ۲

جنگ غیرعادلانه چیست؟

هر روز می شنویم که دهها مرکز پرحمیت است ایران بمباران میشود، می شنویم صدها نفر در این بمبارانها و در جبهه های جنگ کشته میشوند می شنویم که مردم از جنگ بیزارند، می شنویم که صف های نان، بنزین و... طولیل گشته است، می شنویم که فحطی، گران، بیکاری، تشدید و خفقان و... از جمله "هدایای این جنگ است." آوارگی صدها هزار نفر، شیوع بیماریها، گونا گونی بی خانمانی، تبدیل گشتن منازل عمومی به مخروبه های جنگی، آوار گشتن ساعت کا رودر نتیجه امراض استعمارکا رگران، بسته جبهه فرستادن جگر گوشه های کا رگران و زخمگشان و با لایحه بدینرا همه طولانی شدن جنگ، مردم رابه فکروا می دارد که از خود بپرسند:

چرا با بددرا این جنگ شرکت کنیم؟ بسرا ی دفاع از میهن؟ کدام میهن؟ میهنی زخمگشان یا میهن سرما به داران؟ برای چه کشته شویم؟ برای اینکه مرتجعین به منافع حریص و آزمندان نشان برسند؟ آه! در این جنگ نیا بد شرکت کرد.

ما نیز همصدا با توده های زحمتکش میهنمان می گوئیم: نه! نیا بددرا این جنگ شرکت کرد. اگر می گوئیم نیا بددرا این جنگ خانما نسوز شرکت کرده به دلیل آن است که این جنگ، جنگ بین سرما به داران ایران و عراق است. ما نمی - گوئیم هر جنگی بد است ما می دانیم که جنگ "میانفت شام" نیست، هر جنگی آوارگی ها، کشته - ها و زخمی های بیشمار و خوا هدداشت، جنگ زخمگشان علیه حکومت تزار و حکومت سرما به داران روسیه در سال ۱۹۱۷، جنگ کا رگران و زخمگشان شوروی علیه فاشیسم نچا و زگر آلماننی در سال ۱۹۴۱ جنگ خلقهای چین، ویتنام، کاموج و... علیه امپریالیسمتها بویژه امپریالیسم آمریکا، نسا میلیونها کشته و زخمی، با ویرانی هزاران خانه و گاشانه، با فلج شدن اقتصاد کشور و... همراه بوده است. ما چنین جنگها یی را نه تنها محکوم نمی کنیم، بلکه با تمام توان از آن پشتیبانی می - کنیم و آنرا می ستائیم و به شهدای چنین جنگی نیز افتخار می کنیم. چرا که می دانیم در مبارزه علیه استعمار با یاد خون داد، جان باخت و رنجها کشید، کسی که ما هیت جنگ را در نظر نگیرد و جنگ را صرفا به حساب کشته ها و زخمی ها و خسارات ناشی از آن، محکوم کند، در حقیقت جنگ خلق علیه امپریالیسمتها و سرما به داری را نیز محکوم میکند چنین فردی اگر با آکا مسا شد، دشمن مردم است

چرا که او با می گوید نیا بد علیه طبقه سرما به دار، علیه امپریالیسمتها ی منحا و زو علیه کلبه ستمگران جنگید، نیا بد آنها را نیا بود کرد، نیا بد با آنها از در سازش و نه جنگ وارد شد.

ما چنین عقیده ای نداریم، جان باختن در راه استقلال مسن کا رگران و زخمگشان، جان باختن در راه طبقه کا رگر و علیه سرما به داری و وا ستعمار علیه کلبه ستمگران، افتخار رهبر کمونیستی است. اینرا تا ربح مبارزات قهرمانانه و شهدا ده ای کمونیستهای شوروی، چین، ویتنام و... نشان داده است. اگر ما این جنگ و جنگ - های مشابه آنرا محکوم میکنیم، به این دلیل است که جنگی غیر عادلانه است. زیرا جنگ خلق

علیه مد خلق نیست، جنگ کا رگران علیه سرما به دار نیست، جنگ علیه امپریالیسمتها نیست جنگی در دفاع از میهنی که کا رگران و زخمگشان بر آن حکومت کنند نیست، جنگی است که علیه خلقهای ایران و عراق بر آه افتاده است. جنگی است که ضد انقلاب حاکم بر ایران و عراق از آن سود می برند و کا رگران و سرما به داران، گوشت دم تسی ب میشوند.

تا بد کسی بپرسد: آیا مردمی که در جنگ کشته میشوند، نیا بد از خودشان دفاع کنند؟ ما میگوئیم: در گدا م جنگ است که مردم کشته نشوند، آواره نگردند و ذایعات جنگ بر دوش آنها نیا شد. در بقیه در صفحه ۲۰

در پشت جبهه های نبرد نا عادلانه

این نبردی است بین جانبا ن
از دوستی؟
نبردی تاجمهوری استعمار
استوار ما نند
نبردی تاجنا بیت، خود را
جا و دانه بنما بند
در دوستی؟
اما کا رگران خواهند داشت
که بر ویرانه های این کشتار
پر حرم پیروز مندگار
بها هتزاز در نخوا هدد
اما برهنگان خواهند داشت
در پس این شبانگهان خونباران
جایه ای گرم، ز آفتاب فتح شان
برتن نخوا هدد کرد
اما گرسنگان خواهند داشت
در فرجام این شب ویرانی
کاسه ای از شیر سبیده دم رهایی
نخوا هدد نوشیدند
آنگاه از دوستی
دها نه ای گرسنه
گرسنه تر فریا ده ای عادلانه شان را
برخوا هدد کشیدند
و از دوستی
کارخانه های متعرض
بی تاب تر
توفان سرخ را بنها خواهد داشت
و از دوستی
کشتزارهای محروم
با خشم، با ده ای عادلانه
بها خواهند خوا ست
و آنگاه
آنگاه دهان میلیونی توده ها
بر این سرد عادلانه
تف خواهند کرد!

بردها نه ای گرسنه می گویند
در پشت دو جبهه نبرد
کا رخانه های بی تاب را طنا ب بچ میکنند
در پشت دو جبهه نبرد
زنجیرهای خالی را به سکوت می خوا ستند
در پشت دو جبهه نبرد
به کشتزارهای محروم فرمان می زانند
نفس در سینه حبس کنند
در پشت دو جبهه نبرد...
و اینهمه بی نیست آیا
تا بر جهره شوم این نبرد
تف کشیم؟



سرداران سرما به
با یونیفرمهای جنابیت رژه می روند
با یونیفرمهای جنابیت
که هنوز قطره های خون تازه رنجبران
بر آن
نقش بسته است
گردانهای ارتجاع
قدراست می کنند
و بیسی مها با
از با دگانهای غبانت
به بیرون می خزند
گردانهای ارتجاع
که هنوز از دم قوف سر کو بگرشان
بر بهندشت خلقها خون جاری است
و جانبا ن کهنه کار
اینبار
با نشانه های افتخار
بی آنگه از شلیک خشم توده ها بهرا سند
بردوشهای توهم مردم
و اینهمه بی نیست آیا
تا نعره بر آریم

جنگ غیرعادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

سوسیال امپریالیسم شوروی تامین کننده اصلی سلاحهای رژیم عراق

میباشد. در این ملاقاتها روبروی سیستمهای خاش
شوروی به سینه زده رژیم فاشیستی عراق قسوس
میدهند که نیازهای جنگی عراق را تامین نمایند.

جنگ ایران و عراق، فرصت دیگری است تا
طنی آن یکبار دیگر چهره فریبکارانه دشمنان را
خلقهها و از جمله سوسیال امپریالیسم روس بر ملا
گردد. شوروی امپریالیستی ما هیت ارتجاعی
خود را در پشت نقاب "سوسیالیسم" پنهان کرده و
مزورانه خود را "دوست خلقها" نشان میدهد. اما
وقتی کردار و عملکردهای همیشگی آنرا نگاه
میکنیم، واقعیت شوروی جز یک نیروی امپریالیستی
تبهکار و دشمن انقلاب چیز دیگری نخواهد بود.

میدانیم که رژیم عراق یک رژیم بورژوازی
و ضد خلقی است، رژیمی است که سرکوبگر کارگران
و زحمتکشان است، اما همین رژیم توسط سوسیال
امپریالیسم بعنوان یک رژیم ضد امپریالیست
حمایت میشود. این واقعیتی است که مسرو
شوروی اصلی ترین تامین کننده سلاحهای رژیم
صدام حسین است. شوروی بر اساس یک قرارداد
دولتی پنج ساله که در سال ۱۹۷۲ با عراق امضا
کرد، سالانه به ارزش یک میلیارد دلار تجهیزات
دلار سلاح جنگی به عراق تحویل میدهد. در سال
۱۹۷۸ شوروی یک قرارداد دیگر در زمینه نظامی
با رژیم صدام حسین منعقد میسازد. بر اساس این
قراردادها سایل مستشاران و کارکنان روسی به
عراق سرار بر میروند تا ماشین جنگی و ضد مردمی
ارتش عراق را سازمان دهند و بملاوه شوروی موفق
میشود تا در بندر بصره یک پایگاه نظامی مستقر
شما بد.

جنگ ایران و عراق فرصت دیگری بود تا
سوداگران تملیحاتی کیمه های گشا د خود را
بر کنند و رژیمهای ارتجاعی را برای کشتار
مردم مسلح بسازند. امپریالیستهای روسی به
سهم خود کوشیدند تا با دادن زدن به این جنگ
غیر عادلانه سلاحهای خود را بفروش بیاورند. یک
هفته قبل از تجاوزات عراق به شهرهای داخلی
ایران یک کشتی حامل سلاحهای روسی در بندر
بصره توقیف کرده و ابزار جنگی خود را به او
کند. بدنیال آن امپریالیستهای روسی ۱۰۰
تا ننگ "پی-۷۲" تحویل رژیم صدام حسین میدهند (۱).
چند روز پس از گسترش جنگ برای تامین سلاحهای
جدید طبق عزیز عضو برجسته شورای فرماندهی
و معاون نخست وزیر عراق به مسکو سفر میکنند و با
مقامات روسی از جمله بوریس پونوما ریوف
دبیر سیاسی حزب روبروی سیستم شوروی ملاقات

(۱) - رجوع شود به کتبها ن ۱۴ مهر: ملاقات
رجا شی با سفیر شوروی.
(۲) - همانجا.

میکوید:
"ما به انقلاب شما و اراده مردم احترام خاص
قائلیم ما می توانیم با هم در زمینه های
مختلف همکاری کنیم و ما هم از نظر
تسلیمات نظامی به شما کمک کنیم." (۲)
وقاحت هم حدی دارد! سوسیال امپریالیسم
نه تنها میخواهد فروشنده اصلی اسلحه به عراق
باقی بماند، بلکه همچنین میخواهد بطرف دیگر
جنگ یعنی رژیم ضد خلقی ایران هم اسلحه

آخرین خبر: خبرگزاری بهار روز جمعه ۱۸ مهر نیز خبر از کمک تسلیحاتی لیبی و سوریه به
ایران دادند. کمیت که ندانند این سلاحهای روسی است که از طریق این کشورها و
بدون تردید با اجازه سوسیال امپریالیسم روس به ایران داده می شود.

بفروشد، اما واقاحت برای امپریالیستهای
بی معناست. آنها به سود و فایز رتگری خود می -
اندیشند، آنها به گسترش نفوذ و سلطه امپریا -
لیستی خود فکر میکنند، آنها جز دستگیری کسار
دیگری نمیتوانند بکنند و بیروا ضاح است که
سوسیال امپریالیسم روس از این قاعده مستثنی
نیست. علیرغم تسلیحات فدا انقلابی روبرویست -
های حزب توده و چریکهای فدائی (اکثریت) که
شوروی را "دوست خلقها" معرفی می نماید،
علیرغم فریبکاریهای سوسیال امپریالیستهای
روسی که خود را "سوسیالیست" وانمود میکنند
واقعیت این است که شوروی یکی از سوداگران
اسلحه و مرگ، یکی از سرکوبگران انقلاب خلقها،
یکی از حامیان رژیمهای ارتجاعی و یکی از
امپریالیستهای جهان امروضا است. سوداگری
امپریالیستی شوروی در جنگ عراق و اسرائیل
نمونه بارزی است که چهره دغا فلکارانه شوروی و
روبرویستهای را بیشتر برملا میکند و خلقها و
کارگران ایران و جهان را هوشیارتر می نماید.



بر اساس این قول و قرارها، سوسیال امپریالیسم
ابزار آلاب جنگی و تجهیزات نظامی مورد نیاز
رژیم عراق را به پایگاههای نظامی خود در بندر
عدن (بحرن حبسی) و بندر ساوه (انزلی) فرستاده
و تخلیه می نماید و سپس این ابزار و تجهیزات
را از طریق کویت و بندر عقبه (اردن) به عراق
میرساند. بدین ترتیب شوروی که فقط به منافع
امپریالیستی خود می اندیشد قطعات بزرگی و
تجهیزات نظامی ارتش صدام حسین را تامین
میسازد تا رژیم عراق بتواند به جنگ ادامه دهد.
اما سوسیال امپریالیسم به این غارتگریها
بسنده نمیگردد، او میکوشد در این جنگ هم به نفع
آتش هر دو رژیم باشد. شوروی میدانده که سیستم
ارتش ایران سیستم آمریکایی است ولی از
طرف دیگر میدانده که رژیم ایران برای ادامه
این جنگ ارتجاعی به اسلحه نیازمند است.
بنا بر این همانطور که شوروی در زمان شاه خاش
به ایران اسلحه فروخت در حال حاضر نیز سعی
میکند یکی از فروشندگان اسلحه به ایران باشد.
در این زمینه سفیر شوروی در ملاقات با رجایی

بخیه از صفحه ۲۳ سخنمی...
۱- ارتباط گیری توده های، خیانتکارهای روبرویست -
ها، سوزانات نیروهای بینا بینی (۰۰۰)
۲- بینشها دات و انتقادات خود را به
پیکار و نحوه فعالیت سازمان در میان توده های
سرای ما بفرستید و نحوه داشته باشد که عدم پاسخ
به همه این بینشها دات و انتقادات در پیکار به
معنای عدم اهمیت آنها و پاسی توجیهی ما نسبت
به آنها نیست.

۳- اسناد و مدارک افشاگرانه در مسود
نحوه عملکرد دشمنان توده ها، رژیم، احزاب ضد
انقلابی... را برای ما بفرستید تا این شرط
که قید کنید اسناد میموانند نشان را رجسی
نیز به بدین به و با اینکه از نظر امنیتی اشکالی
برای فرستنده اسناد با ما دمیکند یا نه.

۴- در اول معمه اخباری که بفرستید، قید
کنید مربوط به اخبار کارگری یا دهقانی بیا

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

مشتی از خروار: اشاره‌ای به جنایات بعثی‌ها در عراق

خلق کرد در دره‌بینه منطقه (وجهان) منزوی کند و با امضای موافقتنامه الحزب بر دما رس ۱۹۷۵ جنبش خلق کرد را برای یک مرحله با شکست روبرو کنند. هر چند این شکست قبل از همه به افسانیت بودی رهبری ارتجاعی کردها بعثتی با ندملا مصطفی سازانی انجامید.

بعثی‌ها پس از سرکوب جنبش خلق کرد هر چه توانستند چنانبت کردند. مبارزان و کمونیست‌ها را که در کشتار حلق کرد می‌کشدند و رومیار نمودند و با فرا تر گذارده، بر اساس یک سیاست شویب‌نستی بر نا مه کوچا بدن کردها از کردستان و اسکان دادن آنان در مناطق دیگر عراق بویژه نواحی جنوبی را به مرحله اجرا درآوردند تصور کنند وقتنی نیم میلیون نفر از خلق کرد که عموماً روستائی و کشتا ورز هستند از آب و هسواای کوهستانی و سردسیر مزارع و مراتع و خشویه معیشتی - سنتی خود به مناطق صحرائی بسیار گرم جنوبی که هیچ با آن آشنا نشی ندارند منتقل شوند چه معیشتی برایشان بسیار مبادی روزیم بعثی عراق این برنا مه را با وحشیگری تمام تا حدود زیادی به مرحله اجرا درآورد و وحای کوچ داده شدگان، دهقانان مصری (قریب نیم میلیون نفر) را به کردستان گسیل داشت، بعثی‌ها بدن وسیله هم کردستان را با اصطلاح عربی کردند و سیاست شویب‌نستی و نژادپرستانه خود را به نمایش گذاردند هم به ما دات که و ا در ا در ظاهر خاشی می‌تا میدند کمک نمودند اما اسکها پس برنا مه تا چه حد به با بن خود نزدیک شده ما فعلا خبر ندر ا ریم ولی این بر ما مه و خود داشت و بسا شدت عملی میشد.

ادامه رهگیری با خلق کرد و سرکوب آبان طی سالهای متناهی و تبلیغات شویب‌نستی رژیم ارتجاعی حاکم و وحوشی که از دو طرف کرد و عرب در این جنگها ریخته شده در روحیه انفراد نا آگاه عراقی چنان حالتی بوجود آورده است که مثلا برخی از مردم عادی در شریف از شخصی میگویند: "فلانی خیلی شجاع است او بدست خود چند کرد را کشته است و عکس این مطلب نیز صحت دارد! آری برپا کردن آتش کینه و تعاقب بیچین زحمتگان از اهداف و دستاوردهای رژیمهای بورژواشی و ضد خلقی است. امری که در ایران هم در نتیجه عملیات سرکوبگرانه و کشتارهای نظیر فرلاتان و قارنا و مباران دهکده‌های کردستان توسط رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات نعره افکنانه‌ای که رژیم انجام میدهد بدندان نا امن زده میشود.

● زندانیهای عراق و محاکمه‌ها دستگیران

"کودتای نظامی هشتم فوریه که به "انقلاب ۱۴ رمضان معروف است موجب ساقط شدن قاسم گردید اما سمکشته شد. قدرت را یک نیروی اشتقاقی طرفداران صر (برسات جمهوری عبدالسلام عارف) و حزب بعث (به نخست - وزیر ژنرال حسن البکر) در دست گرفت. بعثت موقعیت بهتری داشت. نیروهای محافظه کاران را با بودن ناگهانی خطر غوطه ور شدن در آغوش کمونیسم، سخت‌شادمانی کردند، یک دادگاه نظامی بعثتی تشکیل شد تا کمونیست‌های مورد سوء ظن و فراریان را بچنگ آورده و محاکمه کند. پنج هزار نفر به این طریق کشته شدند."

یکی دیگر از اقدامات فاشیستی بمبها، کشتار عام کمونیست‌ها در موصل و کرکوک بود که به سال زمان نخست وزیر البکر - که بیش از ۹ ماه نپا شد - صورت گرفت. اقدامی که تاریخ معاصر جهان در کشتار کمونیست‌ها در اندونزی و سودان از آن با دمیکند. کشتارهای که به رویز - یوستها نیز رجم نکرد و آنها را هم از تیغ گذراند. ● بعثت در سرکوب خلق کرد، اکر یکوشم گوی سسقت را از همکار رسوده اند، در دره‌بینه دیگر رژیم‌ها ش که در ترکیه و ایران حقوق خلقی کرد را منکسر کرده و به سرکوب آنها پرداخته اند می باشد.

کردستان عراق، از سال ۱۹۶۸ بعد از کشته حزب بعثت معددا و این با سطورا تحماری قدرت سیاسی را در عراق بدست داشته، مدام در معرض سرکوب، قریب، اختناق و ستم بوده است. بعثیها وقتنی در سال ۶۸ بروی کار آمدند اما کردند که به کردستان خود مغانری خواهند داد. رهبری عشرتی کردها بدست با سار تواعی ملامصطفی - با رزانی بود و او پس از ساشی که با حکومت مرکزی کرد و با دوور بر کما همت در کما بینه عراق شرکت نمودا از هدا که با ندا البکر - مدام حسین از لحاظ درگیری با کردستان نفس راحتی بکشد ولی این قریب و سازش چندان نپا شد و در نتیجه عدم وفاداری رژیم به وعده‌ها شش در ماه سال ۱۹۷۴ به درگیری کشید. مقاومت خلق کرد به سرکوب وحشیانه و بمباران روستاها و معا صصره امتناعی از سوی بعثیها روبرو گردید و قربانیان فراوان داد. ولی رهبری ارتجاعی کردها نگذاشت که این مبارزان به شهر بسودا استکاء به کمکهای شاه "دوست دوستی در از کردن بسوی آمریکا و اشغالگران اسرائیلی حش خلق کرد راه وادی احراف و شکست کشانند. بعثی‌ها توانستند با مستمسک قرار دادن روابط با رزانی سا نا و اشغالگران اسرائیلی و آمریکا مبارزات

حزب بعثت در سال ۱۹۶۷ در سوریه با گرفت بنیاد نگذاران اولیه، روشنفکران بورژوازی ملی خرده بورژوا بودند و آمیزه‌ای از ملی گرا شعی شویب‌نستی، سوسیالیسم تحمیلی اساس فکر آنها را تشکیل میداد. آنها شعار "وحدت عربی، آزادی از سلطه استعمار، سوسیالیسم" را تبلیغ می کردند و البته مفهوم خاص آنان از "سوسیالیسم" نوع خرده بورژواشی آن است. و با سوسیالیسم علمی تفاوت اساسی دارد.

آنچه در نا سیم این حزب نقش تمییز - کننده‌ای داشت به اعتراف بنیاد نگذاران آن - میشل عسقل - صدهبت با کمونیسم ویا فتن بدسبل (آلترنا تیو) بجای آن بود. در این باره او گفته است :

"برای آنکه جوانان را از پیوستن به صفوف کمونیست‌ها مانع شویم جا رای حزب وجود آوردن حزبی دیگر با ایدئولوژی خاص خود مان نیست و این حزب بعثت است (۱). بعثی‌ها برای بدست گرفتن قدرت سیاسی، خیلی زود به فکر نفوذ در ارتش‌های عربی و کودتا افتادند. آنها در عراق و سوریه از همین راه قدرت را بدست گرفتند و هنوز هم همین راه را دنبال میکنند. کودتا‌های بعثی نمونه‌های تاریخی از کودتا‌های خونین و وحشیانه‌ای را که می‌دهد که در عین ظاهر ضد استعماری و ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و با اصطلاح ترقیبی - خواهانه و سوسیالیستی!، در درجه اول کمونیست‌ها کارگران و زحمتکشان را از "حما خون" عبور داده است این بر خوردهای ضد انقلابی از خرده - بورژوا‌ها ش که بسا تکا توطئه و کودتا بر سر کار آمده و بورژوازی دولتی را مستقر کرده است شکست آور نیست.

● در ۸ فوریه ۱۹۶۴ حزب بعثت در عراق (بسا همگاری برخی افسران طرفداران صر) کودتا کرد و رژیم عبدالکریم قاسم را که نما بنده بورژوازی ملی در آن زمان دارای گرایش‌های مترقیانه‌ای هم بود (اولین گام برای اصلاحات ارضی و اولین ضربه به احتکارات نفتی وسیله انجام شده بود) با خشونت تمام سرنگون ساخت. و برای ایجاد رعب و وحشت در دل‌های مردم احساسات شده بران رژیم سرنگون شده را در تلویزیون بغداد دیده نمایش گذاشت. پیدا دگاها تشکیل شد و به تمقیب کمونیست‌ها پرداخت. ما کسیم - رودمنون در کتاب عرب و اسرائیل (مجله ۱۲۶) در این باره می نویسد :

(۱) - نقل بمفهوم از مصاحبه میشل عسقل با مجله آفاق عربیه، نشریه تشویک حزب بعثت (عراق).

تحاو زات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

←

دیگری دارد. شکنجه و آزارهایی که کمتر کسی سالم از آنها بیرون می آید، رژیم یعنی هائعدر وقیح و در اعمال فاشیستی خود بیشتر است که هرگز اجازه ندادند است یک هیات بس المللی از زندانیهای مخوف آن دیدن کند. هرگونه مخالفتی، هرگونه گزارش از باند های پلیسی باعث علیه شخص کافی است تا او را به سبب اجالی بیاندازد که بیرون آمدن آن به جوحه وطنی هیچ قانونی تضمین نیست. تعقیب و مراقبت گز ارش های پلیسی، وجود یک سپاه از مزدوران امنیتی مسلح به سلاحهای کمتری که در هر کوی و برزن پراکنده اند، پربودن زندانها و شکنجه های قرون وسطائی - که مورد سجا و زحمتی قرار گرفتن یکی از آنهاست - محاکمه های که زمانی آن گاه به چند ساعت و با کمتر تقلیل می یابد و حوبه های دارو حوبه های اعداد مو... اینها از عوامل تشبیت پایه های لرزان حکومت فذخلقی یعنی ها طی چند سال گذشته بوده است. اما آیا رژیم ها شی که حکومت خود را بر سر کوب خلق ها و نیروهای انقلابی و مترقی بنا میکنند، بمانند کسی نیست که تا لوده خانه را برفا کسترته باشد؟ یک کارگر کمونیست عراقی که سالها در زندان بوده برای یکی از رفقای مانقل کرده است که در دوره اول حکومت یعنی ها او را همراه با صدها تن از محکومین به اعدام با طایفه ریمسوی بصره می برده اند. آنها را در وا کونتهای بساری همچون لاشه روی هم انباشته و آب همد آن گرمای طاقت فرسا به آنها نمیدادند. هدف این بوده است که اگر در بیسی راه تلف شدند چه بهتر و اگر نشدند در بیبا با نهایی نزدیک بصره را بر به - نیست کنند! این جنایت هولناک که انجام آن بوسیله بورژوازی و نیروهای فذخلقی امسری غیر منتظره نیست به داستان اعدای دستبسته جمعی یهودیان در کوره های آدمسوئی شوویتس در دوره نازیها شباهت دارد. رفیق کارگر عراقی میگفته است که "در نزدیکیهای بصره و پس از آنکه چندین نفر از ما حان سپرده و بقیه کمتر رفیق از آنها مانده بود بوسیله عده قابل توجهی از مردم صوب عراق که از این کاروان مرگ خبردار شده و برای جلوگیری از این جنایت به بیبا بان آمده بودند و با هروسيله ممکن راه را بر قطر بستند و حات با فتمیم."

● خلقان، ممنوعیت آزادی بیبا ن و قلم مگر آنچه بفتح حزب بعث است. فربیکاری و "انقلابی" نشان دادن برخی اصلاحات که در واقع بعنوان مسکن تحت فشار مباررات و خواسته های نوده های زحمتکش عملی شده است، وجود سراسر مه های تبلیغاتی گسترده ای که جهت منحرف کردن از بیاضل اصلی و به فسا رکشیدن جامعه صورت می گیرد، نمونه دیگری از عملکردهای فذخلقی رژیم بعثی عراق است.

● در بیبا ن این اشارات کوتاه، به موضع گیری بعث در قبال مسئله فلسطین هم اشاره ای میکنند. بیبا ن کید مینما شیم که قضیه فلسطین و حمایت

از آن در عراق هم لحاف ملانصرالدین است. بعثی های عراق همواره تندترین شعارها و سازشنا پذیرترین حرفها را در رابطه با فلسطین مطرح کرده اند بطوریکه گاه از خود فلسطینی ها هم که ما حسابی قضیه اند، جلوزده اند. یعنی ها از آنها پیش خواسته اند "انقلاب" خود را به فلسطین هم "ما درکنند" و یک با بند بعثی را در درون جنبش فلسطین کا شده و آنرا "جنبه آزادیبخش عربی" نامیده اند. کوششی که رژیم جمهوری اسلامی ایران هم با دیدگاه اسلامی خود در فکر انجام آن است. صدورانقلاب اسلامی به فلسطین و راه انداختن یک باند آلت دست و تحمیل آن به انقلاب، اسن کوشش تاکنون در نتیجه آگای فلسطینی ها تا موفق بوده ولی اسن تلاش ادامه دارد. ما نسبت به این توطئه هم به فلسطینی ها هم به توده های انقلابی ایران هشدار میدهم.

نمونه بار زرفربیکاری یعنی ها در رابطه با حمایت از انقلاب فلسطین موضع آنها در سپتامبر ۱۹۷۰ است. توضیح اینکه پس از روشن سال ۶۷ طبق توافق سران عرب، عراق یک لشکر مجهز در مرزهای فلسطین اشغالی در خاک اردن مستقر کرده بود که با صلاح در سر برداشتن اشغال - گراز حقوق اعراب دفاع کند. او گبیری جنبش مقاومت فلسطین و موج حمایت از آن از طرف توده های عرب رژیم یعنی عراق را که از ژوئیه ۶۸ سرورگرا آمده بود به دعا ها و تبلیغات دهن برکن بیشتری کتاند. بهنگام مدرگیری بسن انقلاب فلسطین و ارتش ملک حسین رژیم عراق که با صلاح خود را مترقی درجه ۱ میدانست اعلام کرد که لشکر مستقر در اردن در اختیار فلسطینیها خواهد بود. اما شعبه تکسید اگریگو شیم که اسن لشکر بنا به دستور رهبری حزب بعث در زندانده تنها به حمایت از فلسطینی ها برنخواست بلکه از مواضع خود عقب نشینی هم کرد تا راه را بسرای توپخانه ارتش اردن جهت زیر آتش قسرا و دادن اردوگا های آوارگان فلسطینی بازکنند. عراقیها را همایشی راه همین گذاری کردند تا اگر ارتش سوریه خواست به نفع فلسطینی ها مداخله کنند بتوانند از این جنبایت به مساله فلسطین راهم اعراب بنا رژیم لیکر - صد امسین به ثبت رسانند!

در عراق از سال ۱۹۲۰ بعد کوره مبارزه طبقاتی همواره داغ بوده و سوده های زحمتکش و بویژه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و کمونیست هرگز دست از مبارزه ای امان نکشیده اند. زحمتکشان عراق علی رغم شکستها و فربیه ها و خبا نتهای روبرو بوسیله آنها که همین رژیم صدام را مترقی و انقلابی از بیبا میگردند و هنوز هم سوبال امیربالمشوروی با همین تحلیل و توجیه آن را مورد حمایت قرار میدهد، به مبارزه خود ادامه خواهد داد. زحمتکشان عراق از رهبری نیروهای مذهبی هم غیری ندیده اند بلکه بسیار دستشان سوخته است. ما اسن را در مقالات دیگری به تعمیل نشان خواهیم داد.

بنیه از صفحه ۴ وظایف...

با این گرایشها، خود را در سطح توده ها مطرح سازد. اگر چه صدنا موانع سکتا ریم بر اسن حرکات پیشرو که در خدمت بر خورده اند لتونبست به مبارزه طبقاتی جاری بود، زده شد. اما امروز بسیاری به اشتباه خودی برده اند و خود در جهت همین خط حرکت میکنند، بی آنکه دست به اشتقا دا خود بزنند (حرکت با زمان رزمندگان در مورد مسئله تشکیل دانشجویان هوا دار، نشوبه فابریک و تکیه بر فعالیت مستقل از این جمله است).

بنا بر این چه در رابطه با مبارزه سساد طبقاتی (ضرورت آلترنا تیو کمونیستی بسرای توده ها) چه در رابطه با جنبش کمونیستی (تقویت بخش پیگیر جنبش کمونیستی) و تضعیف و غنشی سازش گرایشها و روبرو نیستی و جلب توده های بیشتری بسمت بخش پیگیر (چه از کاتال مبارزه ایدئولوژیک و اصلاح آنها، چه از طریق جلب توده های آنها بطرف سازمان) آری با تکیه بر این ضرورتهای انگار بنا پذیرا ست که میگوئیم تبلیغ و ترویج مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان و کوشش در جهت مطرح ساختن سازمان بسنا به یک آلترنا تیو در میان توده ها، با تمام قوا، بدون درنگ و ترس از "نگسکتا ریم بیکی از حیا شی ترین وظایف رفقا است."

از این لحاظ کلیه رفقا با بدبیش از پیش نسبت به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان آگای با فته و با تمام قدرت به تبلیغ و ترویج آن و مبارزه ایدئولوژیک با گرایشها انحرافی چه در جنبش طبقه کارگر و توده های زحمتکش و چه در جنبش کمونیستی بپردازند مبارزه ایدئولوژیک هیچگاه تنها به در سطح جنبش کمونیستی محدود بماند. چرا که برخی از نیروها (همچون فدا شیسان (اکثریت)) تفوق قابل توجهی در جنبش خلقی دارند و از اینرو مبارزه ایدئولوژیک با آنها در سطح جنبش خلقی (اگر چه عمدتا تبلیغی) و افشای آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. مساکمونیستها نباید اجازه میدهم (و اسن اسر از طریق مبارزه فعال خود مان در جنبش و افشای آنها امگا نپذیرا ست) که روبرو بونیستها و سازشکاران با نظریات فذخلقی و سازشکارانه - شان با رد یگر توده از بند توهم رسته را به زیر بوغ بورژوازی داخلی و بسن المللی بکشاند. رفقا نباید خطر روبرو نیستم را که میتواند بار دیگر همچون سالهای ۳۲ جنبش توده ای را به شکست بکشاند دست کم پیگیر ند و در افشا و مبارزه ایدئولوژیک بی امان با آن دچا رهسل انگاری وساده اندیشی شوند. (ادامه دارد)

در این مقاله به همین اشارات کوتناه اکتفا میکنیم. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ما خود را همبهمان استراتژی طبقه کارگر - رگرو زحمتکشان عراق میدانند و وظیفه خود میدانند که از آنها حمایت کنند تمهیدی که نیروهای کمونیستی و انقلابی عراق نیز در مواضع سیاسی خود نشان داده اند.

حزب توده و مسئله عراق: تجسیمی از بوقلمون صفتی و ابن الوقتی!

جمهوری سوسیالیستی متحده عربی، مصر (عرب سوسیالیستی!) مبنای شکیله وار د شاره سوسیالیسم شده و کشورهای سومالی، عراق، سوریه، لیبی، برونه در این راه به موفقیت‌های بزرگی دست یافته‌اند.

بچه‌ها:

از "دموکرات" و "سوسیالیست" تا فاشیست و نوکر امپریالیست!

"توده‌ای‌ها" در مجله "دنیا" اسفند ۵۲ عراق را جزئی از سیستم سوسیالیستی جهان ارزیابی میکنند:

"تحول روابط ایران و عراق را فقط وقتی میتوان بدرستی درک کرد که آنرا در مقطع مناسبات بین المللی و مبارزه میان دو سیستم سوسیالیستی و امپریالیستی طرح کنیم... هم‌انطور که گفتیم حکومت دولت ایران با دولت عراق ناشی از تفاوت کثیفی میان آنهاست... دولت کنونی عراق که در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ بر سر کار آمد در نتیجه مبارزات داخل حزبی و تحولات خارجی بتدریج در مشی مترقی خود راسخ تر شد. از همان روزهای نخستین استقرار حکومت احمد حسن البکر یکی از هدفهای آن حسل مسئله گردید. (البته حل مسئله کرد از طریق مبارزان خلق ستم‌دیده گرد با میگهای روسی - بیکار)... همه مبداء تندکده دولت شوروی با دولت عراق دارای قرارداد دوستی و کمک متقابل است. هیچکس نمیتوانسد دولت شوروی را از کمک بدولت عراق منع کند."

اما بتدریج رژیم بعثت روابط خود را با امپریالیستهای غرب افزایش میدهد و روابط با شوروی نیز با طبع کمتر از سابق میشود. فاشیستهای بعثت که با کمک سلاحهای شوروی و تبلیغات رویزیونیستهای عراقی حاکمیت خود را مستقر کرده اند به "دوستان" خود هم رحم نکرده و شروع به گشتا روزندانی کردن رویزیونیستها هم میکنند، در اینجا نیز "حزب توده" ما نندیشک دماغ منظم میزان تخفیر روابط عراق و شوروی را منعکس میکند، در دنیا شماره ۱۱ - ۱۰ دی - بهمن ۵۷ آنها نا هم کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق به مقامات حاکمان کشور چاپ میکنند، این نامه نشانه کامل در بزرگی رویزیونیستها است. از یک سو بعثت رویزیونیستها را نیز - بقیه در صفحه ۱۶

خاشن و فروش اسلحه به ارتش ضد خلقی اش باشد، اقدامات شاه مثبت میشود و اگر شاه خاشن بعنوان کارگزار امپریالیسم آمریکا با شوروی در بیافتد خاشن میشود. اگر سیاست شوروی زمانی حمایت از شاه و از این رو ضدیت با مخالفین شاه است، آیت الله خمینی "مرتجع" میشود و روز دیگر که شوروی میخواهد تورش را برای رژیم جمهوری اسلامی بگساراند، خمینی انقلابی و ضد امپریالیست میشود و قس علیهدا...

عراق نمونه درخشان راه رشد غیر سرمایه داری!

در مورد عراق نیز همینطور است، زمانی که میگ‌ها و سلاحهای مدرن روسی به رژیم ضد خلقی بعثت عراق داده میشود تا سینه خلق قهرمان کرد عراق را هدف قرار دهد و مستشاران روسی بخود مستقیماً هدایت جنگ بر علیه کردهای عراق را در دست دارند و نیز بزبان راهای عراق - نیروی کالاهای روسی گشوده شده است، "حزب توده" برای خوشایند بعثت‌های عراق میگویی: آنها دولت فاشیست بعثت عراق را "دولتی ملی و دمکراتیک مینامند که بطور مثال آلمانیسمی سوسیالیسم روان است" (۱۰).

عراق را نمونه درخشانی از استقرار سوسیالیسم توسط راه رشد غیر سرمایه داری نامیده و در جمله مسائل بین الملل خود از قول رویزیونیستهای عربی در مورد فاشیستهای بعثت چنین میگویند:

"حوادث اخیر نشان داد که جنبه‌های ملی موجود در عراق و سوریه بهترین شکل اتحاد توده‌های مردم و کلیه عناصر میهن پرست هستند" (۱۱)

منظور از جنبه ملی، جنبه‌های است که رویزیونیستهای عراقی ("توده‌های عراق") با بعثت‌های خاشن ساخته بودند.

سوسیال امپریالیستهای روس سالها تبلیغات زیادی در مورد "سوسیالیسم بعثت" راه انداخته بودند، نشریه روسی "پدولوژی، سیاست و اقتصاد آفریقا" انتشارات پروگرس ۱۹۷۵ می نویسد:

"نمونه کشورهای که از این طریق (راه رشد غیر سرمایه داری) به سوسیالیسم رسیده‌اند،

- (۱۰) - ماوشیسم و بازتاب آن در ایران - صفحه ۱۱۷
- (۱۱) - مسائل بین الملل، شماره ۱۰ فروردین - اردیبهشت ۱۳۵۳

رویزیونیستها گلبا دهستند، بهر سو که با دمی وز دروان میشوند. آنها ما رولکهای هستند که در آفتاب بزرگ نور دمی آیند و در سایه خود را بسایه می میزند و در میان درختان نیز بسایز میشوند آنها میخواهند روزی از اصلاحات ارضی شاهانه دفاع کنند (۱)، روز دیگر سناستهای شاه خاشن را مثبت بنامند ("سیاست دولت ایران در ارتباط با تجار و زارات بین المللی امپریالیستی در خاور میانه، در ویتنام و... بطور نسبی مثبت است") (۲) و یکوشند تا با کاشندن اوبسوی شوروی "راه رشد غیر سرمایه داری" را در ایران برقرار نمایند و روز دیگر او را خاشن و لایستی سرنگونی بنامند. روزی آیت الله خمینی را "مرتجع" بنامند (۳) و روز دیگر او را بزرگترین انقلابی جهان، روزی با زرگان راستایش کنند و خواهان همکاری فعال خود با این نخست وزیر با اصلاح انقلابی شونه (۴)، روز دیگر او را لبرال بخوانند، روزی نیز راستایش کنند و انتخاب او را با مریاست صنعت نفت از بهترین انتصابات "دولت انقلابی" قلمداد کنند (۵) و روز دیگر او را بیگانه از اول با مخالف بودند، روزی مدعی جلاد امپریالیستهای انقلابی و فاشیست (۶) و روز دیگر او را شایسته نامند، روزی او را و دشمنان افغان را "سوسیالیست" نامند (۷) و روز دیگر او را مرتجع، روزی برای حفظ الله امین هورا بگشند (۸) و روز دیگر او را آمریکایی قلمداد کنند (۹) و روزی...

"حزب توده" هر روز بیک ساز میرقصد، منتهی ساز زن او همیشه یکی است:

سوسیال امپریالیسم روسی

سیاستهای امپریالیستی روسیه تعیین کننده سیاستهای "حزب توده" است و از تناقض و هر روز بیک رنگ و لباس در آمدن حزب توده، در همین جاست. اگر سیاست شوروی نزدیکی با شاه

- (۱) - دنیا، دوره دوم، سال هفتم شماره ۳ و نیز پیام امپریالیسم انگلندی بعنوان دبیر کل حزب کمونیست شوروی و ریزونیست بلخا رستان.
- (۲) - نقل از ماهنامه آودنوروزی عضو کمیته مرکزی با نشریه فاشیست وابسته به حزب رویزیونیست آلمان غربی، آوریل ۱۹۷۲
- (۳) - تاریخ نوین ایران از انتشارات حزب توده، صفحه ۲۲۳ و ۲۵۹
- (۴) - مردم در شش ماه پس از قیام بهمن.
- (۵) - مردم شماره ۱
- (۶) - مردم، ماههای مرداد و شهریور ۵۸.
- (۷) - مسائل بین الملل، ۳ تیر ۱۳۵۶
- (۸) - مردم، ۲۸ آذر ۵۸
- (۹) - مردم، ۱۰ دی ۵۸

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



کمکهای مالی دریافت شده

ن	ل	ع	ج	ت
۱۳۵۰۰	۱۹۵۰۰	۸۰۰۰	۹۰۰۰	۱۸۳۰۰
۱۹۰۰۰	م	۹۵۰۰	۸۵۰۰	۱۷۹۹۰
۲۲۱۰۰	۱۵۵۰۰	۱۲۲۰۰	۱۰۰۰۰	۱۵۱۰۰
۵۹۰۰	۷۳۰۰	۴۰۰۰	۳	۲۴۰۰
۱۵۱۰۰۰	۷۲۰۰	۸۶۶۰	۱۲۹۹۰	۲۶۰۰
۱۱۳۰۰	۷۰۰۰	۳۰۰۰	۲۱۹۰	۳۷۰۰
۲۹۰۰	۷۲۰۰	۶۰۰۰	ز	۲۰۰۰۰
۱۴۰۰۰	۷۲۰۰	۶۲۳۰	۱۲۳۰	۵۱۰۰۰۰
۱۴۰۰۰	۷۲۰۰	۶۷۰۰	ک	۳۲۳۰۰
۵۵۰۰۰	۶۰۰۰	۹۸۰۰	س	۱۲۲۰۰
و	۱۱۵۰۰	۷۰۰۰	ی	۱۱۲۰۰
۱۲۲۰۰	۱۹۹۰۰	۷۰۰۰	۷	۲۶۰۰
۱۱۱۰۰	۶۰۰۰	۱۱۹۹۰	تی	۵۰۰۰
	۲۷۰۰	۱۴۹۹۰	۱۹۱۷۰	۹۷۰۰
	۷۹۰۰	۵۰۰۰	۹۶۶۰	۹۶۰۰
	۱۲۰۰۰	۵۰۰۰	۱۲۲۰۰	۹۰۰۰
	۱۱۰۰۰	۵۳۳۰	۷۱۱۰	۲۰۰۰
	۲۲۱۰۰۰	۳۱۰۰۰		

- ۱- رفیق مادری ۱۰۰۰ ریال.
- ۲- رفیقی از فرانسه ۲۰۰۰ ریال.
- ۳- رفقای کارگروه آواران آراک ۱۰۰۰ ریال.
- ۴- رفقای هواداران زخمین ۵۰۰۰ ریال.
- ۵- الف - ی از سراب ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۶- بخش کارگری غرب تهران ۲۲۰۰۰۰ ریال.
- ۷- رفقای هواداران سازمان در جنوب غرب تهران ۵۰۰۰ ریال.
- ۸- رفقای هواداران گرج ۹۰۰۰ ریال.
- ۹- رفقای هواداران آزادی آباد تهران ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۱۰- رفیقی از نازی آباد ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۱- رفیق (ب-ه) ۳۰۰۰ ریال.
- ۱۲- م سب (برای کردستان) ۱۸۰۰۰ ریال.
- ۱۳- رفیق هواداران مسجد سلیمان ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۴- رفیق معلم ۱۱۳۵۰
- ۱۵- رفقای معلم هواداران (گیلان) ۶۰۰۰ ریال.
- ۱۶- م (کارگر زشت) ۱۰۰۰ ریال.
- ۱۷- م ل (مادران گیلان) ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۸- رفقای هواداران سازمان در آسزلی ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۹- دانشجویان و دانش آموزان هواداران سازمان پیکار (آسزلی) ۱۰۰۰ ریال.
- ۲۰- رفقای محلات (آسزلی) ۵۰۰ ریال.
- ۲۱- م شادی ۲۰۰۰۰ ریال.
- ۲۲- م (کارمند زشت) ۲۸۰۰۰ ریال.
- ۲۳- ن (آسزلی) ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۲۴- رفقای هواداران (الاهجان) ۳۷۰۰۰ ریال.
- ۲۵- رفیق دانش آموز ۴۰۰۰ ریال.
- ۲۶- رفیق (راشده) ۵۰۰۰ ریال.
- ۲۷- رفیق دربند (گیلان) ۵۰۰۰ ریال.
- ۲۸- مسافر (الاهجان) ۲۵۰۰ ریال.
- ۲۹- رفقای هواداران (الاهجان) ۳۲۵۰ ریال.
- ۳۰- رفقای دیپلمه از جنوب ۵۰۰۰ ریال.
- ۳۱- رفیق هواداران جنوب ۱۰۰۰ ریال.
- ۳۲- رفیق دانش آموزان از هواز ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۳۳- رفیق م - م از هواز ۱۹۰۰ ریال.
- ۳۴- رفیق آرا ۶۵۰۰ ریال.
- ۳۵- رفیق ب ۲۱۴، کمک مالی ات رسید.
- ۳۶- رفیق (داستو)، کمکهای داروشی و مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
- ۳۷- رفقای (۵۵-۸۸)، (الف از رشت)، (غ-۳۱)، هدیه شما رسید.
- ۳۸- روستایان مبارزان بادی (س-ت) اطراف کامیاران مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما به سننرگان سازمان رسید.
- ۳۹- رفیق (ک) هدیه شما به بیشترگان سازمان (منطقه کامیاران) رسید.
- ۴۰- رفیق هواداران زروستانی کلیکان (مازندران) مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
- ۴۱- رفیق دانش آموز (و-۶) کمک مالی ات رسید.
- ۴۲- رفیق دانش آموز (س-ر) از روستای قضاکی نامه ای کوتاه و مضمی برای سازمان فرستاده که با آرزوی موفقیت برای اوقستی از شما رهش را در برمی آورد.
- من بگی از هواداران سازمان پیکار هستم و این مبلغ تا چیزی به سازمان پیکار تقدیم عرض میسازم و امیدوارم هر چه زودتر از دستخط شما به داری و راسته ها گردیم.

دست به اقدامات مخلطمی رد و از جمله شروع به اخراج کارگران مهاجر افریقای سیود (در فرانسه) ۳ میلیون کارگر مهاجر افریقای شی و خود دارد) این دولت برای اجرای این تصمیم ارتجاعی و اخراج کارگران که سالهاست در فرانسه استوار میسود و بجا طریبری کارائی خود را ادرست مدهده به باری کشورهای عریسی بوطن این کارگران نیار مسدود که اخیرا در این مورد با دولت الجزایر توافق رسد. دولت فرانسه یک بودجه ۷۰۰ میلیون فرانکی بسرای اخراج ۳۵۰۰۰ کارگران مهاجر در سه سال آینده اخصا می داده است و تصمیم نه برداخت ۱۲۸۰۰

مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی هر روز گسترده تر میگردد

فرانسه به هر کارگر (هرمراک = ۱۷ ریال) برای خروج افرانسیدون حق بازگشت به آن کشور دارد. کارگران در فرانسه از همان بدو شروع اخراج کارگران مهاجر افرانسه مبارزات گسترده ای علیه دولت امپریالیستی فرانسه آغاز کردند که همچنان ادامه دارد.

● فرانسه

اعصاب و تخصص در بسیاری از کارخانه های منطقه لوار گنرس با فضا است. کارگران مبارزان و از جمله کارگران کارخانجات رنو (از بزرگترین سازندگان اتومبیل در اروپا) برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد ها اعتراضات و تحصن ادامه مدهده. علیرغم سیاست سازتکارانه رهبران سندیکا های فرمسنی و روپرتونیستی فرانسه، بپرولتاریه ای فرانسه همچنان به بنسنت ررمنده کمون با ریس وفادارند.

زنان کارگر، تولید را در دست میگیرند

۳۱۸ کارگر زن "موسه لاس دوزی سول" در اوولتان (فرانسه) پس از ۴ ماه اشغال کارخانه اقدام به تولید مستقل کردند. در ماه مه دنبال اقدامات مدیریت کارخانه جهت مدرتیرا سیون موسه که سکاری کارگران را بدسیال داشت، زنان کارگر این موسه اقدام به اشغال کارخانه کردند. این کارخانه از موسسات مهم لباس دوزی فرانسه است و بسیاری موسسهی سرکاردن طراح معروف فرانسوی لباس های گرانقیمت بسده میکند.

از انتشارات جدید سازمان

لنین درباره جنگ مجموعه مقالات (۱)

قیمت ۲۰۰۰

● اپرند
اعتماد بر اندنگان و توزیع کنندگان سبزیس بسیاری از موسسات نفنی اپرند چهار رمین هفته خود را بشت سرگذاشت. کارگران اعمتایی خواهان بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد در مقابل افزایش بیش از حد قیمت ها هستند.

● ایتالیا

اعتصاب کارگران فلزکار

کارخانه تولید شویبیل سازی فیات برای مقابله با بحران اقتصادی گریبا تکبر موسه، تصمیم به بییکا کردن ۱۴۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه های فیا گرفتند. روز ۲۵ سپا میرکلنه کارگران صنایع فلزی ایتالیا برای اعتراض به این تصمیم ضد کارگری سرمایه داران ایتالیا، شی، یک اعتصاب عمومی اعلام کردند. در همان روز کارگران تاسیسات فیا در دریبه (مهمترین کارخانه فیا) یک اعتصاب عمومی اعلام نمودند. همین منظور از طرف کارگران مبارز ایتالیا شی دو نظ هرات عظیم یکی در نابیل و دیگری در تورینو (مراکز مهم گروه فیا) انجام گردید. مبارزه کارگران ایتالیا شی بر علیه اقدامات ضد کارگری کارخانه فیا همچنان ادامه دارد. ایتالیا بدنبال اعتصاب و نظ هرات کارگران فلزکار ایتالیا در بیشتر فیا شی از کارگران فیا و اعتراض به اخراج ۱۴۵۰۰ کارگر کارخانجات فیا است. کارگران مبارز فیا در شهر تورینو با مبارزه کارخانه به بییکا کردن تعداد زیادی ارکارگران به اعتراض خود ادامه مدهدهند.

● فرانسه

اخراج کارگران مهاجر

بدسال سفر ۴۸ ساعت به جزایر بند و کشور در مورد بازگشت کارگران الجزایری از فرانسه به موافقت رسیده. دولت امپریالیستی فرانسه از چندین سال پیش برای رها کردن خود از بحران های اقتصادی، درونسی

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت پنجم)

پیکار: رفیق تراب، شما در قسمتهای پیشین مصاحبه به موضع روحانیون بزرگ منجمله آیت الله خمینی از شهریور ۲۰ بعد از اراتی داشتید. همچنین از فعالیت روحانیون در اوائل سالهای ۴۰ و موضع گیری آقای خمینی همزمان با ۱۵ خرداد ۴۲ و پس از آن تا تبیین وی به خارج از کشور سخن به میان آورید. آیا در ایران هم با آیت الله تماسی داشتید؟

رفیق تراب: با بیدگویی که تماسهای من با آیت الله خمینی در نجف در سالهای ۴۹ تا ۵۳ بنمایندگی از سازمان مجاهدین خلق ایران، اولین تماس مستقیم من با آیت الله نبود. قبلاً در سالهای ۴۰ تا ۴۲ چندین بار از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویان "نهفت آزادی" بسا مشهدین معروف وقت منجمله آیت الله خمینی ملاقات کردم. در آن زمان انجمن اسلامی دانشجویان یک نهاد دانشجویی با گرایشهای دمکراتیک بود. مجاهدین حنیف نژاد من جزو شورای مرکزی انجمنهای اسلامی دانشگاه بودیم و اعلامیه های ما دمکراتیک، تقابلی، اقلیت متوسط جامعه در آن زمان را بخوبی نشان میداد و سهمین لحاظ برای برخی از همفکران ما و سران نهفت آزادی تندروانه جلوه میکرد. ما در نهفت آزادی نیز همراه با جوانان پرشوری از کادرها و اعضای نهفت بودیم که سیاست رفرمیستی رهبری رانمی توانستیم فهم کنیم و سهمین دلیل وقتی اعضای هیئت اجرایی نهفت در اول خرداد ۴۲ دستگیر شدند و فعالیت تبلیغی و افتخارگرانه نهفت سخته ما افتاد، اعلامیه های صریح و تند و مضامین علیه شاه، بنیام نهفت ما در میگردیم که مورد اعتراض برخی از مسئولین نهفت قرار میگرفت ولی ما به کارمان ادامه میدادیم.

این وضع تا اوایل سال ۴۳ ادامه یافت و من همراه با دوسه نفر دیگر با مشورت یکی از مسئولین نهفت و گاه تماس با زندان، به انتشار دفاعیات نهفتی ها در دادگاه، صدور اعلامیه های افتخارگرانه، تدوین و نشر برخی جزوات مبارزاتی که مشخصاً اصلاح طلبی را در میگردوتها را مورد حمله قرار میداد و همگامی با دیگر نیروها سی مبارز میسر بود و ختم و البته از کادرهای باقی مانده و هواداران نهفت هم در این راه کمک می گرفتیم.

یکی از فعالیتها یا ما که در کنار کارهای تشکیلاتی ما انجام میدادیم تماس با روحانیون مبارز بود که در اینجا فقط به تماس با آیت الله خمینی اشاره میکنم. بیکبار پس از خرداد ۴۲ با مقداری قابل توجهی از دانشجویان انجمن اسلامی یک راهپیمایی در قم ترتیب دادیم و به منزل آیت الله خمینی که تازه از زندان چند ماهه آزاد شده بود رفتیم. در آنجا طی یک سخنرانی و نشست، نظرات همفکران ما را برای آیت الله گفتم. در آن زمان با وجود آنکه ندیده مبارزاتی

ما شکل ابتدائی خود را منکدر انداخته بود و طبقاتی و ایدئولوژیک خود البته نمیتوانست فراسر رود، روی این مسائل تا کنده میوزیدم، مسائلی که نشان دهنده تنوع برخورد و دستگیری فکری و مسازاتی ما در آن سالهاست:

- ۱- "لیسه تیز حمله با بدسوجه آمریکا و اسرائیل و عمال آنها در ایران با شد و مسائل حزبی نظرات تحمینیهای ایالتی و ولایتی قابل طرح نیستند."
- ۲- "روحانیت مبارز و "جنش اسلامی" باید از حالت خود بخودی بیرون بیاید و ضروری است که تشکیلات داشته باشد."
- ۳- "در برابر دشمنان مردم" باید برخوردی

منافع واقعی توده ها کاری نتوانسته اند. اصلاً مدهد حتی در نشوری هم مطرح نگردانید و جرایم نداشتند. ما هیئت طبقاتی آنان و ایدئولوژی نشان اجاز نمیدهد که با فراتر گذارده شود. امروز برنا مه ای مورد نیاز توده ها است که بتوانند نیازهای جامعه را متناسب با مرحله کنونی از تاریخ نکات حل کند. یعنی برنا مه مبارزه جهت امحاء سلطه میربا لیسما و بحساد حکومت کارگران و زحمتکشان، سنگبری بسمت الفاء، انشمارا و بسوی جامعه ای که در آن طبقات از سن رفته باشد. مفهوم "بی برنا مه" سودن رژیم جمهوری اسلامی را در همین ماهیت ارتعاعی طبقه حاکم و عجز ایدئولوژی آن برای حل مسائل

در سال ۴۲ از طرف انجمن اسلامی دانشجویان و دانشجویان نهفت آزادی چه پیشنهاداتی را به مراجع و هیئت آیت الله خمینی ارائه میکردیم؟ ما چه مراحلی را پشت سر گذارده به چه منظوره پایگاه های فلسطینی وفد عراق سفر کردیم. هدف ما اطلاعات با آیت الله خمینی چه بود؟

انقلابی داشت نه اصلاح طلبانه. البته جوانان در آن بیکار را گرفتار میخواستند قسبی ما خبر را مطالعه کرده ما شد میتوانستند درک کنند که ما این پیشنهادها را در چه مسوی مطرح میکردیم. جوی که رفرمیسم و سازشکاری بر آن مسلط بود.

۴- "ایدئولوژی و برنا مه اسلامی بخصوص در زمینه های اقتصادی و اجتماعی مدون نشده است" و در این باره ما آیت الله چاره جویی میکردیم. ما پس از ذکر تلاشی که خودمان بکمک کسانی امثال آیت الله طالقانی، غفوری و مطهری انجام داده بودیم آیت الله گفتیم که برنا مه "جوانان مسلحان" در مقابله با برنا مه های سا رمکانت فکری (معتبر آروزمان) دارای نقی فراوان است و آیت الله در جواب ما گفت که "نه، اصلاح چین نیست، اسلام برای همه چیز برنا مه دارد."

اکنون ببینیم این برنا مه از چه نوعی است؟ این برنا مه با مرحله دیگری از تکامل مسیل تاریخی بشر که دوران پیش سیری شده میتوانسته منطبق با شرایط ایران اسلامی برنا مه دارند، اما مربوط به کدام زمان؟ کتابهای فقهی اسلامی (ویژه شیعی) برای دوره برده داری و فئودالیستی خیلی هم برنا مه دارند. از ادب فخر بنکر بنا مما ملاب و جزا، طی سالهای گذشته سبزه در بکمال و نسیم غریب ساری را با صلاح متفکرین اسلامی کوشیده اند در همان چارچوبهای فکری گذشته ما مثل روز و محل مشکلات اجتماعی برخورد کنند، اما نتیجه ای جز در حازدن، جز کمک به ساززی نظام سرمایه داری وابسته و ایجا دینبرازی در سطح و روینا ونه در جهت

مسئله عمرکنونی با سد جستجو کرد، محزی کسه ذاتی این رژیم است.

☆☆☆

پس از خرداد ۴۲ تلاش کادرهای جوان و مبارز نهفت آزادی برای بیرون آوردن آن از رفرمیسم ریشه دارش و تشکل مجدد، عمت ماند و به همین لحاظ سوده پس از تشکل هسته اولیه سازمان مجاهدین خلق ایران، من بدان پیوستم و چنان ببنی سازمان را که اسلامی و انقلابی سنداستم قبول داشتیم. ما به مبارزه انقلابی علیه میربا لیسما و رژیم دست نشانده شاه عا شن و رهائی مردم زحمتکش میهنمان می اندیشیدیم و در راه آن فعالیت میکردیم و مسلم است که بهین و شجاع عمل ما از حیثیه ما هیئت طبقاتی مسا و شرایط حاکم بر جامعه مان نمیتوانست فراتر رود و نیز بر همین پایه هم بود که ما برداشتهای مترقیانته ای از اسلام مینمودیم. من مدت یک سال از نیمه ۴۲ تا نیمه ۴۳ شما موقت به کار مبارزه برداشتم و مخفی بودم و پس از بیوستن به سازمان مجاهدین و چندسال فعالیت انقلابی در سنگر مجاهدین خلق، در آغاز فروردین ۴۹ جزو اولین هیئت اعزامی این سازمان مرکب از معاهدشهر رسول مشکین قام، بیک رفیق دیگر و من برای مذاکره و سرقراری تماس با جنبش مقاومت فلسطین و تدارک آموزش نظامی بطور قاچاقی و از مرز جنوب، به خارج از کشور رفتیم و بدنبال آن ۹ سال تمام (قریب ۶ سال در منضمبازان) بنا به دستور سازمان در خارج کشور به وظایف انقلابی و تشکیلاتی خود مشغول بودم.

استاد سه ماهه کار سیاسی و ارتباطی مسئول بودم. در شهریور ماه ۴۹ مخفیانه به ایران برگشتم و پس از چند روز همراه با قریب ۱۰ نفر از برادران محاهد و یسوعوان راهنمای آنان دوباره به مناطق غلبه فارس رفتم. در سفر دوام حدود یکماه همراه با محاهد شهید محمود شامخی در اواسطی که در آن زمان مستقیماً مستعمره انگلیس بود رسیدنی بودم و بعد بلافاصله به لبنان و اردن رفتم. در آنجا تعداد دیگری از محاهدین گرد می آمدند من جمله شهید اصغر مدیح زادگان و محمد بازرگان و رضا شامخی. فعالیت ما در لبنان و سوبزه اردن تا دوسه ماه بعد یعنی تا پیس از سپتامبر سال ۱۹۷۰ طول کشید. عده ای از برادران ما که در راه پیوستن به ما بودند در بدی دستگیر شده بودند و سازمان تلاش خود را با یکاریت از تحویل آنان به ایران مانع شود. و در همین رابطه یک هواپیمای ایرانی که با تعدادی از زندانیان ما را به تهران می آورد بوسله ۳ نفر دیگر از برادران من جمله رفیق روحانی رسیده و به بغداد دیده شد ولی مقامات عراقی برادران ما را که حاضر نشدند خود را در خدمت عراقیها قرار دهند به زندان انداختند و شکنجه شان می کردند و احتمال داشت که آنها را به ایران تحویل دهند. امری که برای سازمان مخفی ما در آنروز البته گران تمام میشد.

سازمان این بار برای نجات ۹ نفر از زندان بغداد با بدبختی میگرد. سفر من به عراق و ملاقات با آیت الله خمینی یکی از این تلاشها بود. در آن ۲۹ من همراه با نامهای از آیت الله طالقانی و معرفی آقای دعاغی، نامهای برای آیت الله خمینی بردم. ما مدتی در تقویمی حسینی با جوهرها مرثی نوشته شده و چند روز قبل از آن مخفیانه به خارج ارسال و به ما رسیده بود. آقای خمینی مرا بطور خصوصی پذیرفت و کس دیگری در اتاق نبود. نامها مرثی را با ما دهظا هرکننده آن. جلوی آیت الله خوانا کردم و نامهای آیت الله طالقانی را که بر اساس شناخت او از بنیانگذاران سازمان تهیه شده بود به آقای خمینی دادم. نامه با آیه ای از سوره کهف:

"انهم فتحوا آملوا برسوموزدنا هم هدی" - یعنی آنها خوانانی هستند که به پروردگاران اسمان آورده اند و ما برهدا بتشان افزوده ام - شروع میشد (۱). نامهای آیت الله میخواست که به سر تحول مباحثه نماید اما منع از تحویل برادران زندانی ما از طرف رژیم عراق به ایران کرده. آیت الله رمزاطمینانی را که آقای طالقانی داده بود و

(۱) - آیت الله خمینی در سخنرانی ۴ شهریور ۵۹ خود ضمن ذکر این قضیه، نه نام آیت الله طالقانی را بر زبان آورد و نه آیه قرآن را تا به آخر خواند و مشخصاً کلمه "انهم" را که "ایمان آورده اند" معنی میدهد و معنی آن بر اساس نامهای آیت الله طالقانی "محاهدین هستند، بخوانند! (پیکار)

نیز محتامای نامها را بشد کرد و از من پرسید: "حوب، من چه بانیدکنم؟" من در پاسخ حد اقل تقاضا را مطرح کردم و گفتم: "تلفظ کافی است شما به عراقیها بیفما مدهید که خبری دریا قست کرده اند که اینها جا سوس روزم شاه نیستند و نصیب مصلبه را موکول به اخار رسدی از ایران بیمائید"

و آیت الله خمینی هم هرگز کلمه ای درنا درست و غیر اسلامی بودن آنها به او نگفت و با ژوبیداش هست که همکاری در نوشتن گفتار برای آن برنامه و نیز از ادب و نگری که بعدها بنا م "روحا بسون مبارز" - بمدت چند ماه - داشت بود (او اخرا سل ۵۳) از جانب ما همچنان ادا مدها شد.

● چرا برخی از حاضرین از سالهای گذشته امروز که به قدرت رسیده اند، موضع ضد انقلابی دارند و مجاهدین خلق را "مناقق" می نامند و چرا در پرونده تنها با مجاهدین همکاری داشتند بلکه از کمونیستها نیز بخوبی یاد میکردند ؟

که ما خود را سا افا م می کنیم". و اضا فه کردم که این برادران در راه فرسوی با یکا ههای انقلاب فلسطین بوده اند و سوس نرا زبا یکا ههای الفصح نزد ما آمده ام." در آنروز به آیت الله از ابدشولوزی ما پرسید و ته فرصت طرح آن برای او بود. آقای خمینی گفت: "اگر افا م می کنی ممکن است برای آنها (زندانیان) بد نشود" (۱) من "بدتر شدن" را نمی توانستم قبول کنم و گفتم: آنها زبیر شکنجه شدیدا ردا رند و در معرض بحول سه ارا ن هستند" ولی وی نه در آن ساس و نه بعد از آن، حاضر به هج کمی به ما نشدند و اینکه کوچکترین اطلاعی از اصطلاح انکالات اعتقادی ما در آن زمان داشه ما شد. البته چند روزی از ملاقات با اول آیت الله توجه دیگری برای این عدم موضوعگیری مطرح بود و آن اسکه "بمشا هاد از عراقیها نفا ضا ضی یکدیما نفا ضا ی متقا بسی از سوی آنان بدشال داشه ما شد". واضح است که آنحضرت من میخواستم، تقاضا "از دولت عراق محسوب نمیشد و اضا فه میکنم که آیت الله انا مبارزاتی - هر چند غیر رسمی - در عراق سرخوردار بود که مانع "بیفما" نششهادی من نبود. با دادن موضوع رادرفسشهای سعدی انا ما حبه بسیر ستوا نشم شرح دهم.

آقای دعاغی که امروزه خیل ضدانقلابی که کمونیستها و مجاهدین را زسلا ی شهت و بکفر گرفته اند سوسه اس و تلاشهای انقلابی ما در آن سالها را "مناققانه" نامدها ست، خوب ساد دارد که چقدر سی آنکه کمی - حنی آیت الله خمینی - مسوجه بود، خودش در راه آزادی و جلوگیری از شکنجه برادران ما کوسد و باز میداند که سراسرا م، ساس ما با الفتح و ساطت ساسده آن سازمان، مانع تحویل آن برادران و آزادی آنها گردید. اوسا دش هست که چقدر از این موضع گیری آیت الله سارا حت بوده و حنی بزد او - بقول خودش - گریه کرده است. آقای دعاغی ساد دارد که از همان سال ۴۹ که من او را در سح ددم و رفقا را انقلابی و شکلاتی من و دیگر برادران که از ادفا مفا منطقی سراسرا ادا لهای اسلامی این مفا ساس، او سرخی دیگر از دستاش در سح را حدر حبتنا سرفرا مدها د. او سه سادش سب که دهها گفتار را دیوشی سراسر سه "سهب روحا سب" را که او از ادب سدها دا سراسر سکردن با ساسا مورشهای سازمان سب موشتم

بطور کلی می گویم: آقایان خرد سوزوا - هائی که تا دیروز بر اساس نسا زهای محدود مبارزاتی شان گرد ما حلقه سزدها مروز که به قدرت رسیده و سه خدمت سوزوا ی در آمده اند از همین موضع ضد انقلابی، علیه ما لجن برانگیزی میکنند، ما را "فربیکار" میخوانند و واقعاً ت حشش خونرا گزشتها در جهت منافع محدود طبقاتی حوش مورد تحریف و انکار قرار میدهند. ما را، تماس ما با آیت الله، دادن اخبار حسن - من جمله نشریات خود ما - به او ادا مده یافت. ما آیت الله اگر ما هدی را تا نشسد نکرد، هرگز نکند هم نتوانست نکند، چرا ؟ با سخ این "حرا" را سدا خوا همداد.

سقه از معحه ۱۳ حزب توده...

سرکوب میکنند و از سوی دیگر آنها از هم به "تا شد گلانه امیز" از متحدین سدا میربا لبست خود یعنی حنا ابالبکرو صدام حسین می بردازند. آنها س می گویند:

"آقای رئیس جمهوری محترم احمد حسن البکر آقای نائب محترم رئیس شورای انقلاب سدام حسین، رفقای محترم عفا ی رهبری قطری (کشوری - سبکار) حزب بعث عرسسی اشتراکی.

اکنون با ردیگر تا کیدی کنیم که وظا سف مهنی ملی و احتماعی که ما را با هم متحد میما زد، سزرگتر از هرگونه مورا ختلافی در بین ما ست و جبهه کما کان بگ ضرورت مهنی است و همه موجبات تشکیل آن همچنان بر جای خود باقی است. حفظ و تحکیم خط مشی مترقی و تحقق وظا سف بزرگ سیاسی اقتصادی و اجتماعی که در برابر حش ملی و انقلابی ما قرار گرفته است چشمن اقتضا می کند.

بدین شرتبب استدا فاشستهای بعثت، دمکرات و ملی و برپا دارنده سوسا لبسم میشوند سبب حکومت ملی ای که یکسو اقدامات نادرست انجام سدها اولان سبکاره این دولت سبمعنوان کارگزارا مبربا لبسم ما میده مشود ما ابحسا کاری با شرها ت ر و سز سونستی مهنی سراسراه رشد غیر سراسره داری عراق" ندا رسم که این سسز خود سراسر و رشکسته است فقط ابنا مشا هبم نشان دهسم که ما هیت رژیمها را ر و سز سونستهای سفبه در صفحه ۱۸

ملاحظات کوتاه

لعنت به هر دو تاشون!

حنگ ارتعاعی و غیرعادلانه بین رژیمهای ایران و عراق هر روز ویرانیهای بیشتر، کشتههای زیاد و خسارتهای افزونتری بسیار میآورد. هر دو طرف با دست و پاهای خاص خود - زحمتکشان دو کشور را به سوی کشتار گناه روا نمیکند. گوشتی سرما به داران خسودی و امپریالیستهای آمریکا و اروپا و سوسیال امپریالیسم روس را به تماشا میآورد. این نبرد گلابی تورها دعوت کرده اند، تا آنها سلاحهاشان را که مدتی است پس از جنگ ویتنام و عراق و اسرائیل در آنها را مانده است در این بازار مکاره و نفست آلوده خاورمیانه آب کنند تا آتش بیابان بین معرکه در درجه اول رژیمهای ایران و عراقند. هر دو شان بیژیان، دم از انسانیت، اسلام و حقوق مستضعفان میزنند و با زهد و شاک با دست، توده های ستمدیده دو کشور را بیشتر به روز سیاه می نشانند. آخر، ماهت فذخلقی هر دو شان و ماهت این جنگ کثیف چیزی جز این اجاب نمیکند. هیچکدام از دیگری بهتر نیستند، "هر دو بدترند!" هر دو شان و جنگشان را محکوم کنیم نقاب از چهره هر دو شان برداریم!

از یانکی‌ها یاد گرفته‌اند،

از استادشان!

امپریالیستهای آمریکا، جنایتکاران حرفه‌ای و محکومین به اعدام را به ویتنام می فرستادند تا آنها عقده‌های حناستکاری شان را بر سر خلق قهرمان ویتنام خالی کنند و در محازات شان تخفیف حاصل شود. شاهگردان ایرانی آنها هم کودتاچیان و فداانقلابیون بختیارچی و اویسی چی را برای "تطهیر" و "حراست" از زندان بیرون آورده برای سمپاران دهکده‌ها و شهرهای عراق می فرستادند. یکی از همین "حرفه‌ای اسلامی آورده و تطهیر شده طی معاخصه‌ای در تلویزیون روز چهارشنبه ۱۶ مهر میگفت وقتی برای "انجام ماموریت" بفرار از پگاه همانجا به عراق بروم و مکرر چنان غافلگیرانه آسرا کوبیدم که "عمله‌ها"ی که جا ده را شمعبر میکردند فرصت انداختن بیل و کلنگشان را نداشتند! این میگاهی روسی کارگران ایران ناسیونال و زحمتکشان خوزستان و سایر شهرهای ایران را میکوبند و فاشنومهای آمریکا "عمله‌های عراقی" را. و جانشان افتخار میکنند و از دست خانبان بزرگترشان حایزه دریافت میدارند. یکی میخواهد "فتح قادیسه" را تکرار کند و دیگری میخواهد "انقلاب" ما در کند! تاوان هر دو را کارگران و زحمتکشان باید بپردازند. جنگ بر جنگ امروزان!

این سخنان میخواد پرسنل مبارزان ارتش را به اطاعت کورکورانه از فرماندهان مزدور آمریکائی در ارتش ایران وادار سازد. او دشمنی خود را با کمونیستها و نیروهای انقلابی آشکارا بیان میکند. زحمتکشان ما بارها شاهد بودند که این تیمسار سرسپرده آمریکا و نورچشمی امام، چگونه دستور اخراج و دستگیری و زندانی کردن پرسنل انقلابی ارتش را صادر کرده است. سند شماره ۱۲۵۰۰۰ ای از اقدامات فذخلقی این عنصر جنا پیتکار در ارتش را نشان میدهد:

درج شدن اسم خائنین همچون حزب توده در سند مذکور در این رابطه است که فلاحی این عنصر کله‌پوک نمی فهمد که حزب خائن توده جزو نیروهای انقلابی و کمونیست نیست. چه حزب توده نیز در خدمت کردن به رژیم ارتعاعی حاکم دست کمی از خود فلاحی ندارد!

حال با توجه به سوابق سنگین تیمسار "فلاحی"، کارگران و زحمتکشان ما قضاوت کنند که در جنگ ایران و عراق، امثال فلاحی و طهبیزاد چگونه میتوانند زلفها و انقلاب دفاع کنند. تیمسار فلاحی و امثال او دشمنان دیروز، امروز و فردای خلقهای مبین ما هستند. جنگی کسه امثال فلاحی بدان دامن زده و خلقهای دو کشور ایران و عراق را قربانی معا صدیلید و فذخلقی خود می نماید. جنگی نیست که منفع خلقهای زحمتکش ما باشد. این جنگ، جنگی است بر ضد خلقهای عراق و ایران و بیخلف فرماندهان ارتشی همچون فلاحی و کلارژیم جمهوری اسلامی، جنگی است که راه را برای امپریالیسم آمریکا در ایران، هموارتر میسازد و جنگی است که در آن تنها کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران و عراق قربانی میگردند.

که گذشته از استغاده تسلیماتی برای ضروری هم برای امپریالیسم نداشتن ما، چنین است که در همین هفته گذشته وقتی رژیم ایران اعلام کرد تنگه هرمز را در صورت آدامه جنگ میبندد و امپریالیسم آمریکا فوراً واکنش نشان داد تا تمام جناحهای هیات حاکمه که از این مسئله ففسط میخواستند نمیتوان ما نور تبلیغاتی استفاده کنند، عقب کشیدند، و عیان ساختند که موافق منافع امپریالیسم هستند. اگر گاهی اوقات برای فریب توده‌ها به امپریالیسم فحش میدهند اما هرگز نمیخواهند ضروری به او برسانند. و در هبات حاکمه نیز مشخص تر شد که اگر چه در مورد شکل برخورد (دشمنان دادن یا ندادن) اختلاف هست اما در محتوای برخورد یعنی حفظ منافع امپریالیسم اختلافی نیست.

بهر حال در هفته گذشته "لیبرالها" بسرد اغیرشان در مورد ارتش راهمچنان ادامه دادند در حالیکه در مورد مسئله گروگانها شکست خوردند و اما دعوا بر سر جنگی سیاست خارجی همچنان ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۸

تیمسار... مالک دستور داد: "مقاومت کنید! لان هلیکوپتر را بکامک شما میفرستم!" (۱)

بعدا ز قیام، سر تیب فلاحی بنا به حکم دادستانی کل دستگیر میشود و بعد از حدود ۲۰ روز برای خدمت به رژیم جمهوری اسلامی یک شبه مسلمان شده و آزاد میگردد، در زیر سد شمسه راه حکم جلب تیمسار فلاحی را ملاحظه میکنید:

سر تیب مزدور آمریکا بعد از آزادی، از دست رژیم جمهوری اسلامی از نورچشمیان آیت الله خمینی گشته و توسط او به فرماندهی تیپ نیروی زمینی ارتش و مقام جانشینی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی منصوب میگردد. فلاحی بعد از محکم کردن زیر پای خود در ارتش، بنا به سیاست رژیم، دشمنی دیرینه خود را با خلقهای زحمتکش مبین ما آغاز نمود. کشتاری که او به دستور رژیم از خلقهای کرد و ترکمن برآورداخته واداره میدهد، کم نظیر میباشد. آری، ایسین واقعیست است که قتل عام اهالی دهکده‌های قارنا، قهلاتان، گانی ما مید توسط پاسداران و ارتش بفرماندهی تیمسار فلاحی، دست کمی از جناح امپریالیسم آمریکا در ویتنام ندارد. آخر، جناح تیمسار فلاحی از شرکت در قتل عام خلق ویتنام و مطالعه در باره آن نیز، تجربیاتی اندوخته اند! ابعلاوه فلاحی با تمام قوا میکوشد تا خفقان را نسبت به عناصر مبارزان ارتش گسترش دهد در این ارتباط او شدیداً با تشکیل شورا در ارتش مخالف است. او در باره دکان سنجج گفت: "من با شورا در ارتش مخالفم" فلاحی بنا

(۱) - گزارش حمله به دکان مذکور و نقیض تیمسار فلاحی در انرا در بیگا شماره ۲۲ و سژه قیام آورده ایم.

بقیه از صفحه ۲۴

تضادهای...

به کمک براندازان بورژوازیش آمده است تا پسین اختلاف در مورد سیاست خارجی، در مورد حضور و سیاست عدم حضور خبرنگاران خارجی نیز در گرفته است لیبرالها برای ترمیع عادی ترک کردن روابط با امپریالیستها خواهان حضور این خبرنگاران هستند و حزب جمهوری از ترس منمک شدن برخی اقداماتش که بورژوازی بین المللی از آن استغاده میکند، مانع از دادن، شلاق زدن و تیر - باران هواش و گول خوردگان مخالف عدم حضور آنان است. چنین است که بنی صدر در نطق خود به حزب جمهوری حمله میکند و میگوید اگر در سطح جهانی اخبار بیشتر بنفع عراق منعکس میشود بخاطر سیاست عدم حضور خبرنگاران است و عسرت جمهوری در روزنامه‌هاش در ۱۰۰ امپریالیست "حضور خبرنگاران خارجی زیانبار است".

در اینجا لازم است به یک نکته مهم اشاره کنیم و آن این است که حزب جمهوری اسلامی تنها زمانی دم از مخالفت با امپریالیسم میزند

«ملاحظات کوتاه»

«اراجیفی بنام» درس دیالکتیک»

برای تفریح هم که شده "درس" های سنی مدر در تلویزیون کانال ۲ را تماشا کنید هم از چرند - یا تش که نشخوار مبتذل حرفهای تشویرسین - های بورژوازی نظیر گوروچ ، یوپر ، گارودی و امثال آنهاست روده برخواهند شد و هم به سرما به داری و اما نده در برابر جیش خلق که مینکند با جنس "استدلالات" و "درس" هایی به مصاف ما رگسیم - لکن تبسم برود حالت تحقیری عمیق و تو ما تنفر علیه مرتجعین به شما دست خواهد داد .

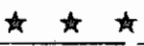
بنی صدرگا با آب و تاب و گاه با خمیازه و شکلک درآوردن میگوید شما گرانتر از ما معتقد به حرفهایی کنید که بنیادگزاران سوسیا لیسیم علمی صدسال پیش حواش را کف دست گویند گانش گذرانده اند . این آقا فکر میکنند توبرش را آورده و جوانان آگاه ما خود را بر بسمان پوسیده او میاویزند ؛ جوانان آگاه ما خلق ما میدانند که جسدن به این بسمان همان سقوط در جباه بورژوازی و امیریا لیسیم همان ! در عین حال افشای اهداف بورژواشی سنی صدر از این "بحث" ها و ابطال علمی "استدلالات" او وظیفه - ای است که کمونیستها نبا بدان آن غفلت کنند .

بحران دریائین ، شکاف در بالا

اعتلای مبارزات توده ها موجب شکاف بیشتر بین جناحهای هیات حاکمه است . بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بارها یکدیگر را افشا کرده اند . بنی صدر که در اثر جنگ و تحکیم موفعت ارتش ضد خلقی ، وضع خودش هم همراه با دیگر لیبیرالها بهتر شده است ، شب جمعه گذشته در تلویزیون بعد از گوشه هایی که به رقیب زد و مشخصا خامنه ای را ناوار و دعا مل "تضعیف روحه مردم" دانست ، از یک نکته دیگر هم پرده برداشت و رقیب خود حزب جمهوری اسلامی را متهم کرد که در راه وابستگی به امیریا لیسیم سیر می - کند و سببش این است که میگوید :

"با فروش بیشتر نفت و واردات بیشتر مردم را راضی نگاه داریم تا رژیم حفظ شود و مکتب" را پیش ببریم . ما از بنی صدر که مزورانه میخواهد خود را تظهير کند می پرسیم آیا او سبب استی بهتر از همه ای لکی های خود دار ؟ در تجربه نشان داده است که مگ زرد پرا در شانها !

با زرگان ، نژیبه ، مدنی و دولت عراق و سوسا لسی و ... را قلب کردند ، اکنون نهر سبب را حتی به قلب عاقبت در مورد اسن جنگ می بردارند ، اما همچنان که در تمام موارد موافق رسوا شدند ، با زهم رسوا تر خواهند شد .



ویدکاری حاصلی نمی برد . آقای نعمت زاده خود را الومیدهد : " برای اسفلال کشور با بدهرجه سبتر نولسد کرد" س دعوا بر سر کشدن میزان سنتری از شره جان کارگران است . پس جنگ برای سرما به داران مفید و منبت است نه برای کارگران ، چرا که با تسلعاب و سع خود کارگران راه کار ریشتری و اداری میکنند ، در اسن شرایط جنگی هر چه فلاکت و نکست است ارمان کارگران میشود و در عوض استما ریشتر کارگران نصب سرما به داران . جنبن است که آتش بس داده شده از سوی عراق (که در ارتباط با عدم توانایی و کشش ادا مه جنگ برای عراق و سزا ستفاده سبتر از تفوق نسبی در حربه ها داده شده بود) از سوی ایران رد میشود و ما ننگری و مذاکره نمیزمردود اعلام میشود . جنگ مشت است چرا که مقبول رفسحانی ، مردم دگر چیزی نخواهند خواست جنگ مقصد است چرا که مقبول و بررضناغ و معادن کارگران سبتر نولسد خواهد کرد .

بس گشحه مگیریم : جنگ به اسن خاطر از سوی رژیم تبلیغ می - شود که مانع انقلاب شود ، خواستهای توده ها را به بند کشد ، توهم را با فزا بدو کارگران راستتر استثما رگید . کشتار ، فلاکت ، فحطی و سگساری رحمتگان مهم نیست ، اهداف ارتحایی هسات حا که مهم است .

بخیه از صفحه ۱۶ حزب توده ...

خروشجفی نه بر منتهای ماهت طققتای آسان بلکه بر منتهای روابط استعما رگانه شوروی با آسان می سجدند ، اگر منافع شوروی اجباب کند ، فاشستهای بعث سوسا لست میشوند با نوکرا میربا لست !

" توده های " خاشن اکمون برای بدعت آوردن دل جمهوری اسلامی به هجومشها و مدح رژیم بران مشمولند . تما مکوش آنها اینست که جای پائی برای سوسال امیریا لیسیم در رژیم بران اسحا دکنسد . " سبهن یوستی " توده - ایها " در شرایط کنونی برای امنیت که سلاجهای روسی به بران فروخته شود بنا دهیم " راه رشد غبر سرما به داری (سخوان مستعمره) دیگری برای شوروی حور شود .

برای روسیوسستهای " توده ای " فلاکت و بدختبشایی که جنگ برای زحمتگان ایران و عراق به پیش می آورد مهم نیست ، آنچه را که تا دیروز در مورد عراق میگفتند مهم نیست ، مهم منافع شوروی امیریا لستی است . " حزب توده " جنگ غبر عا دلانه کنونی را عا دلانه میخواند و از توده ها میخواهد تا به سپاه پاسداران بپیوندند و نولسدرا با لاسرند و خلاصه خود را فدای جمهوری اسلامی کنند . آسان بخاطر منافع شوروی ، دولت ضد خلقی ایران را سزک میکنند ، آسان بمنتا به سوسال سوسبششهای شما معبار ما هیبت جنگ کنونی و ما هیبت رژیم جمهوری اسلامی را قلب میکنند . آخر آنها دروغگویان بزرگی هستند و همچنان که مدتها ما هیبت رژیم شما ، حربه ملی ،

بقیه از صفحه ۲۴ جنگ طلبی ...

با صلاح مدورا انقلاب اسلامی و سرکوب انقلابیون هستند . جنبن است که آقای هاشمی رفسحانسی اثرات جنگ را منبت ارزانی میکند :

" از حث الاسلامها شمی رفسحانی در مسورد اثرات جنگ نحمیلی ایران و عراق در کشور - های منطقه بخصوص عراق سئوال شدوی در جواب گفت : " البته جنگ یک خبا راتسی دارد ... ما رو بهم رفته اثرات جنگ تا بحال از نظر ما مثبت بوده ، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ نظامی ، و تا بد در دراز مدت از لحاظ اقتصادی هم بتوا ندرای ما مفسد قرار بگیرد ، ولی رو بهم رفته ما از اسن جنگ که سرما تمبیل نده تا راضی نیستیم " (جمهوری اسلامی ، ۱۵ مهر) .

از نظر آقای هاشمی رفسحانی اسن جنگ خانما نسوزا زبظر سیاسی مثبت است " چرا که لاسد بخبیل با ظل متوا نند به تحکیم تشبیت جمهوری اسلامی به پردازند ، انقلابیون را سرکوب کنند ، بر توهم توده ها سبافزا بند و بکوشند تا به عسث دا منتهجران انقلابی را کاش دهند . " از نظر نظامی مثبت است " ، چون که به تقویت ارتش ضد خلقی سپردارند ، هر چند که هزاران تن از زحمتگان کشتار میشوند " ، از نظر انصافی مثبت خواهد بود " چون که با لابشگا و موسسات اقتصادی ایران و عراق به ویرانه تبدیل میشوند ، دسترنج زحمتگان کشور ما صرف خرید سلاحها از میربا

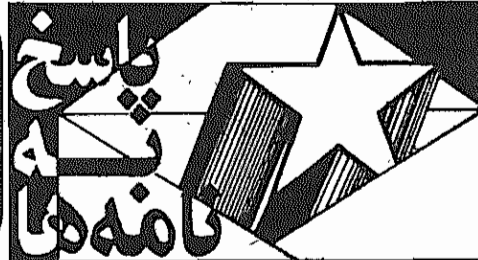
- لیسشها میشود ، گرانسی ، فحطی و سبکاری زحمتگان ما را رنجورتر میکند ، می سبند فلاکت توده ها از نظر رفسحانسی مثبت تلقی میشود چرا که بقول هاشمی رفسحانسی :

" یک رفاه طلبی بعد از انقلاب در مردم وجود داشت که مردم فکر میکردند که اسن انقلاب بلانها مله می با بستگی که از نظر برای آنها رفاه سببا ورد ، و اسن جنگ آما دگی در مردم ایجا دگر د که چنانچه بخوا هند انقلابشان را ادا مدهند ، ضرورت محدودیتهای سمدار انقلاب را بپذیرند . " (همانجا) .

آقای رفسحانی رک و راست اعتراف میکند که جنگ از اسن نظر مثبت است که تا توانی آسان را در پاش به بنیاهای توده ها (آن بنا راهایی که توده ها برایش دست به انقلاب زده اند) می - تواند برای مدت هر چند کوتاه سبب سبب بگدارد ، چرا که توهم فزایش یافته است ، اما آقسبای رفسحانسی بک چیز ارضی تواند بسند و آن اسن است که اسن جنگ تا توانی رژیم را آشکارا رفسر کرده ، دا منتهجران اقتصادی - سیاسی حاصه را اغزابش خواهد داد . آقای وزیر صنایع و معادن نیز در اسن مناقبه تبلیغ جنگ علسب شعا نده میگوید :

" اسن جنگ نحمیلی از لحاظ اقتصادی پراز خیر و برکت برای ما ست . " (جمهوری اسلامی ، ۱۲ مهر) .

اسن خیر و برکت برای کیست آکا رگران که زحمتگان در حربه ، کار ریشتر در کارخانه و گرانسی



پیشنهاد برای مطالعه (در رابطه با مسائل جنگ)

لنین (ضمیمه پیکار ۷۶)

- صفحه ۳۸۶ منتخب آثار لنین (یکجلدی)
- صفحه ۴۶۰ منتخب آثار لنین (یکجلدی)
- صفحه ۵۰۳ منتخب آثار لنین (یکجلدی)
- صفحه ۶۴۸ منتخب آثار لنین (یکجلدی)

- ۱- جنگ و انقلاب
- ۲- اپروتونیسیم و ورشکستگی انترناسیونال دوم
- ۳- دفاع طلسمی انقلابی و معنای طبقاتی آن
- ۴- مبارزه با ویرانی و مسئله جنگ
- ۵- معنای انترناسیونالیسم چیست؟

بگوشیم زمانیکه میگوئیم روند آئند جنبش جنگ داخلی است به معنی عام ما به آن، یعنی جنگ توده‌ها علیه توده‌ها (مانند لیبسنا و...) است. البته این نیز نوعی جنگ داخلی است. منظور ما از جنگ داخلی به معنای مارکسیستی آن معنی جنگ علیه بورژوازی داخلی و کلبه‌سنگران داخلی است. لنین میگوید:

"کسی که مبارزه طبقات را قبول دارد نمی‌تواند جنگهای داخلی را که در هر جا معنی طبقاتی معنا به‌آدا می‌دهد و یکا مل و نندسند طبیعی و در موارد مخصوص احتیاج بنا بدیدر مبارزه طبقاتی است قبول نداشته باشد... نفی یا فراموش نمودن جنگهای داخلی معنیش دچار شدن به منتهای درجه اپروتونیسیم و عدول از انقلاب سوسیالیستی است."

(لنین - برنا به جنگی انقلاب پرولتاریائی) بنا بر این می بینیم که جنگ داخلی سر علیه طبقاتی است (بخلاف جنگهای رها شیبش که بر علیه منحا ورین خارجی صورت میگردد) البته احتیاج بنا بدیدر مبارزه طبقاتی است. ذکر این مطلب که روند عمومی جامعه را جنگ داخلی می دانیم به اس معناست که روند عمومی جامعه گسترش مبارزه علیه طبقاتی (کودتا، تنها جم...) و جنگ ملی و آزادسختی جنبه عمده ندارد. ما با تکیه بر جنگ داخلی در حقیقت معتقدیم که "مبارزه ما امیرالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جداست."

رفیق ز

در مورد زبان "پیکار" انتقاد کرده بودی که برای زحمتکشان فهم آن مشکل است. با بدسه نکته را در این باره توضیح داد:

اول - در مورد اینکه زبان پیکار همچنان "توده‌ای" نیست و تا حدی مشکل است، حق با توست. ما تلاش کرده ایم تا زبان پیکار را ساده تر کنیم. برای مثال تو میتوانی پیکار ۷۵ و ۷۶ را بخوانی و در مورد آن نظری دهی. اما این واقعیتی است که هنوز موفق نشده ایم در اس راه کا ملا به هد ف خودی رسم. در این مورد رفقا شی چون تو میتوانستند با نوشتن مطالبی به زبان ساده برای درج در پیکار ما را کمک کنند.

دوم - در مورد برخی مقالات که بصورت ترویجی و با نسمه ترویجی است، زبان آن نیز با گزینش مشکل تر از زبان تک مقاله تبلیغی با افشاگری است و اگر بخوانیم هم زبان آن مقالات ترویجی

رفیق م-ج

از دقت و هشاری و برخورد معالیم است به "پیکار" در رابطه با وظایف سیاسی بهات سیاستداریم رفیق در نامهات در مورد وظایف رفقا در برابر اعزام منقضیان خدمت ۵۶ پرسیده بودی در توضیح باید بگوئیم: موضع ما محکوم نمودن جنگ ارجح است. سن رژیم ایران و عراق است. بنا بر این شرکت در جنگ را درست میدانیم و بر آن محکم میگذاریم اما همانطور که در ضمیمه شماره ۲ پیکار ۷۵ نوشته ایم، بحرم جنگ ارسوی ما از موضعی با سعه سنی صورت نگرفته است و قاطعانه با آن مرز بندی داریم. بنا بر این ما حتی حاضریم در حیطه‌ها شرکت کنیم، اما نه برای جنگ، بلکه برای تبلیغ علیه جنگ! اراسور رفقا شی که مجبورند در رابطه با اعزام منقضیان سال ۵۶ به حیطه بروند، مسا نیست با تکیه بر مواضع سازمان در حیطه سزیه تبلیغ مخفانه علیه جنگ و سازمان دهی توده‌ها بر صدحک بر دازند. دست ترا بگری می سفارشم!

رفیق م-ج

درود گرم ما را بسدر بنا ما برسند. پیشهادت مورد سوچه فرا گرفت. خواسته بودی در مورد جنگ داخلی توضیح بدهیم تا مردم آن را جنگ علیه یکدیگر تصور نکنند. در توضیح باسد

رفقا، هنرمندان مبارز هوادار سازمان!

عکسها، طرحها و نقاشیهای هنری - انقلابی خود را برای درج در نشریات سازمان، برپایی نماشگاه و... از هر طریق که میتواند در اختتامه فرا ردهند. در اس رابطه میتوانیید با ارسال ایده‌های حالت و انقلابی، ما را در عرضه طرحهای غنی، تراری رسانید.

رفقا! عکسها، طرحها، نقاشیها و... خود را حتما همراه با تک حرف و رنگ عدد فرستد بنا ما سواسیم بوسله آن گذشته از اعلام رسیدش در صفحه یا سخ به نامه‌ها در صورت لزوم و از طریق همان صفحه‌ها شما ارتباط بگیریم.

- ۱- رفقای مجلات (کود) عکسهای حالت شما رسد حتما از آنها استفاده خواهد کرد.
 - ۲- رفیق ت، طرح پیشنهادت دست رسد.
 - ۳- از رفیقی که یکی از طرحهای ارسالش در صفحه ۶ پیکار ۷۳ چاپ شده میخواهیم که سسا تحریریه ارتباط بگیرد.
- بیسروز با شیدا!

رفقا! تعداد زیادی از نامه‌ها شی که بدست ما میرسد، نامه‌ها شی است که رابطه مستقیمی با "نشریه پیکار" ندارد. بگوئیم نامه‌ها شی مربوط به مسائل درون تشکیلاتی برای ما فرستاده میشود که ما با به بخشهای دیگر تشکیلات ارتباط دارد. مثل نامه‌ای در مورد انتقاد از فعالیت تشکیلاتی سازمان در فلان منطقه بنا ما در انتقاد از مسئول فلان محله و غیره. اس نامه‌ها مربوط به همان بخشها شی است که رفقا در آن فعالیت میکنند و آنها را باید به ارگان بالاتر خویش بدهند. اراسور و کلبه رفقا میخواهیم که تنها نامه‌ها شی را برای ما ارسال دارند که مربوط به "نشریه پیکار" است.

بپروزا شید
تعداد زیادی نامه از رفقا بدستمان رسیده است که در مورد مسئله "بورژوازی تجاری سنتی" توضیح خواسته اند، ما ضمن ستایش از دقت انتقادی و برخورد فعال رفقا که خواهان شناخت عمیق از مواضع سازمان هستند و برای حنی هر موضعی را قبول نمیکنند، برای اطلاع رفقا باید بگوئیم که ما بزودی در پیکار رتئوریک به این مسائل برخورد خواهیم نمود.

رفیق ود

نظرات و پیشنهادهای شما در رابطه با تحلیل توازن ایران و عراق و این تحلیل با موضع سازمان تطابق ندارد. لذا از پذیرش آنها معذوریم. موضعگیریها و روشنمودهای ما در مورد جنگ ایران و عراق و وظایف کمونیستها در قبال آن در بنامها و شما تمهیدکار... توضیح داده شده است. علاوه بر این ما در پیکار رتئوریک نیز بصورت شروحت در توضیح نظراتمان و بویژه مبارزه اپیدئولوژیک با شیروهای سیاسی با این مسئله برخورد کرده ایم که بزودی منتشر میشود.

رفیق از اصفهان

نامهات رسد. انتقاد کرده بودی که مواضع سازمان در مورد ما هیت حزب جمهوری، قدرت سیاسی، کودتا و... در ارگانها نشی شرح نشده است و این باعث میشود که در برخورد به دیگران نتوانی کا ملاموع سازمان را توضیح دهی. ما ضمن پذیرش انتقادات چنانکه گفتیم، تلاش میکنیم با انتشار پیکار "رتئوریک" به اسن مسائل مهم برخورد کرده، مواضعمان را بصورت کا ملا هنریهی بها کنیم. بیروز با شی!

را بزبان خیلی ساده بنویسیم، به محتوای آن لطمه می زند.

موسوم - بشره مرکزی "پیکار" نمیتواند و نباید خودش را تا سطح توده های مردم "پاشین" بیاورد بلکه باید بکوشد سطح توده های میانی مردم را "بالا" بکشد. بشره پیکار برای توده های پیشرو و آگاه طبقه کارگر و سوسیالیست است و اگر سطح خود را از (چه از نظر زبان و چه از نظر محتوی که در ارتباط لاینفک با یکدیگر است) پاشین بیاورد، به نقش بشره پیکار که ما زمانه، رهبری کننده و ارتقاء دهنده توده های آگاه است، لطمه وارد میشود. در همین رابطه برای آنکه به مضمون مطالب پیکار لطمه ای وارد نباشد، رفقا موظفند که این مطالب را خود به زبان ساده برای کارگران و زحمتکشان توضیح دهند. ما در مورد این مسئله بعورت کامل مفضل در سلسله مقالات مربوط به "بشره و وظایف آن" توضیح خواهیم داد. در ضمن میتوانی به کتاب "گرایش قهرانی در سوسیال دمکراسی روسیه" از لنین رجوع کنی تا نقش بشره مرکزی برای تیزتر روشن شود. بی سرو زری باشی! از هم برای ما نامه بنویس.

توضیح در مورد مقاله

"امپریالیسم آمریکا، باز هم در فکر کودتاست"

نامه های بسیاری در مورد مقاله مزبور که در پیکار ۲۱ چاپ شد، بدستمان رسیده است. ما ضمن تشکر از رفقای که با تیزبینی و دقت انتقادی نسبت به تشریح، به نقد این مقاله پرداخته اند، پاسخ کوتاهی در این باره میدهم. مضمون این مقاله به هیچ وجه با موضع سازمان در همین زمینه مطابقت نداشت و اکثر رفقا و اعضا و هواداران نیز خود منوجه چنین تناقض شده اند. در پاسخ این سؤال که اگر مضمون این مقاله با موضع عمومی سازمان مطابقت نداشته است پس چرا با بدین مقاله ای در نشریه پیکار بیا شد، باید توضیح دهیم که اگر چه بشره پیکار بهمان کننده مواضع سازمان و کمیته مرکزی است ولی گاه اتفاق می افتد که یکی از رفقای هیئت تحریریه در نوشته خود دچار لغزش و یا انحراف میشود و ممکن است این لغزش و انحراف از سوی "هیئت تحریریه" حال بدلیل عدم کنترل کافی و یا همخوانی آن با این موضع، مورد سرخورد و تصحیح قرار نگردد و نتیجتاً آن مقاله علمبرگم آنکه با مواضع سازمانی خوانائی ندارد در پیکار درج شود. بدیهی است که در چنین صورتی هیئت تحریریه موظف است که در اولین فرصت توضیح صحیحی خود را نسبت به آن مقاله در نشریه ساورد. اکنون با توجه به توضیحات فوق نا بدگفت که مقاله فوق الذکر چنین وضعی داشته که علمبرگم عدم تطابق مضمون آن با مواضع عمومی سازمان در این زمینه در نشریه درج میشود و طبعاً منبأ نیست در اولین فرصت توضیح لازم در باره آن داده میشد که از این جهت نیز به هیئت تحریریه انتقاد وارد است.

و اما در مورد مضمون این مقاله باید بگویم که تحلیل عمومی سازمان از روند جامعه همانطور که در شماره های متعدد پیکار آمده روند جنگ داخلی است نه کودتای امپریالیسم و نه فاشیسم البته این تحلیل بمعنای ندیدن امکسان کودتا نیست ولی آنچه که اهمیت دارد اینست که علمبرگم وقوع چنین کودتاها را از سوی امپریالیسم آمریکا، روند عمومی جامعه را به گداه موسومی - بنیسم که تحلیل مادرا بنیسم در صراحت روی جنگ داخلی تکیه دارد و این همان نکته اصلی ای است که در مقاله کودتا بدان توجیه نشده و متقابلاً "خطر کودتا" را عمده کرده است.

علاوه بر این انحراف، مقاله اینجا و آنجا که طبعاً حد از کمال تحلیل نیست و خود مقدمات نشخه گیری نادرست فوق را فراهم میسازد، دچار انحرافات دیگری نیز شده است و با آنجا که آمده: در صورت وقوع کودتا بخشی از خسرده - بورژوازی مرفه سوسی از آن جا سداری خواهد کرد و اینک لیسرا لها منجدا از کودتا خاتمداری خواهند کرد، با آنجا که لیسرا لها را مدافع پر و با قرص و تکیه گاه اصلی رژیم جمهوری ندانسته و آنها را در کنار بورژوازی و استعمار خراج قدرت مخالف رژیم جمهوری اسلامی قلمداد میکنند و بالاخره اعتقاد داشته اند که امپریالیسم آمریکا با توجه به ضعف رژیم جمهوری اسلامی در سراسر گلوب خلق و بازاری نظام سرما به داری وابسته های هیچگونه سازش نا آن نمی بیند و لیستن به آن را بیهوده تلقی میکند، همانطور که در بالا اشاره کردیم تحلیل عمومی سازمان با تمام موارد فوق اختلاف داشته و از آنجا که ما موضع اثباتی خود را در این زمینه ها قبلاً ارا شده ایم از توضیح مجدد آنها در اینجا خودداری می کنیم.

رفیق ح - س ۲۶۵

گزارش از پادگان عشرت آباد مربوط به اعزام و طلسمان برای جنگ بدست ما رسید. در مورد موضع گیری سازمان در قبال آلمانی، به پیکار شماره ۷۵ (پاسخ به نامه ها، سالگرد انقلاب (جن) میتوانی رجوع کنی. بی روزی باشی!

رفیق الف - ورامین

سرای شناختن تاریخچه سازمان میتوانی به کتاب "تفسیر و تحولات سازمان محاهدین سال ۵۲ - ۵۳" رجوع کنی. موفق باشی!

رفیق ح - س

نامه ات رسید. در نامه نقل قولها را از رفیق انور خوجه آورده بودی که گوی "ما شو" را ما رکبست - لنینست کبیرو... میداند، البته قبل از مرگ ما شو، حزب کارآلمانی چنین اعتقادی داشت. اما بعد از مرگ ما شو، وی را یک ما رکبست - لنینست بشمار می آورد. برای پی بردن به این مطالب میتوانی به کتاب "امپریالیسم و انقلاب" سورخوجه رجوع کنی. دست سرباه گرمی معشاریم.

بقیه از صفحه ۹ جنگ

تعمای جنگهای غیرعادلانه معاشب جنگ را باید زحمتکشان تحمل کنند. آیا سرمایه داران خودشان در جنگ شرکت می کنند؟! البته گفته اند که با کمان هر دو کشور خودشان، در جنگ گشته می شوند، زخمی می شوند و خسارت می بینند؟! با زهمنه آنها فرزندان مردم را قربانی می کنند تا خودشان حکومت کنند. آنان برای منافع خودشان است که این جنگ ها را راه می اندازند. به همین دلیل است که ما نباید در این جنگ شرکت کنیم. دفاع از خود یعنی کسب قدرت سیاسی و برقراری حکومت زحمتکشان اگر غرض از این باشد، هر نوع دفاعی از این جنگهای ارتجاعی شمشیر زدن در رکاب طبقه کارگرم است، هر نوع شرکتی در این جنگ، دامی زدن به جنگی است که علیه زحمتکشان است. در جنگی که سرده داران با یکدیگر می کردند، تنها بردگان بودند که کشته می شدند، در جنگ بین ملاکان و زمینداران، این سربازان و هفنان بودند که معاشب جنگ را تحمل میکردند. در جنگی که سرما به داران و مرتجعین نیز علیه یکدیگر به راه می اندازند، تنها کارگران و توده های زحمتکش هستند که قربانی جنگ می شوند. آیا قربانیان جنگ جنگی، ما باید با شرکت در جنگ علیه یکطرف و به نفع دیگر، به گسترش جنگ کمک کنند تا آوارگی و فلاکت خودشان را بیشتر کنند؟ یا باید خواهان قطع جنگ گردند؟ اگر موقعیت مناسب بود در سرنگونی هیات حاکمه و دفع متجاوزین و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان بکوشند؟ ما میگوئیم: در جنگ غیرعادلانه، جنگی که بین دنیروی فذخلقی برای تامین منافع خودشان صورت می گیرد مردم نباید شرکت کنند، چرا که آلت دست منافع سرما به داران و حاکمان می شوند. نباید بد شرکت کنند، چرا که با شرکتشان در جنگ، جنگ دامین زده میشود و ارمغان آن برای خلق ستم دیده، چیزی جز مرگ و بدبختی و فلاکت نیست. مردم ما باید در جنگی شرکت کنند که عادلانه باشد یعنی جنگی که برای از بین بردن ستم و استعمار و دفاع از منافع خودشان و برای کسب قدرت و برقراری حکومت انقلابی خودشان باشد. رهبر کارگران جهان، لنین میگوید: **جنگ** **آدمیه است** است به شکل قهرآمیز. اگر سیاست ما مبارزه علیه ارتجاع داخلی، علیه امپریالیسم و دفاع از منافع زحمتکشان است، در جنگ نیز باید چنین سیاستی را دنبال کنیم. تنها چنین جنگی را عادلانه و برحق و قابل دفاع می دانیم و همین دلیل جنگ کنونی را که غیر عادلانه است محکوم میکنیم.

رفقا م - چ، م - ح، علی گاوینی، ب، د - م، ف، م - ت آسانان والف - ی نامه ها پتان رسید، دست نگ تکتان را به امید موفقیت می - فشاریم و امیدواریم بتوانیم سابه رهروری از انتقادات و پیشنهاها پتان، سبک کار و طویبش را اصلاح کرده و تکامل بخشیم.

بهر روزنا شید

با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز (۷)

پس هر کجا که مشرکین را دیدید، آنها را بکشید و دستگیرشان کنید و محاصره نمائید

۱۳ اردیبهشت



الان که دارم این یادداشت را می نویسم، سربخه کردی در آسنگاه ما ست، او جز آنها نیست که به پادگان آمده اند، در عرض این مدت، این مردم سواستند اما سربازها و درجه داران روابط خوبی بوجود آورند. همه ها در اطراف آسنگاه ما را می مکنند و گاهی به آسنگاه می آیند. جیره های کودکا به شان، رفتن را دلپسند - شان محبت عجیبی در دل سربازان ایجاد میکند. بسر کوچک در کناری استاده است. رفعا سم صداس می مکنند و اسن را از او میسرند. سگا هن به آهوی حرم منده ای می ماند. می گوید که سال رده سال دارد. از او می پرسیم که برو ما درس کجا هستند، جواب میدهد: ما درم سرخورده و در سمارستان است. آنگاه خودش به حرف می آید و با لجه شیرینش سرفی می گوید که: ما درم آسده

سیدج به دستارش و با سداران تصرف شده است ولی واقعت سباران است. شهر مقاومت می کند. کشتاری که دست سروه های مسلح رژیم اینها منده غرقا فل سمورا است. کوبا درسهار زبادی کشته، اما مرا می سرفی شوغ سدا کرده است و مردمان زلحاظ عدا و سهدا نت وضعیت بدی دارند.

امروز بنگه های هستم، اکسون در بیست نگاهی این خاطر را می نویسم. بعد از یک ماه کتا سچگونه مولاده بدیده شد؟ شرا ستر و سکی را تما کردم. کتا بی است با سخنان روشنی زا. نتبجه های ما زراشی فراوانی از آن گرفتیم. نویسنده کتا ب، خاطر زندگی خود را در سس کتا ب بطور حذاب و سبار عالی درج کرده است. اوسعی کرده فضای خاطرات خود را محسم کند و واقعا این کار را بخوبی اینها میده است. گورجالین قهرمان داستان، پیرو شده یک خا بوده زحمتکش است که پدرش را در سن کودکی از دست داده، او از همان کودکی به علت فقر به کارهای بهر زحمت میپرد از او تحصیل محروم میماند. او در درون زندگی بهر زحمت و رنج، بزودی گراسش طبقاتی خود را میباید و در راه آسما ن طیفه کارگر میارزه می کند. او از جان خود ما به سگدارد و تا آنجا که می تواند به پیشبرد مبارزه طبقاتی بیاری میکند. کتا با تقدیر موثر است که منمسم دارم دوباره آنرا بخوانم.

در این مدت نسبت به چند سرباز کتبه عجبی در می ایجا شده است. اس چند مزدور سست به کردها جان اسرا ز عقیده می کنند که کوشی از طرف دولت احمر شده اند اما آنها را فصل عام کند آنها هر عقیده مخالف را در گروها ن سبت سربوب می کنند و به آن مارک "کمونیستی" میسند. البته چون نظام و دولت حامی و پشتیبان آنها سنا سنا اندازای در سربوب موفق شده اند، همه سربازها باطناً با آنها مخالفند اما نمی توانند آن را ابراز کنند. نظیرا سبگونه مزدوران در هر مشر و طبعه ای یافت می شود که خود را به قدرت و سول میروشد. در این حالت آنها ن دیگر جز، مشر و طیفه خود نیستند. بلکه سوبگران و عا ملین سربانه - داری اسدو سس دلیل مورد سرفرت زحمتکشان قرار می گیرند.

تا امروز نسیمی اسربازها را رطریق هوا، به سفز رفته اند. اما باقی مانده اسو منسظم تا وضع مان روشن شود. امروز سدا دسگری از مردم به پادگان آمده اند. اما سدا همه آنها را با نصد سرفسا وز نس می کند.

۱۳ اردیبهشت

دود سها و غلیظ سرفرا سربازهای سرفه ایجا در کرده است. این از حصاره های دودا سگری است که بر روی سرفوا طرف آن می اندازند تا سربازها و با سدارها سوا سد سشروی کنند. دیشد در راه دسوی جمهوری اسلامی سسدم که سرف

بفکره ارفحه یاد...

منا زحرفه ای ما سما و وجود سفا لست انقلابی مشغول شد. در جریان سورش دوم ارنحاح سه کردستان (۲۸ مرداده ۵۸) رفسی در کتا رخلقی کرد و در سگرما رمان سبکا در حنش مقاومت (سندج) فعلا سه سرکت نمود.

رفسی عطا سست به اشغادات و صعفا سش ایضا ط بذیری در کار سکلانی و ساسی بود. وی هواره میگوید از روی سبارها و دسورات سسکلات حرکت کند و در اس راه سخت سرفس - ما موربت ها را با رفا نت خاطر میسر رفت.

تا دوانا آن حما ثل انقلابی، سزورده های صمیمی و گرمین که سراس اس آسبا سسوا سست سراحی و سارعت با سوده های زحمتکن را سطه عا طفی انقلابی سرفرا ز کسود سدر آگای را در دل آنان سباد، به هم سگران و رفعا سس سرفرو خواهد سسند. رفسی سرابا مروز سسه ۵۹/۷/۱۲ هنگا م احرای یک ما موربت سدارکای در حاده سقر - سانه همرا ه رفسی دسگری سوسله مزدوران حما ث سسه سس شان سنی شده و مورد حمله

فرا رسگرد، دور رفقی بسشمرکه، ففر ما سسه سمرز مند، رفسو. همرا ه موفق مشود با سرباندا ری منقائل حلقه محاصره را سکنند، ولی رفقی عطا موردا ما ست تا رنک دشمن قرار گرفتند و در حالیکه زخمی بود دستگیر می شود. و با سشکه های وحشا نه سشها دت میسرند. مزدوران رژیم مدنها محل درگیری را با حصاره میگویند. رفسی عطا سسک سسها دت رسده است، اما او به سفسن "خاری جودان در روشن فردا ست."

ما گاه و را از نزدیک می سنا سسما و با خما ثل انقلاب سش آشنا هسسم بخون ما کس سوبکنده سدا میکنیم که قاطعا به سروف سبگر سبه سراز سس با سای جان در کتا رخلقیهای ففر ما اسران سرای سرفراری جمهوری دمکراسک خلق علیه ارنحاح و امیرا سسما سربازها سده هم.

سروزنا سسما ررات عا دلانه خلق کرد سسک و سرفرت سرفر سوبگران حلقه های اسران درود سرفه سسهای سخور حقه خلق سار ما ن سگا در در راه آزادی طیفه کارگر (کمیته کردستان)

۱۳۵۹/۷/۱۴



تقیه از صفحه ۶

همکاری را با ضابطه انقلاب شما بند و گرنه با شدت ترس و هجمه مازات خواهد شد. امامزادان رژیم جمهوری اسلامی، مفاد مورد توافق خود را نیز زیر پا گذاشتند و در جاده مبارزه و آتش بسا دی از مردم را دستگیر کردند و از ساعت ۸ شب بسدون هیچ بهانه‌ای شهر را محاصره را نمی نمودند.

● ۵۹/۶/۳۱ حدود ساعت ۹ صبح حملات وحشیانه ارتش و پاسداران فزونی یافت. هنگام شش رزمندگان خلق کرد، پیشمرگان قهرمان، بصورت بی‌اکننده ضریبی در محل استقرار نیروهای ضد خلق به آنها وارد کردند.

● ۵۹/۷/۱ شهر همچنان زیر محاصره و گلوله‌های تفنگ ام-۱۶ ضد خلق قرار دارد. بعد از ظهر این روز سه تا نیک که از تپه قاضی بطرف "داشا محید" حرکت میکردند مورد حمله جدا جدا پیشمرگان این فرزندان قهرمان خلق کرد، فرا گرفتند و اقارادان کشته و زخمی شدند. شب هنگام پیشمرگان ضربات جانانه‌ای به پاسداران در نقاط مختلف شهر وارد کردند. از جمله در خیابان شاهپور سابق

یک زرهپوش مورد اصابت آرمبی - جی ۷ پیشمرگان قرار گرفته و منهدم گردید.

● ۵۹/۷/۲ این روز، رورخیز مسلحانه نبوده‌های زحمتکش خلق کرد و پیشمرگان جنش معا و مسب خلق در مها با در علیه مزدوران حاسنکار جمهوری اسلامی بود. ارتش و پاسداران در نقاط اسبق استقرار خود، مورد حملات بی امان جان - بازان خلق کرد واقع کردند. و نیروهای ضد خلق به علت ضربات سنگینی که از دست خلق خورده بودند، ناچار شدند از فرمانداری، محل شورا، خانه - پیشا هنگی را در سوولیسوین و حانات عقب - نشینی کنند. در جریان فرار اس مزدوران یک نانک چیغمن و یک آمولاس حامل معراب مملج مزدور در اثر حملات پیشمرگان منهدم گردیدند. شهردار اختار و کنترل پیشمرگان مهرمان فرار گرفت. ارتش و پاسداران همچنان از ایدگان و تپه "داشا محید" شهر را به سرایتش گرفتند بودند. تعداد شهدا لحظه به لحظه فزونی می یافت ضد خلق تبسم به نابودی شهرومیل عام مردم سدفاع کردند بود.

● ۵۹/۷/۳ ارتش و پاسداران، شهر را به توب سته بودند. آنها بدون هیچ ملاحظه تمام نقاط شهر را با عمبار منهدم میکردند. حتی ساحتکده محل اسقرار امدادگران و محرومین بود از آتش ضد خلق در امان نبود. آمولانسها و ماشینهای آتش - سانی قدرت حرکت نداشتند، آتش از تمام نقاط شهر، شعله ور بود. پیشمرگان قهرمان در مقابل اینهمه جنایت و قساوت جنایتکاران ضد خلقی، قدرت تحرک خود را از دست داده بودند. آنها برای نجات مردم سدفاع از مبارزان توسط ارتش ضد خلق چاره‌ای جز ترک شهر نداشتند. مردم سدفاع دسته دسته شهر را ترک میکردند. ضد خلق، زنان و کودکان سدفاع را قتل عام میکرد رسا "پروزی" ضد خلق نمی توانست عملی شود جز با قتل عام و حشانه خلق قهرمان کرد. آنها با رادگر با سلاح حاکمیت حسانتکارانه خود را به سبهای قتل عام مردم می‌بانه، به سبهای کشته و سن از ۵۰۰ زخمی از مردم در این شهر برقرار ساختند، آری ما با دغرق در آتش دشمن و خون زنان و کودکان و مردان سدفاع کرد است.

اخباری از شهرستانها

● مسجد سلیمان

نوطه اخراج معلمین

در روز ۵۹/۶/۳۱ در ادامه مساهسهای ضد دمکراتیک رژیم مسمی سرکوب انقلابیون، ۲۷۳ نفر از فرهنگیان مسجد سلیمان که اکثر آنها معلمین انقلابی و مبارزان و روحانی مبارزات قهرمانانه خلقهای ایران برای سربوئی رژیم شاهی دلاوران به مبارزه می کردند، اخراج شدند. این اقدام که شانسه هراس رژیم از آگاهی توده هاست آنچنان عجولانه و مسخره بود که شن آئین رژیم را انسا نکرد. احکام با کسای همگی سنا و عجلانه نوشته شده بود، حتی برای برخی از معلمین دوبا رحکم نوشته بودید با برنجا اکثر احظ خوردگیی داست. چرا که این احکام در ۵۹/۶/۳۱ نوشته شده بود، مینها سر روی آنها کوسده بودید تا رسخ ۵۹/۶/۵ (یعنی نارخی که قبل از اینان با کسای مفرور شده بود) را بنوسند. نکته دیگر اینکه رژیم، عده‌ای از عناصر

سودا زحیات آب سرد را در تپه‌ها مسمل آمد، سیریه و خورد، دودیم که او را به داخل کشیم، ما در مگفت تو سوروکه تپه نخوری، گفتیم: ایشا لیلی ندا رده که من تپه بخورم، شما بنا بد تپه بخورید، برای اینک ما را بزرگ و نگهداری کنید بدرم که شاست و بعد از تپه خوردن ما درم سه با دگان آمدیم.

چهره‌های متفادی را در زدگی، سرساز بروی مردمی اسلحه میکشید که آنها را دوست می - دارد. ای سرما سدا ری اچقدر زشت و تنفراوری!

امروز اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان را در یادگان خواندم. در اطلاعیه نوشته شده که مواد غذایی و مهمات آنها چنین "تمام شده است و پاسداران نقاظ حساس شهر را گرفته اند. این یک دروغ بزرگ است. شهر مقاومت منکد و چه مقاومت فوق بشری! هرگز گمان نمیکردم که نیروی مردم بیغدر و بیابا شد.

بالای اطلاعیه لشکر ۲۸ کردستان یک آتسه نوشته شده است. در زیر آن به معنی اش را نوشته اند: "پس چرا که مشرکین را دیدید، آنها را بکشید و دستگیرشان کنید و معا صره شما شد."

وابسته به رژیم شاه و ما و اکنهای خاش را نیز همراه این عده اخراج نمود، تا قضا را سوت کند، این توطئه هم چنانکه در اقدام انقلابیون همراه با فحشا و با قحاطجیان دیده ایم، نمیی - توانستند چنانچه پیش از رژیم را بیبوشاند.

از معلمین انقلابی اخراجی حمایت کنیم.

● قزوین

از قحطی و گرانی مردم تنگ آمدند

■ قحطی و گرانی ناشی از اوضاع نابامان اقتصادی مردم را به خشم آورده است. مسردم زحمتکش مجبورند برای خرید غلب کا لاه در صف های طولانی معطل شوند. در هفته اول مهر ماه یکی از اهالی زحمتکش آسبک (که مسئول است خواهوده خود و بیادش که در تصادف کشته شده است را دارد) پس از مدت‌ها انتظار در صف فقط یک فوطی روغن موتور گیرش می آید و چون در مقابل اعتراض او مغازه داری اعتنا نمی میکنند عمیانی شده و فریادهای به ما حافانه میزند که در نتیجه وی سر زمین افتاده و می میرد.

این است نظراً ارتش و حکومت نسبت به مردم کردستان، مردم زحمتگشی که مثل ما هستند، برادران ما هستند و گناهی ندارند جز آنکه حقشان را می خواهند.

۱۴ اردیبهشت

با دگان از آمولانسهای که بر حرم بسند دارند پرتده، امروز آتش سنا اعلام شده است برای سردن احساندربازان ارشهر اقدام کنید از صبح تا ماه حرکت بودیم. ساعت ۱۰ صبح بود که اعلام حرکت کردند. وسایل و کسه‌های افرادی را به کایون ساگردیم تا به فرونگا که در عین حال میدان مسجده هم هست بیرون خودمان سیر

به آسار همیم. در میدان دوله کوب سربشسته بودند. آماده حرکت بودند. سنا از یک ساعت اسطر، سمنی از سنازان و درجه داران بطرف سحر حرکت کردند. ما در انتظار زکب آنسان برجا ما بدیم. درجه داران و سنازان با دگان در کنا رمیدان سه سه مردند و سنا کنکا وی به ما می بگریسند. بعضی از آنها طومی آمدند و سناواتی در مورد عین ما ان را می پرسندند. ساعت ۱۲/۵ بود که یک هلکوب سه سه رسن سست ۴۰ سبک سه سه صورت خود را با نال بوانا سه وکا ملامسج بود. از آن سنا ده دند و در کنا ر سنا ن مسطر نشسته، سنا از یک سب سبزی

خلی ستمزی به میدان آمد و در کنا ر آنها توفیق کرد. مردمی بالناس کردی و شالی به گردن که اسلحه‌ای به کمر بسته بود از پیروان شده و با چهار نفر مسلح صحبت کرد و سنا زبا بان صحبتهایش با ما شن رفت. سنا در فانی حیب پا سنازان مسقر در یادگان به میدان آمد و آن چهار نفر را با خود برد. ساعت ۳ سنا ظاهر بود که دو هلکوب سبک سنا زکشند. با سلطت بی هوا پرواز ما سه سنا خورد و فرار رسکه فردا حرکت کنیم. دوبا سه سنا آسنا سنا سه سه سنا زکشیم، آتش سنا سنا با سنا یافته و اکنون دوبا سه صدای سنا سنا از سنا سنا سنا است امروز در سنا ۱۴ روز است که از غایب میگردد. (ادامه دارد)

اخبار جنگ

زنده سوزاندن اسرای جنگی جنایت است

یک کماندوی ارتش شریف مسکرده عده‌ای از اسرای ارتش عراق را بداخل نعربره‌های خود ریخته و آنها را به آتش کشیده اند و اسرا کما میلا سوخته اند. یکی از عارضین گفت که "این حرکت عدا سلام است" و در جواب کماندو میگفت که: "جنگ اسلام برش نمیشود". این گوشه‌ای از رفتار ارتش مدغلی با اسیران جنگی است.

۱۲ مهر:

در این روز خلخاللی جلاد پس از اعدام تعدادی از عربیهای سوسیگنده با آبدان آمد. مسز دوران عراقی پس از ورود به سوسیگنده برای مرید سب زحمتگان "املاحت ارضی" کرده و بین مردم بنزین تقسیم کردند و "شهر دار" و "فرماندار" انتخاب نمودند. خلخاللی پس از خروج عراقیها از سوسیگنده و از این شهر شد "شهر دار" و دیگر افرادیکه با عراقیها همکاری کرده بودند در اعدام کرد. او پس از ورود به آبدان در محاصره ای با "راد بو نعمت ملی" خطاب مردم آبدان گفت: "هر کس را دیدید با ما ک دستی است بداند بداد و جیبی است و در کیف او اعلامیه است." او سپس به سبروهای سیاسی از جمله سازمان جامعه کرد و گفت: "وقتی آنها را میگیری و میگوئی کجا میروی؟ میگویند میروم جبهه جنگ و ملی وقتی کیف او را از میکنی برای اعلامیه بیکار، فدائی و ما شوش است که به رژیم جمهوری اسلامی نوهی میبند" وی خطاب به مردم گفت که "کمانتی که کیف در دست دارد آهسته راه میروند و پشت سر خود را می بیند، اینها جیبی هستند و اعلامیه دارند. مردم شما را بگیرید و تحویل ارگانهای انقلابی دهید!" دشمنی این مرتجعین با نیروهای انقلابی حد و اندازه‌ای ندارد. حتی در زمان جنگ شدت هم می باید.

۱۵ مهر:

طبق خبرهای رسیده حقوق کارگران پالایشگاه را شما می برداخت نمیکنند بلکه حدود ۱۲ آزار به آنان میدهند. وسایته ما ورتنده بعطت بسته بودن فرودگاهها پول به آبدان میسر شد. اولین دودهای جنگ ارتجاعی خنم کارگران زحمتکن می رود.

خرمشهر - تقریباً تمامی مناطق صنعتی به خرابه تبدیل شده اند. آثار رگلوله های سوب راکت و خمپاره در سراسر شهر به چشم میخورد. سرب های سرق کنده شده توسط غنا با آنها افتاده اند. احاد سوخته، نانکهای عراقی و اسرای سوژه در حبسهای شاه آباد، طالقانی و... دیده میشود. "سپه ارمان معدنی" در هم کوبیده شده و هیچکس در آن نیست.

۱۶ مهر:

اهوار - اماست خمپاره های ارتش عراقی عراقی به ناحیه جنوبی اهواز از شنبه صبح شروع و تا ظهر امروز ادامه داشت و تعداد زیادی کسه بر جای گذاشت. سپس از ۷ در مدگنه این منطقه شهر را ترک کرده اند. از مناطقی که هدف نوبهای عراقی قرار گرفت پاسگاه ژاندارمری و کارخانه نورد و اوع در جاده اهواز - خرمشهر است. در اثر اماست خمپاره مدبرعامل و خندن از کارکنان سوردگشته شده اند و لی از تلفات پاسگاه خمیری در دست سبب حملات ارتجاع به سبروهای انتقالی شدت یافته است. پاسداران سرما به به کلیه منازل که اسلحه دارند حمله کرده و اهالی منزل را دستگیر کردند. اغلب اسلحه ها با دادن تضمین و ببری دفاع از سنگرهای مناطق از ما حد گرفته شده اند.

در ساعات خاموشی، پاسداران عا برین را تفتیش کرده و مورد زحوشی قرار میدهند و از آنها کارت شناسایی میخواهند.

خانهای سنجایی آزاد شده اند

روز ۹ مهر ۵۹ دکتر کریم سنجایی همسراه فرخ سنجایی (که فراری بود) و ابرخ خان سنجایی (او هم فراری بود) و اردگرما شانه شدند. ورود کریم سنجایی موجب نعت مردم سوسری انجام معلومند که دکتر سنجایی برای تشکیل "سبج عا بیری" و اردگرما شانه شده است و هدف دیگرش آزاد کردن عسکر خان (برادرش) با هما رخان سنجایی کریم خان صفائی و محمدخان سنجایی است.

روز ۱۳ مهر خانه های سنجایی رندانی (که در بالا اسمنان آمد) در ساعت ۳ بعد از ظهر از زندان آزاد شدند. آنان با فول همکاری برای تشکیل سبج عشایری مرخص شدند و فرار است توسط کریم سنجایی سبج "ماه دست" و "سنجایی" انجام شوند. فرمانداری کرما شانه نیز از کلبه خوانین منطقه خواسته است که در سبج عشایری شرکت کنند. جنگ نمطی و ارتجاعی، سن از همه ارتجاع را متحد مسازد. ماهب با صلاح مخالف رژیم جمهوری اسلامی ناخوانین و متودالها بهتر روش میگردند.

جرا عراق از کردستان قهرمان نمی تواند حمله کند؟

ا دامه شدت یافتن درگیریهای دور زیم ارتجاعی ایران و عراق برای ارتش جمهوری اسلامی مشکلات جدیدتری را ایجاد کرده است. بر سبب نظامی حار میسند ما محرکهای گذشته چون حقوق و مزایای رایج به حکم آدامه دهند و برای جلوگیری از بی نظمی آنان مرابضای سبیری به حقوق آنان اضافه شده است. ارتشنان سن از سن از بانان جنگ صحبت میکنند و برخی از آنان که کم هم هستند برای خلاصی از جنگ به کوردیائی توسط ارتش دل بسته اند. در مسان ارتسان بخاطر جنگ بحثهای سیاسی سبیری در راه و اوع جا مع و نقش ارتش در میگذرد. بر سبب رایج به نیروهای سیاسی صحبت میکنند و سوژه در مورد کردستان صحبت میکنند و اینکه نیروهای انقلابی و سبیرگره های تهران خلصی کرد که حکم سن اجازه تعازی به نیروهای ارتجاعی

سخنی دیگر بارفا! در مورد نحوه خبرنگاری و گزارش دهی

ما قبلا نبر با سماحن گفته ام و حواسار رابطه فعال شما با نشره تان کسه ام، اکون با ردیگرتنا کیدمی کسم برای بوده ای برسدن بیگنا رلام است هرا باقی که در کارخا به روستا محله، شهر، مدرسه، آداره و... می امتد لافا مله به بیگنا رگزارش کنید. از ما ثنی که با ما بدورد تبلیغ و ترویج قرار گیرید، ارما ثل مورد علامه توده ها، از چگونگی زندگی و مبارزه بوده هسا، ما را مطلع کنید.

۱- اخبار و وقایعی که در اطراف شما بوقوع میپیوندد و اخباری که از دیگران شنیده اید را بشرط موش بودن سرمان بفرسند نحوه دا شته با تبدنا زما سکها کما ملا مطمئن سه درستی خبر نیستید آترا براسان بفرسند. در تنظیم خبر به مسائل زیر توجه کنید:

خبر با بدکا مل با سدیدین ترتیب که عا صر زهر را در بر دانه ما شد:

- - که؟ شخص، اسخاص، احزاب، گروهها و با طبقات اجتماعی، ارگانهای دولتی که در واقع شرکت دارند و با واقع بصحوی به آنان مربوط میشود.
- - چه؟ موضوع و نوع واقعه، یعنی آنچه واقعه را تشکیل میدهد.
- - چرا؟ علت و انگیزه ای که سبب ایجاد واقعه شده است.
- - چگونه؟ تشریح چگونگی وقوع و سببان کیفیت و ترتیب واقعه و سببان مختصر سبرجریایی که بوقوع پیوسته است.
- - کی؟ زمان وقوع، روز، ساعت، زمان تاریخی.
- - کجا؟ مکان وقوع واقعه.

ممکن است یک خبر شما عا صروفی را در سرندها شما با ما بدیگوسما حبر هر حدکا ملسر در سبرگیرنده عا صروفی باشد.

۲- گزارشاتنی مبتنی بر چگونگی زندگی و مبارزه نموده ها را برای ما بفرسند، اسمن گزارشات با بدبنا نگر شرایط عممی زندگی بوده ها (دستمزد، ساعات کار، شرایط کار در کارخانه ها و مزارع و... و سبب روابط مسان طبقات گوناگون با یکدیگر و... و وضعیت ذهنی توده ها (اسواع حرکات مبارزاتی، اعتماد نظرات... دیدشان نسبت به هیئت حاکمه و نیروهای انقلابی، آرزوها، خواسته ها و تمایلان و بطور کلی "طبق و جوی توده ها" و نحوه شرکت نیروهای انقلابی و مدافعان در مبارزات توده ها (حرسات تبلیغ، ترویج و سازماندهی، بحث اعلامیه، فروش نشریات، چگونگی بقیه در صفحه ۱۰)

رژیم عراقی سدا ده اند در حالیکه رژیم بعثت تراهتی ارتزهای غربی و جنوب غربی رده است

تضادهای درونی هیئت حاکمه همچنان لاینحل است

جنگ ایران و عراق، گرچه "جنگ قدرت" را در میان دو جناح بورژوازی ارتجاعی ساجسدودی کاهش داده، اما از بین نبرد و اختلافات کما کسان باقیست. در آغاز هفته، روزنامه‌ها خبر دعواها و فحاشی‌های "لیبرالها" و "حزب جمهوری" را در مجلس منتشر ساختند. طرفداران حزب جمهوری که مسئله سفارت برایشان تبدیل به "دکان بر درآمدی" شده است، بخاطر تفوقشان در مجلس، لیبرالها را که خواهان مذاکره با آمریکا بر سر گروگانها بودند، عیب را ندانند و گروگانها را بی‌محتاج توهم - رای توده‌ها را همچنان در احسان خود گرفتند. جنگ البته منسلسفات و جناح راستی دیگری میکشاند. اما اختلافات کهنه را با ردیگر تازه کرده یعنی صدر و لیبرالها سیاست خارجی حزب جمهوری را مورد حمله قرار داده و اقدامات آنها را که مغایر با "عرف دیپلماتیک" لیبرالها است عاقلی دانستند که "به عراق در جنگ کمک میکنم" و گروهی ایران را در صحنه جهانی منزوی میبازند. لیبرالها که خواهان تسریع عادی شدن روابط با کشورهای امپریالیستی هستند، کوشیدند تا از این جنگ بعنوان عاملی برای نفوس خود در حکومت استفاده کرده و از نظر سیاسی با ملاحظه حقاقت نظرات خود را تبلیغ کنند. آنها که در مورد ارتش نواسته بودند در وقت خود را به عیب زانیده و بطرات ارتجاعیانشان را به کرسی نشاندند. در مورد سیاست خارجی با مقابله و مت حزب جمهوری رو بر سر آورده اند. حزب جمهوری ارتجاعی که حسا رو - حشالهای دروغین غذا میربا لیبسی اش مویح شده است تا بخش زیادی از پانه‌های توده‌های اش را حفظ کند و اواقعه سفارت و... بعنوان عامل سنا ربه هم افزائی استفاده کرده است. حاضر نیست به خصمه شتابازی اش تا آن دهد. بعلاوه حزب برای حفظ مناسبات سرمایه داری وابسته و سرکوب انقلاب چپین سیاسی را با کشورهای دیگر لازم میداند و چنین است که در دو من سانه - اش در راه جنگ (جمهوری اسلامی، ۱۷ مهر) میگوید که انقلاب اسلامی ایران "به چوجه منزوی نیست" و دلیل آنهم این است که عراقی با ایران حمله کرده است!

علامه همت سرزنش و اساعدم انزو و که پوشی است برای دو سیاست جداگانه ارتجاعی در مورد مسائل خارجی در گرفته است. کیهان، میزان و انقلاب - اسلامی در یکطرف و طرف دیگر آزادگان، اطلاعات و جمهوری اسلامی و "مردم" حزب مدتوده که

نقشه در صفحه ۱۷

پادداشت‌های سیاسی هفتگی

جنگ طلبی برای جلوگیری از انقلاب

یکی از محورهای مهم سلسله تفکرات رژیم محرز بقوت ارتش و سید محمدتبات انقلابیون، مسئله جنگ طلبی رژیم است. رادبولوویزیون و مطبوعات رژیم، دانشجویان حزب جمهوری، وزراء و کلام مجلس، صحبت و برتر، رئیس جمهور و آنت الله حسینی همه ارتجک تعریف میکنند. لیبرالها در رژیمها که کسان ۱۲ مهر میگویند: "جنگ جبر حوسی است". بی مدارا و فوا و تحک سخن میگوید و آنت الله حسینی هم جمع بندی ۸ مهر خود را ارائه میدهد. آنها سهرای سما را از شده زسان سوده و کوا رگران سیکا رسده و کراسی و سمارای ... را نمی بینند. آسان در اس جنگ بدسبال نسبت حوسی، سوار شدن بهتر سر کرده بوده ها،

نقشه در صفحه ۱۸

تشکیل سمینار رفقای دانشجویی هوادار سازمان در خارج از کشور

سمینار سراسری دانشجویان هوادار سازمان سکا در راه آزادی طبقه کارگر "اراسخ ۲۲ - ۱۸ سنا میرا ترک سس از مدفتر از هواداران در تبریز سبیتی (اسالما) برگزار گردید. در اس سمینار رفقا موقی به صورت اسان - تا به وقت و تشکیل "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور" (هوادار) سازمان سکا در راه آزادی طبقه کارگر گردیدند. همچنین سه نفر بعنوان مسئولین موفست تعیین شدند. که در اولین فرصت نسبت به مدارک و سرگزازی اولین کنگره اقدام نمایند. ما گزارش مفصل این سمینار را در شماره های آینده درج خواهم کرد.

★ ★ ★

رفقا! با خوشبودی فراوان، تشکیل سمینار موفقت آمیزمان را سنا تبریک گفته و امیدوارم در سمر کنگره آینده ما هم موفقتینا دستاورد های سارهم سسری ارسوی رفقا بوده باشیم. سروزنا سنا.

درد پرشدهای زحمتکش ایران و عراق!

مدهان از زحمتکشان مهبان مابوسله سها حمررسم عراق در دربول، اوار، آسادان، حرمهر، تهران، سسرور... به سها دپ رسده اند در سماران مناطق سکونی سفاده، موصل، کرکوک، سلیمانیه و... جندمندن از زحمتکشان عراق به شهادت رسده اند. آری این جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان ما فقط فلاکت و بدختی و کساره ارمان مناورد!

تسلیت به خلق قهرمان الجزایر!

مهر طبیعت سکا ردیگر کروی زحمتکشان سهر "الاسنام" در الجزایر را فرود، گزارهای اوله حاکی از کشته شدن سس از ۲۵۰۰۰ نفر ورخمی و آوارگی دهها هزار نفر از مردم اسن نهر است. ما اس مصیبت و فاحه بزرگ را به کارگران و زحمتکشان و خلق الجزایر و سوززه ما زمانه سکان مفضولین اس حادثه تسلیت میگوئیم!

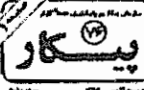
سالگرد

سفلت تراکم مطالب، متاسفانه نتوانستیم با دانه رفقای شهید سیمین تاح حوسری و محمدرضا خوندی اعنای بخش منشعب از سازمان محاهدین خلق را در این شماره سنا ورسم. در شماره آینده ما داین رفقا را گرامی خواهیم داشت.

پوزش


بحث خواندنی نقدفلم "سبا برین ساسک" که قسمتهای سوم و چهارم آن باقی مانده است، متاسفانه تبدیل تراکم سائل روز نمیتوانیم در "سکار" سنا ورسم. امیدواریم تمام این بحث را همراه با مقالات دیگر هنری مشا به در سسک مجموعه به خوانندگان تقدیم کنیم.

منتشر شد:




پیکار

جنگ و انقلاب



جنگ و انقلاب



جنگ و انقلاب

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

جنگ و انقلاب

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

۷۶

دوشنبه ۲۱ مهر ۱۳۵۹ بهاء ۱۰ اردیبهشت

جنگ ادا میسایات است تطبیقی دیگر. شما هم که
- ها از سیستم های سیاسی که مولد آن هستند خدای
نا پذیرند. آن سیاسی را که یک دولت بویک طبقه در
درون دولت، مدتها قبل از جنگ تعقیب میکرده است،
بسیار زود در دوران جنگ نژاد ادا میجوید. منتظر
نیاید. عمل شناسی میسر میسر میسر است.

حک ادا میسایات است تطبیقی دیگر. شما هم که
شیرشما را انقلابی و دهقانان را انقلابی میسرای
سلطنت را در اوان قرن هجدهم، از طریق انقلابی
سرتگون کرده و جمهوری دیکتاتوریک برقرار نمودند،
شما هم که انباشته کارها در دستان و زمینداران را سرزمین
شبه ای انقلابی بگرداندند، آن سیاست طبقه انقلابی
بسیار زود تا میسایات اروپای استنادی، تاریخی
با دنیای غربی و نیمه شرقی را از زمینداران بطرز
بسیار زود تا میسایات اروپای استنادی، تاریخی
فرانسوی که کلمه ملل سلطنتی اروپا، با تکمیل
انقلاب معروفان، در مقابل فرانسوی انقلابی در جنگ
جنگ میسایات میسایات میسایات. آنکارا در درون کشور مردم
انقلابی فرانسه، برای نخستین بار، آنجا از آزادی
انقلابی سرزده اند که در طی قرن بیستم تا دهه هجدهم
بسیار زود تا میسایات اروپای استنادی، تاریخی
استراژی نخبه فرم شد. شما می توانستین و میسایات
حکمی در هم بکنید، یک ارتش خلقی انقلابی سوسیالیستی
با کسرس سراسر از آن ندمی گردید، و نبودن های سوسیالیستی
سرزده اند، مد، خلافت انقلابی میسایات آنکارا رنست
اس مثال، از نظر من، از آن جهت نایاب بود که
آنجا را آنکارا میسایات زود تا میسایات سراسر
سورزوازی، آنکارا که آنجا سراسر میسایات سراسر
و میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
ملل اقتصادی و تاریخی میان هر نوع جنگ و سیاست
مسلح از جنگ هر کشور، هر طبقه ای که قبل از جنگ حاکمیت
داشت، به نفع میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
خود رسیده است، درک نمی کند، استنادی خود
کم میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
نخبه حاکمیت "ملح آمیز" در مستعمرات، بعنوان
مثال، لازم است، به ساحتی میسایات سراسر میسایات سراسر
شاید.

ملح در اروپا حکم میسایات سراسر میسایات سراسر
سود که سلطه ملت های اروپای سراسر میسایات سراسر
مستعمرات، از طریق جنگهای مداوم، و نخبه سراسر
طولانی تحصیل شده بود، جنگهای سراسر میسایات سراسر
ادا آنها را بنا میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
اوقات به جنگ، بلکه به قتل عام های سراسر میسایات سراسر
کنارهای سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر

جنگ و انقلاب

سخنرانی ایراد شده در ۱۴ (۲۷) ۱۹۱۷هـ
و-۱- لنین

تاریخ انقلابات اروپا در طی قرن گذشته، در جریسان
۱۲۵- ۱۳۵ سال، جنگهای را با اسبابان میسایات سراسر
ارتقای هستند، اما در عین حال جنگهای انقلابی
نیز میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
سلطنتی مجد، عقب مانده، فئودال و سراسر میسایات سراسر
وجود داشته اند. امروزه در اروپای غربی و بعد از آن
اسپانیا و روسیه، برای بوده ها، هیچ فرسی بیشتر از
آنچه که از طریق ذکر نمونه جنگهای انقلابی اعمال می
- بود، سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
این را روس میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
سرور جنگ کشته اند، به طبقه ای به آن دست زده اند، و
چند سالی میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
که تا بدما میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
راجع به جنگ لزوماً میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
دلایل بود، که میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
را برای میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
دام در برابر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
ما جنگی اظهار نظر کلاوتس (۱۱) یکی از مشهور -
ترین نویسندگان فلسفه و تاریخ جنگ را میسایات سراسر
میکوبد: "جنگ ادا میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر"
این اظهار نظر سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
کمی پس از دوره جنگهای سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
های فلسفی از آن سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
که نظرات اساسی اش اینک بدون شک برای هر فرد
اندیشمندی آشناست، فریبده هشتاد سال سراسر میسایات سراسر
طبقه شوران و رگد در صورتی که در برابر جنگ که کوسا
جنگ چیزی اسب جدا از ساسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
واستند به آن، فقط جمله ای است که ملح را سراسر میسایات سراسر
زند، و سپس بعد از آن ملح که بدین گونه سراسر میسایات سراسر
بود، مجدداً بر فراز او هشد، و تا آنجا که گفته میسایات سراسر
"جنگی دا سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر"
خواست، اسب دیدگاهی سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
بال سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
بسیار دلسلی از دوره تاریخی جنگها رد خوا هشد.

مسئله جنگ و انقلاب در این و آخر آن... در در
مطبوعات و مجامع عمومی مطرح بوده که احتمالاً بسیاری
از شما به تنهایی با بسیاری از جنبه های موضوع آشناستید
بلکه برای استان خسته کننده نده است. من هنوز حتی
یکبار هم فرصت نگرفته ام که در این مسئله در یک مستند
جزیی با عمومی دربار را من مطلب سخن بگویم، باحتی
شرکت داشته ام، را این جهت احتمالاً اسب سراسر
ممکن است وجود داشته باشد که ما ثانی را تکرار کنیم
اینکه ما ثانی را که بیشتر از همه مورد علاقه و توجه اسب
است بطور دقیق و مفصل توضیح ندهم.
بنظر من چنین مسرند که میسایات سراسر میسایات سراسر
مسئله جنگ معمولاً نادیده گرفته میسایات سراسر میسایات سراسر
موضوع کلیدی که توجه کافی بدان نمیشود و روی آن
مشاجرات زیاد میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
جهت وجود دارد مسئله خصلت طبقاتی جنگ است: چه
چیزی موجب جنگ میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
اندا زند، چه شرایط تاریخی و اقتصادی - تاریخی
موجب جنگ میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
عمومی با مسئله جنگ سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
رسیده ام که دلایلی که اسب همه سو، سراسر میسایات سراسر
مطلب وجود دارد، اسب است که ما در اکثر مواقع سراسر
زیبای نهی کاملاً متناقضی راجع به آن صحبت میسایات سراسر
از نقطه نظر ما رگسب، یعنی، از نقطه نظر سراسر
سوسیالیسم علمی نویسنده، موضوع اصلی در هر جنبه ای که
سوسیالیستها در مورد جنگی از سیاسی از جنگ و
مؤسسه گری در مثال آن اسب میسایات سراسر میسایات سراسر
جنگ بحال طرح جزئی سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
با آن هستند و آن را هدایت میکنند. ما ما رگسب ها
جزو آن دسته از مردمی که مخالفین نامالچ هر جنگی
باشند، نیستیم. ما میسایات سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
سیستم اجتماعی سوسیالیستی است، که با از میان
رفتن تقسیم انسانها به طبقات، بونا بودی هر گونه
استعمار انسان از انسان و ملت از ملت، سراسر میسایات سراسر
هر گونه مکان جنگ از میان خواهد رفت. اما در سراسر
برای دستبازی به یک چنین سیستم اجتماعی سراسر
سوسیالیستی، ما ضرورتاً شرایطی مواجده خواهد بود
که تحت آن شرایط، مبارزه طبقاتی در درون هر ملتی،
منحصر به جنگی میان ملل مختلف میسایات سراسر میسایات سراسر
منروط به اسب مبارزه طبقاتی است. از اینرو، ما
نمی توانیم امکان جنگهای انقلابی، یعنی جنگهای
که از درون مبارزه طبقاتی سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر
توسط طبقات انقلابی صورت میسایات سراسر میسایات سراسر
دارای مفهوم و اهمیت مستقیم و انقلابی هستند را، غیر
محتمل بشماریم. ما خصوصاً کمونیست سراسر میسایات سراسر
را نادیده انگاریم، چرا که به سراسر میسایات سراسر میسایات سراسر

☆ :housek:☆

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

پیکار

به دست گذاخته اند تا بحال با ما هم در این زمینه کاری
به حد ظاهر است. پس از هر حزیناسی یک بحث کلی
در باره سیاست و تدریجی ایروپائی - معنوی است کل،
سند نام. ما سیاسی این با آن مثال های این با
آن بوده بحث را. کذب است در پیوسته از سوی
بندیده های احساسی جدا خود برگزینم زیرا اسکار
بی 'رزن' است. در حقیقت بیرونی یک نمونه مخالف سر
نیک است به همان آسانی ذکر شود. ما ما سیاسی ست
کلی تمامیم دولت و اروپائی و اروپائی و اروپائی
انضادی و سیاسی مان در نظر گرفتیم. چرا که خواهیم
در اسلام حکومتی کنونی جدا و ما با جدا از خود و
آن رسید کرده است.

ما خود را با اختلافی - سوزنا و احساس مطروبت
سرماننداری. اما رطبت طلبان با جمهوری خواهان -
حکمگمسی دارند برای حکمگمسی یک نسیوم
سازمی به راستی معنی بدان است. معنویان مثال
در جمهوری فرانسه در حدی بیانی بیسازان
سول بیی حوسند که این حکم را از جانب فرانسه
اند با دولتمای حکم های انقلاب کبیر ۱۷۹۲. طلوه
مستعد. هیچ وسیله ای برای اقبال توده های فرانسوی
کامران فرانسوی و کارگران با ترک نورها سی ای این
باعست که "اصطلاحات" و معنی شعارها و رموز
دوره ای دیگر برای عصر ما بکار نمیکنند. و ما اسکند
میگوسند که مسئله حس و انشود و گدگوما اکنون نیز
فراسه جمهوری در مقابل طلب. مددفا از آزادی
خود بر احساس است. در اسی مورب. حقیقت "کوجکی" که
با دستگیرند مسودا است که در ۱۷۹۲. حکم از جانب
طنبی ای انگلیسی بر ما دیده بود. که انقلابی بی مانند
را بر ما بر ما دیده و بر ما بودن کامل مکتب و نشانیم
تلمذ اروپای بلطبی منحصرا نشانها و بکا شده است
سند را هدف انقلابی. تهرمانی های بی نظیری
به نشان گذاشته بود.

حکم در فرانسه و تداوم سیاست طبقه ای انقلابی
بود که انقلاب را بر ما بر ما دیده و جمهوری را بر
آورده. با سر و نسی بی مانند حاکم خود را
بر ما به داران و زمینداران روسن کرده بود. و در ادامه
شان سیاست تهری انقلابی را بر علیه اروپائی
ملطنتی متحد آغاز نموده بود.

اما ما امروز با دو گروه مواجه هستیم. دو گروه از
قد. نه ای سرما به داری. ما تمامی بزرگترین قدرتی
سرماننداری جهان را در مقابل خود داریم. انگلستان
فرانسه. آمریکا و آلمان. که برای چندین دهه سر -
سختانه سیاست رقابت اقتصادی بی آمانی را که در
دستبایی به سیاست جهانی. و به انقیاد کشیدن ملل
کوچک و سردار بر آورده و برابر کردن سود سرمایه های بانکی
و گرفتن ساختن تمام جهان در شبکه نفوذ خویش بوده
است. دنبال کرده اند. این است آنچه که سیاستهای
آلمان و انگلستان حقیقتا بر آن استوارند. من بر
این واقعیت تاکید میورم. این حقیقت را هرگز نمی -
توان با استحقاق کامل بیان کرد. زیرا اگر ما آن را
فراموش کنیم، هرگز به بلط واقعی جنگ بی نخواهم بود.
و از همین رو برای نویسنده کان سورزوا بسیار آمان
خواهد بود که عبارات دروغ خود را به ما قائل نمائند.
سا ستی ای واقعی هر دو گروه غولپای سرما به داری
- انگلستان و آلمان. که با اتفاق متحدینشان در
مقابله یکدیگر جبهه گرفته اند. سا ستی ای کده هیما
سال قبل از جنگ نیز دنبال میکردند. می با پستی
بطور همه جانبه مثلاً نمودار مخته شود. اگر چنین نکنیم،

در دنیا از یک ضرورت اساسی سوسا لسی علمی و انشام
علم احساسی بطور کلی غفلت کرده ایم. بلکه. ساد
سوا هم بوده هیچ چیزی را ححک کتونی. در ک
ساشتم. ما خود را به بزرگترین مملوکت فرانسه و بی -
انکم که سوسا سوسا و بیک ملت را علیه ملت دیگر
ما اروپائی بی رمی انگیزند که بدون اینستا. در همه جا
سکار کردند. سوسا بی کده کلاوشی حدود ۸۰ سال
بی. ۱۰۰ ساله. ما را که یعنی مردم را رسد میسندند
ملیا در مطلق زندگی میگردند و سعده حکم را شروع کردند
اسیرا. میسود. مثل است که درست سودا حکومتی -
نوان یک حکم را ساخت. چرا که در سابط آن حکم با
ساست نسی آن دولت معنی سسند و اینستا بی معنی.
و آن طینت معنی در نظر گرفتند. بگرار میسند
این یک سگداری است که غالباً مانده در گذشته
سود. نم در ک این ننگه. نه در معنی ما ححست
در باره حکم را بر ما به متا حرات و سخن سردار سستی
سوزیدیدیل میسند. ما کوشیم: اگر چه ساساستیای هر
دو گروه و متعاصرا طی چندین دهه مد نظر بوده است -
برای اسکند از عوامل تضاد بی و ذکر مینمایند
معاست بود. اگر شما نشان ندهد که سساید است این
حکم به ساسستیای کده شناسایزید کرده. در استعوار ما
در ک سسند که ما این حکم بخاطر ححست.

این ساسستیایک جزرا ساسسان میدهد -
رناست مدام میان دو با از بزرگترین غولپای جهان.
انستادهای سرما به داری. در ک طرف انگلستان را داریم
گسوری کده جزا عظمیای را در اختیار دارد. گسوری کده
ارسطروست در جای اول است. و این سرور را سساز
آنگه ارسروی کار کارگران این کسور کس کرده است
از اسپار مسعمرات سسای. با ندرت عظیم بانک
خان سسند آورده است. ما نکینانی که در زمان تمام
ما سکیای در کبریدک گروهی. العاده کوجکی از حیار
سج سو ما ک. سید کرده اند که سسوسنیا روسل را
اداره مینمایند. و اینجا اداره میسند که سسندون
اغرای مسوان ادعا کرد حتی یک وجب خاک کسند در
دستیای سسکن این سرما به داری بر گرفته اند. یک
وجب خاک کده را را رنشته سرما به داری سسکنی معصل
سسان. وجود دارد. این سرما به داری از غارتن در اینجا
اسعاد رشد کرده در مقابلست های آن بدما و راه. مرنهای
دولتیای واحد کترش یافت و کروهی از با نکیناسی
عظیم را که سسوسنیای سسرانی در اختیار دارند. سسکل
داد. این گروه کوچک. پس از تشکیل خود. تمام جهان را
در شبکه سسوسنیای خود گرفتار کرده است. این جمع -
سدی و جوهر سساست استنادی سسیتا نیا و فراسد است.
کده بر راه آن حتی نویسنده کان فرانسوی که برخی از
آنان برای او مانسته مطلب منویسند. روزنامه ها که
اینک توسط سوسا سستیای سابق (در حقیقت ححس)
مردی مثل لائیز. نویسنده معروف مالی) اداره میسند
سالیا قبل از ححک گفته بودند: "فرانسه یک کشیسور
پادشاهی مالی است. فرانسیک البکاری مالی
است. فرانسه تنزیل سسیر جهان است."

از طرف دیگر. در مقابل این گروه عمدتاً انگلیسی
- فرانسوی (۸). گروه دیگری از سرما به داران را
داریم که حتی بسیار درنده خویر. و چیا ول کتر سسند.
کروهی که موقعی به سس میسند فین سرما به داری آمدند
که تمام ما ها اشغال شده بود. اما این گروه روشیای
جدید تولید سرما به داری - تکنیک های اصلاح شده.
سازماندهی عالیتری را به میدان آورد. که سرما به -

داری کین. یعنی سرما به داری ضرورتاً - را در ا. س
سرماننداری سراسیا و سسکا ها و کارخان های عول -
آما مدل ساخت. این گروه معوی کده آذارسولند
سرماننداری نهاد کسول دولت. سسک قدر عظم
سرماننداری با ندرت عظم در یک مکتب سره واحدی کده
دهیا سسوسن اسان را سسک سازمان واحد سرما به
- داری دولتی درمی آورد. سوسا. این سسک استعادی
و سسکا سسک جدید ده است که ححس بی سوانت از
آن سسوزد. این سسکا سسیا حراغ را حمای حل در س
مسند ححک است که سارا سارا سسارا حوسود که
حک گسوی سس. سرآ سساستیای طنبی است که
بدان سس کرده است. سس است و غول سسستی است که
به سس سسک سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
حکا ل سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
انستادی شان حوس سس کرده بود. آسینا سس سس
مخا سس سس. سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سس سرما به داری ما کتر سس بود.

سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
در طی حدی سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
بود. سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
چین سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سکده سال برای کس سس سس سس سس سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
وسرماننداری این سس سس سس سس سس سس سس سس
حرای خود را سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
حسدیدار است. سس سس سرما به داری سس سس سس سس
کده کامیای سو العاده سس سس سس سس سس سس سس
رس سس سس. این سس سس سس سس سس سس سس سس
سسرنا سس استعاده حوا سس است که سس سس سس سس
مطم بر اسان سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
را. سس سس سرما به داری در آلمان. سس سس سس سس
سسر سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سده و سس سس: سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
- حالا لطیف کسند سس سس سس سس سس سس سس سس سس

معنی سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سرماننداری. در جهان ما نکینا سس سس سس سس سس
قدرت را استعاده ما سس معنی سس سس. قدرت از آن
بفریبی معنی سس که از سس سس سس سس سس سس سس
امریکائی. سس سس سس سس. که سس سس سس سس سس
امریکائی از غلاما سس: سس سس سس سس سس سس سس
جهانی سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
است. دلار سس سس. ما دلار سس سس سس سس سس سس
ساز سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سارت را سس روزنامه سس سس سس سس سس سس سس سس
سسان کرده است. ما سس سس سس سس سس سس سس سس
- های امریکائی هزارا سس سس سس سس سس سس سس
دروغ برداران سورزوازی کده هزاران مثال سس
میگوشند و انشود سس سس سس سس سس سس سس سس
بخاطر مسائل ملی می باشد. و سس سس سس سس سس
آشکاری کده ما سس سس سس سس سس سس سس سس سس
مخا. ما سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
حمله کرده در سس سس سس سس سس سس سس سس سس
بدون سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس سس
سسرند خوسنی حشیا سس سس سس سس سس سس سس سس
همان کاری را که کده سس سس سس سس سس سس سس
انجام داد او امروزان را ما سس سس سس سس سس سس

مفرضاً پیدا کند؟ تقصیر با نیم قرن توسعه سرمایه‌داری است، و تشریح راه خلاصی از آن سرنگونی حاکمیت سرمایه‌داران از طریق یک انقلاب کارگری است. این است یا سخی که حزب ما از تحلیل مسئله جنگ بدون دست یافته است، و این چنین است که ما میگوییم: مسئله بسیار ساده و ملحقاً آنچنان بیجان نبوده و سختگوبان بورژوازی چنان دروغهای بزرگی گفته اند که قادرند اینطور وانمود کنند که گولند از ملحقاً توسعه نیست. آن سزاوار حزن تا جدا رکورد و لیست‌ها را بین خود تقسیم کرده اند. آنها مدعا است که ما بنگار را کرده اند و موجودات زنده را تقسیم کرده اند. و در آن حزن روسی بیشتترین مقدار را بردن برادران هنگام قوی تر بودند و حالا جا آورده در جوان، آلمان که در آن موقع فقط شریکی در این فضاقت بود، اینک تبدیل شده قدرتمندترین نیروی سرمایه‌داری شده و خواستار تجدید تقسیم است. او میگوید: شما میخواهید چیس مثل سابق باقی بماند؟ فکری کنید شما قوی‌تر هستید؟ بگذارید نتیجه را ببینیم!

این است خلاصه داستان جنگ، البته، دعوت "بگذارید نتیجه را ببینیم" صرفاً بیان سیاست یک دهه، از هزنی است، سیاست بانگ‌های بزرگ، از همین است که هیچکس جز ما نمی تواند حقیقت را در سازه قات بگیرد، حقیقت ساده‌ای که هر کارگر و هر دانشی خوا هدفمید، به همین علت است که کلیه مطبوعات مسئله معادلات، چنین مسئله ساده‌ای را اینطور خاشا نه و عوامدان به پیچیده جلوه میدهند. شما میگویید ما دولتی انقلابی داریم و در این دولت وزرای تقریباً سوسیالیست نارودنیک و منویک هستند، اما وقتی آنها با هم می‌نشینند، در واقع ملحقاً می‌دهند، در فرایطی که این واژه تعریف شده نیست (زیرا معنای آن جدا کردن متمرفات آلمان و الحاق آنها به خودمان است) آنگاه ما میگوییم: کابینه "انقلابی" شما، بیانییه‌ها و اظهاریه‌ها به بیان در سازه اینکه برای کشورگشایی به جنگ ترفنده‌ها، در حالیکه به ارتش فرمان حمله میدهند، چاره‌رزی دارند، آیا شما نمی دانید ما معادلاتی داریم، که توسط ننگلای خون آشامه‌ها ارتقا نه‌ترین وجبی منعقد شده است؟ شما اینرا نمی دانید؟ برای کارگران با دشمنان بخودنی است که اینرا بدانند، آنها غارت نکرده اند، آنها هیچ کتاب آکا‌ها ننند، ای نخواهند اند. اما وقتی کادتهاي تحصیل کرده بین چیزها را وعطه میکنند، سی خوب میدانند که این معادلات برای چه هستند. این شما شما کرجه "محرمانه" هستند، اما همه مطبوعات دبیلما نیک در شما کشورها دربار آنها می نوسند: "شما تنگ را میگه‌ید، شما ارمنستان را میگه‌ید، شما کالسیا را میگه‌ید، شما آلتز - لورن را میگه‌ید، شما تراست را میگه‌ید، ما هم ایران را تقسیم‌نهایی خوا هم کرد." و سرمایه‌داری آلمانی میگوید: "من مهر زا خوا هم گرفت، من ملل اروپا ئی را شخیر خوا هم کردم و اینگونه مستعمران را با بهره آن به من ما ز - گردانید." شما چیزهای هستند که بدون بهره فایده ای ندارند، بی جهت نیست که مسئله معادلات کسه بخودی خود ساده و روشن است، این حتم سلسی از آکا ذیبی شما نه‌ای که هم‌بانک از لایلافی مفتحات شما روزنامه‌های سرمایه‌داران بیرون مرسوزد، موجب گشته است.

روزنامه‌ها این (۸) امروز را ببینید. و دو وزوف (۸) Dyen * * *
#3300000 *

مردی که مطلقاً از بلشویسم بی‌ری، اما کدموکرات مادی است، در آن میگوید: من با بیعانه‌های مخفی مخالفم، این را در مورد معادله رومانی میگویم. سک بیمن مخفی ما رومانی وجود دارد که میگوید رومانی تعدادی از ملل خارجی را خواهد گرفت، هرگاه در کنار متحدین بچنگد. معادلات ما مترفخن نسیمه مشکل همین است. اگر این معادلات بسته نبوده بودند، آنها شروع به تعدی به ملت‌ها نکرده بودند. شما برای اینکه به محتوای آنها بی برید، لازم نیست مجلات خاصی قرض کنید. کافی است مکتوبات سیاسی تاریخ اقتصاد و دبیلما تیک را جمع آوری شما شید. اطریش، طی حدین دهه، چشم‌طعم بدبالمگان داشته است، اما اگر آنها بهم بر خورد پیدا کرده‌اند، این اجتناب‌نا پذیر بوده است سیمین علت است که، وقتی توده‌ها تقاضا میکنند این شما شما چاپ و منتشر شوند، تقاضائی که هر روز محرمانه - ترفزونی می‌کیرد، و در سابق مبلوکف و وز رفیلی ترشچکو (یکی در دولتی با وزرای سوسیالیست، و دیگری در دولتی با سادای وزیر شیه سوسیالیست) می‌گویند انتشار معادلات به معنای نقض بیمنان شما مبتخذین است.

واضح است که شما نمی توانید معادلات را منتشر کنید، زیرا شما همگی در یک عمل را هزنی شرکت کرده‌اید. ما با مبلوکف و ترشچکو، در مورد اینکه معادلات نمی توانند منتشر شوند، موافق هستیم، اما در نسخه متفاوت میتواند از آن حاصل گردد. چنانچه ما با مبلوکف و ترشچکو، در مورد معادلات انستیسار معادلات موافق با شیم، معلوم آن چیست؟ اگر معادلات نمی توانند منتشر شوند، پس ما محصوریم، سه وزرای سرمایه‌داران که کنیم جنگ را ادا می‌دهند. نتیجه دیگری این است: از آنجا که سرمایه‌داران خود قادرند انتشار معادلات نیستند، پس با بیستی سرمایه‌داران سرنگون شوند. شما خودتان مختارید که تصمیم بگیرید که آنگاه از این نتایج درست است. اما فقط مطمئن شوید که بی آمده‌ای آن را در بستر گرفته‌اید. چرا اینها به شیوه‌ای که وزرای نارودنیک و منویک دلیل می آورند، استدلال کنیم، به این نتیجه‌خوا هم رسد: چنانچه دولت میگوید نمی توان معادلات را منتشر ساخت، پس ما بیانشه جدیدی خواهیم نوشت. هنوز آنقدرها هم که غذا گران نیست که نتوانیم بیانشه تازه‌ای بنویسیم قطعاً مع جدیدی می نویسیم و هجومی را آغاز می‌کنیم، برای چه؟ برای چه هدفی؟ چه کسی می خواهد این اهداف را سخن کند؟ سرمایه‌داران فراخوانده شده‌اند، این معادلات غارتگران را رومانی و فرانسه اجراء آورند، نه اول و دو وزوف را نه جبهه مغربشید و بعدنگاه پت کنید اینها همه زیر سر بلشویکی است، آنها با بیستی داستان معادله‌ها رومانی را اختراع کرده‌اند. در چنین مورثی، شما فقط مجبورخواهید نژدندگی را بر بر و آجین‌نازید بلکه حتی مجبور میشود و دو وزوف را در چا طراینگه سار رخ را مطالعه کرده‌است، بیرون سبنازید. شما مجبورید از شما مکتبای میلیوکف - آن کتابهای بسیار خطرناک - آتش بزرگی بر پا کنید، کافی است هریک از کتابهای این زهرحزب "آزادی خلق"، این وزرا سبنازید را بخورید، و این زک کنید. کتابهای خوسنی هستند. آنها چه می‌گویند؟ می‌گویند سوسیالیست، ارمنستان، کالسیا، بیروس، شرفی "حق" دارد، او کلیه این مناطق را تقسیم کرده و حتی نقشه نیز می‌کشد که محوطه است. نه تنها بلشویکیا و دو وزوف را با بدبختی موشین این مقالات انقلابی به سبیری می‌نماید، بلکه

کتابهای مبلوکف را سبنازید سوزاند، زیرا اگر کما نقل قولهای ساده‌ای از این کتاب را جمع آوری کرده‌اید و به حیدر سبنازید، هیچ اعلامیه‌ای نسبتی حساس آتش افروزی‌های بخا اهدانست.

حال، سراسر این طرح مخفی که برای خود مدانشیم با فی می‌ماند اینگونه مسئله "دفاع طلای انقلابی" سبنازید، تصور می‌کند. سبنازید از این سبنازید است که شما کز ارتش دهم، اجازت داده‌اش به شما محضراً به این موضوع وارد شوم.

منظور ما از "دفاع طلای انقلابی" اینست که، به شما نماند اینگونه معادلات را انقلاب کرده‌است، و چون ما می‌دانیم انقلابی است که می‌گوید سبنازید، سبنازید که ما با سبنازید است، چنانچه ما به آن دست نیاییم، این انقلاب در مقابله با انقلابی که تمام طغیان‌مندان و سرمایه‌داران را سرنگون مساحت، چنانچه مکتز نبود سرمایه‌داران را سرنگون مساحت، چنانچه مکتز نبود، انقلاب چه کسانی را به عدوت رسانید؟ زنده‌ان و سرمایه‌داران را، همان طوقاتی که مدتها می‌مدیدی است در اروپا سرگردانند، در آنجا، حتم انقلابی بکشد سال پیش واقع شد. آجنا سرشچکو، مبلوکف، و کنولف‌ها، مدت زیادی این کله در قدرت بوده‌اند. و اینک آنها بی‌وجه تخیلی (۵) که همه تزارها شان ساج سردارند، دانسته‌اند، اما سبنازید بدون تحملات مکتز اندهایه، صحاحستی ندارد، ساک، بانک است، خواه سرمایه‌داران یا سبنازید سبنازید شده‌اند، سود، سود است، چه در یک حیمپوری ما خدیا در یک حکومت سلطنتی، چرا که یک کسور و حی حرات کنند از سرمایه متعقد ما، که حتم سبنازید، مملتی را در مستعمرات، در آفریقا و ایران سبنازید، اما حتم نکند، چرا که هر کسور و حی از بانک متعقد سبنازید کند، سرمایه‌داران خود را برای برقراری ترشچک نظم و تمدن، سبنازید خواهیم فرستاد، همه نظوری که لاجوف در ایران چنین کرد، سبنازید، حیمپوری خواه "فرانشوی در آفریقا کردید، و همه ما سبنازید سبنازید، حیمپوری همان "دفاع طلای انقلابی" را داریم، که مدتها توسط توده‌های سا آکا‌های ایران سبنازید که اشاطی میان جنگ و دولت نمی‌توانستند نمی‌دانند که همان معادلات، این سبنازید را حیمپوری کرده‌اند. سبنازید باقی مانده‌اند، معادلات باقی مانده‌اند و سبنازید باقی مانده‌اند، در روسیه سبنازید مردان از هر طیفه در مدبرند، اما این ذره‌ای ما هیت جک حیا نسی را تفسیر نمانده‌است. "دفاع طلای انقلابی" نویسن از مفهوم برنگوها انقلاب صرفاً همچون نقابی سبنازید پوشانیدن جنگ کشیف و خونین که بخا طرم معادلات کشیف و سبنازید سبنازید استفاده میکنند.

انقلاب روس در کار جنگ خلی وارد شده‌است، اما این انقلاب سبنازید بی‌وجود؟ و در سبنازید آن در هیچ کشور دیگری وجود ندارد و در انقلابات غریب قدرت یافت می‌شوند، سبنازید از انقلابیا منحصر سبنازید ظهور دلسیایی نظریات ترشچکو و کوالف‌ها می‌شدند، در حالیکه کشور منفعل و نا متشکل باقی می‌ماند، انقلاب روس حیلی سبنازید آن رسه است. در این انقلاب ما نظمه میدان را دارم که انقلاب سبنازید سبنازید حتم ناشی کرد. در کار دولت وزرا، سبنازید سبنازید، "دولت جنگ امپریالستی، دولت سبنازید، دولت که سرمایه‌های انگلیسی - فرانسوی بی‌بوند خورده‌است، در کار این دولت و متشکل از آن، ما در سراسر روسیه سبنازید، از نورا‌های شما سدگان کارگران

پیکار

سربازان و دهقانان را داریم. اینجا انقلابی هست که هنوز کلام آخر آن نگفته است. اینجا انقلابی هست که در اروپای غربی تحت شرایط مشابه، آن را شناساخته است. اینجا ما زمان - های آن طبقاتی وجود دارد و در آنجا قضایای بیسعه ملحقان تداوند، میلیونها پول در بانک گذاشته اند و احتمالاً علاقه ای ندا رندیدند که آنها کلنل لیاکوف روسی و سفیر لیبیرال انگلیسی، ایران را به درستی تقسیم کرده اند یا نه. ضمانت پیشبرد انقلاب در اینجا است، بدین معنی که طبقاتی که هیچ علاقه ای به ملحقان ندارند، علییرغم اینکه آنها اعتمادزادی به دولت سرما بداری نشان میدهند، علییرغم اینکه تیرکسی مخوفی و فریب ترسناکی که در گذشته معنای "دفاع طلای انقلابی" وجود دارد، علییرغم اینکه آنها از او چنگی پشتیبانی میکنند، دولت جنگ امپریالیستی را حمایت مینمایند، علییرغم همدا ینها موفق گشته اند سازمانیائی بوجود آورنده در آنها توده طبقات محروم نامندگی میشوند. اینها، شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان هستند که در اعماق بسیاری مناطق محلی بسیار بیشتر از آنچه که شوراهای پتروگراد در کسار انقلابیشان پیش رفته اند، جلورفته اند. این البته طبیعی است، زیرا ما در پتروگراد قدرت مرکزی سرمایه داران را داریم.

و وقتیکه اسکوبیلوف (۵) دیروز در سخنرانی اش گفت: "ما همه منافع را خواهم گرفت. ما ۱۰۰ درصد را خواهم گرفت فقط خودما شوی و زیرانداز را رها کرده بود. اگر روزی مدتی امروز را بگیرد و خواهد دیدید با ما این قطعه در سخنرانی اسکوبیلوف جسد آنها می نویسد: "جرا! اس بی معنی گریختی است، مرک! یکمصدوم زده همه چیز است! اسکوبیلوف وزیر پتروگراد را می شوی بلشویکها فرا تر میرود. این اکثریت که گفتند شوبیلوفیکها چپ افراطی هستند. اسکوبیلوف وزیر خیلی "چپ" تر است، آنها با زشت تریب اما می ممکنه مرا خطاب کردند و گفتند من میخواهم تا آخرین پیراهن سرما بدهم و رها را از آنها بگیریم. این تولاکین (۳۳) بود که گفت: "بگذارید آنها آخرین پیراهن ما را بگیرند!" تصور کنید یکی به سراغ همپوری تولاکین بروید و بخواهد آخرین پیراهن را از او بگیرد. او مستواست پسین عنوان و با تظالم بیشتر اسکوبیلوف وزیر بر ادا اس متعاسم زده. ما به جوقت اینقدر بیتن تر تمام ما هرگز به پیشنها دنگردیم ۱۰۰ درصد سودها را بگیریم. با اس همه این قول با ارزشی است. اگر شما قطعه ما حزب ما را نگاه کنید، خواهد دیدید که ما در آنجا، بندشها به درسی معقول تر، دقیقاً آنچه را که من پیشنها دیم کردم، آورده - ای می باستی سرروی با تکیه اعمال کنترل کرد و به همراه آن مالیات بردار مالیاتی وضع شود (۶) و نه بیشتر! اسکوبیلوف پیشنها دیم کند که از هر روز یکم کویک (۳۳) گرفته شود. ما چنین پیشنهدای نگرده و نمیگیم منظور اسکوبیلوف ما و تقابل نیست، و اگر همین - ما ندنمی خوانند آنرا عملی سازد، ما این دلیل ساده که دادن چنین قولی و در همان حال طرح دوستی ریختن میانترشچیکو و کولوف، ناناندازه ای محکماست. شما میتواید ۵۰ یا ۶۰ درصد درآمد ملیسورترها را بگیرید، ولی ندانست در دست چنین وزرایی. حنا نجشورا چنچن قدرتی می داشتند، آنها و تقابل را میگویند. البته ندانند - اش را، زیرا آنها احتیاجی به استکار ندا رند، آنها

تسمت اعظم در آنجا خواهند گرفت، هیچ مقام دولتی دیگری قادر به اینکار نیست. اسکوبیلوف وزیر ممکن است سیرتین نجات را داشته باشد، من آن احزاب را برای چندین سال است که میشناسم - من می سال است در جنبش انقلابی بوده ام از اینرو، من آخرین فسرودی خواهم بود که نجات حسنه را زیر سؤال قرار می دهم. اما مسئله این نیست، مسئله، دا شدن نیت خوب نیست و در چنین نجات نجات حسنه فرس کرده اند. تمام ادارات دولتی بر از ورافی است که توسط وزرای ما امضا شده اما هیچ چیز در نتیجه آن نشنیدی نگرده است. اگر شما میخواهید کنترل سرفرا را بدهید، شروع کنید! برنامه ما آنجنان است که در سخنرانی ما با نطق اسکوبیلوف می گویم: ما بیشتر نمی خواهیم. ما خیلی معتدل تراز اسکوبیلوف وزیر هستیم. او هم کنترل و هم ۱۰۰ درصد را بیشتر ندهد. ما نمی خواهیم ۱۰۰ درصد بگیریم، ما نمیشویم: "تا موقعیکه شما دست به عمل نزنید، ما باورتان نخواهیم داشت!" این است اختلاف میان ما: ما به حرف و قول ایمان نداریم و دیگران را نیز به قول آن نصیحت نمی کنیم. در سایه جمهوری های پارلمانی به ما می آموزند که به اظهارات کاغذی ایمان نداشتیم. ما هم که اگر شما خواهان کنترل هستید، باید آن را شروع کنید. برای تعویب چنین قانونی فقط یک روز کافی است. شورای کارکنان در هر بانک، شورای کارگران در هر کارخانه و تمام احزاب از حق کنترل سرخورداری - دهند. اما ما مدعا گفته خواهیم شد، شما اینکار را نمی - توانید کنید. این از اسرار پارلمانی است، این ما لکت عمومی مقدس است. بیسار خوب، همان نظریه که شما دوست دارید، اینجا بیان را بکنید. اگر میخواهید از آن دفاع ترکیل و حجاب ها، از تمام معاملات تراستها، محافظت کنید، پس استقدر در باره کنترل، در باره پرو -

در آلان موقعیت حتی بدتر است. در روسیه شما غلبه گیرتان می آید تا در آلان نه شما از طریق تشکیلات کارهای زیادی میتواید در روسیه انجام دهید که در آلان نمی توانید. در آلان غلظت باقی نمونده و تمام ملت دنیا فاجعه شده است. مردم امروز می نویسند که روسیه در برنگارنا بودی است. اگر چنین است، پس حانات است که از مالکیت خصوصی "مقدس" محافظت کنیم. ما ساریین، کلمات در تارخ کنترل چه معنی میدهند؟ معطشا فراموش نگردید که نیکلای رومانوف هم، حزه های زسادی در باره کنترل مینویشت، شما خواهید دید که در آلان با اسن کلمات را تکرار میکنند: "کنترل دولتی"، "کنترل عمومی"، "انتخاب سنا توره" در دوما حسدها را انقلاب صنعتگران روسه را چایده اند تمام کارشائ مالی به شما خواهد گفت که در مابداریان چه سودهای چنگتی بدست آورده اند، وقتی کارگران، دوما حسدها را انقلاب، "جمارت" پیدا کردند که گویند میخواهند مثل انسان زندگی کنند، همه مطوعه است. سرما بداریان در سراسر کشور زوزه کشیدند، هر شماره زوزه و حسنه های است که کارکنان میخواهند کشور را بچایند، اما ما صرفاً قول کنترل سرما بداریان را میدهم. آیا ما نمیتوانیم کمتر حرف بزنیم و بیشتر عمل کنیم؟ اگر آنچه شما خواهش هستید که کنترول موروگرانک است، یعنی کنترول از طریق همان ارکان - های سیاسی، حرب ما با اطمینان زرفی اطلاع میدارد که شما قادر نخواهید بود در این باب حمایتی کنید حتی اگر در دولت شما، بجای نیم دوجین یک دوجین

سرما بداریان را کند که شما بر ما مسلط هستید. ما در آلان سلسله ای از کلمات و ایده ها را میگویم که در روسیه بسیار نادر است. این کلمات و ایده ها را در روسیه در ده ها سال پیش از انقلاب سوسیالیستی در روسیه به کار بردند. این کلمات و ایده ها را در روسیه در ده ها سال پیش از انقلاب سوسیالیستی در روسیه به کار بردند. این کلمات و ایده ها را در روسیه در ده ها سال پیش از انقلاب سوسیالیستی در روسیه به کار بردند. این کلمات و ایده ها را در روسیه در ده ها سال پیش از انقلاب سوسیالیستی در روسیه به کار بردند. این کلمات و ایده ها را در روسیه در ده ها سال پیش از انقلاب سوسیالیستی در روسیه به کار بردند.

Stobielov ✳

Shulgim ✳

☆☆☆ یک روز - ۱۰۰ کویک (مترجم)

Rech ✳

(von-Kriegè) "در باره جنگ" 28, 1, 5, 1952 - برلین 1952
 ۲ - در آغاز جنگ جهانی اول آلمان با خبری
 - طرفی بلژیک آنهارا افعال گردنا اراش خطبه
 عنوان منطقه جزش برای شیا حقیقی به قرار
 استعاده کند. بلژیک در طی جنگ در افعال بود. اقتضاد
 داخلی به وضع رقباگیری رسیده بود و میبایست متصل
 کشته شود.
 ۴ - زملانا، ی. ولنا (بر زمین آزادی) - روزنامه
 کمیته منطقه ای سروکار از حزب سوسال - رولوسویر
 - ها از 21 مارس (2 آوریل تا 16) 1917 اکتبر 1917
 ۵ - CIVIL LIST = بخشی از بودجه دولتی گذر
 کشورهای مشروطه سلطنتی برای احتیاجات شخصی
 با داده و نگهداری دربارا و احتیاج داده شد.
 ۶ - اماره است به "قطعا بعد در باره بودجه"
 کمیته "مجموعه هفتمین (آوریل اکتبر) از حزب سوسال
 - دیکرات کارگری روسیه (بلوسوک) این قطعا شد
 توسط لنین طرح شده بود.

اعمال حرب عوامی محلیت بر سادده بود. بعد از
 امرادیکه "ای ترک دادند حتی سب از طرف
 شای بود. در میان ترک کسنگان بعد از ساددی
 روسیگران، داسخوبان، سرماران و انراش حضور
 دادند. سرار تمامش های سس، ساری سربا
 استند. بود سمعش انوار اساده بود و
 خاک محرابی در طرف مقابل درب ورودی سالی
 فرار داده شده بود. ترک، گروسکا (همرلسن - م
 و می. اولنا سوار یک برسون اساده بودند. ی
 سادوسکی روی سادهای خاک برسون اساده بود
 حیرانی سرار ۲ ساعت طول کشید. ورود لسن
 سارار احیای ساددی همراه بود. سوچی که مردم
 سادحان "وسان سادده میون العاده بود"
 رمای در اسرور سادگدمن حیرانی کم شده
 است. شیا حیدال بعد بود که دشمنی از حیرانی
 برداساسی سادده برای اولنا سوادریوسدلسن
 بر سادده. حیرانی در 23 آوریل 1929، در سوادا
 سادحان رسد.
 ۲ - بر احمد کسده کارل - وان - کلاوس

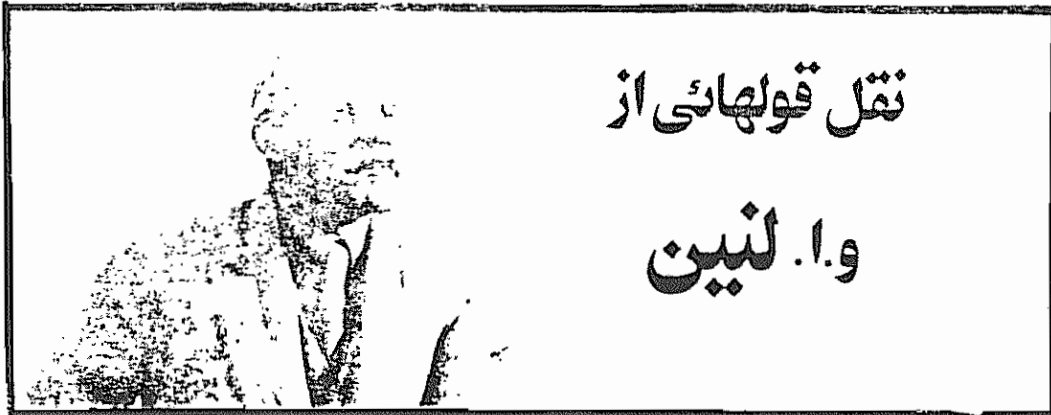
چنانچه قدرت دست سوراها مستقل بود، سرما سادد اراش
 بر علیه ما خواهند بود. زامس، فرانسه، بر ساسا
 دولتپای کلبه کسورها بر علیه ما خواهد بود. سرما ساد
 - داران بر علیه ما، اما کارگران بر لده ما خواهند بود
 آن با مان حکمی خواهد بود که سرما سادد اراش شروع
 کرده بودند. آنجا ساساخ حکومتی با مان دادن ساد
 جنگ را خواهند باف.
 اولسن بار در 23 آوریل 1929 در سوادا سادده
 به چاپ رسید.
 مجموعه آثار، جلد ۲۴ صفحه ۲۲۱ - ۳۹۳

توضیحات
 ۱ - لنین این سخنرانی را در سالن کردهایی
 مدرسه تربیت اسراش سروی در سالی در سروکار
 ابراد کرد. سش از ۲۵۰۰ نفر شرکت کرده بودند. بلوسوک
 1917 آنوقت، کمسار سابق مجتمع فولاد ایخود در
 با داده شیا سش نوشت:
 "جمعیت سار منسوع بود. اسطور که سادده ما ورم
 کره فقط تعداد محدودی دعوی سادده. آنچه فقط ساری

پس چگونه میتوانیم "جوهر" یک جنگ را آشکارا و تعریف نماییم؟ جنگ
 ادا مهی سیاست است. نتیجتا با ایستی که سیاستی را که پیش از جنگ تعقیب
 میشده امتحان کنیم. همان سیاستی که منجر به جنگ گردید و آن را بوجود
 آورد. اگر که آن یک سیاست امپریالیستی بود - یعنی سیاستی که برای
 حفاظت از منافع سرمایه مالی و چپاول و بزیر سلطه در آوردن مستعمرها و
 کشورهای خارجی طراحی شده بود - آنگاه جنگی که از این سیاست ریش
 میگیرد امپریالیستی است. اگر که آن یک سیاست آزاد، بیخشی ملی بود -
 یعنی سیاستی که بیا نکر حرکت توده ای بر علیه تحت سلطه بودن ملی
 است - آنگاه جنگی که از این سیاست ریشه میگیرد یک جنگ آزاد بیخشی ملی
 است.

شخص عاری از معرفت نمیتوانند بفهمند که جنگ "ادامه ی سیاست" است در
 نتیجه و خود را به این فرمول محدود میکنند که "دشمن بما حمله کرده است"
 "دشمن به کشور من هجوم آورده است" بدون اینکه بیا ندیشد که چه موضوعاتی
 در جنگ مطرح اند، کدا مطبقات به این جنگ دست زدند و با چه منظورهای
 سیاسی ای.

و.ا. لنین، کاریکا توری از مارکسیسم و کونومیسما امپریالیستی
 مجموعه آثار، جلد ۲۳، صفحه ۲۳



نقل قولهای از

و.ا. لنین

● ما تمام جنگهای را که نتیجهی حرص و آسلاطین و سرمایه داران هستند جنایتکارانه تلقی میکنیم، زیرا که این جنگها برای طبقات کارکن مهلک بوده و غنائم فراوانی برای بورژوازی حاکم در بردارد.

اما جنگهای هستند که طبقه‌ی کارگر با دید آنها را بعنوان تنها جنگهای برحق تلقی کند. اینها جنگهای رهایی از بردگی و از سلطه سرمایه‌داری هستند. و چنین جنگهای لاجرم اتفاق می افتد زیرا ما نمی توانیم رها نشی خود را بدون مبارزه بدست آوریم.

و.ا. لنین، سخنرانی در یک گردهمایی در خانه‌ی مردم (آلکسیف)

۲۲ اوت ۱۹۱۸ مجموعه آثار، جلد ۲۸، ص ۷۷۰ - ۷۶

شعار "دفاع از میهن" (۱)

● برسمیت شناختن دفاع از سرزمین پدری یعنی برسمیت شناختن برحق بودن و عدالت جنگ، برحق بودن و عدالت از چه نقطه نظری؟ تنها از نقطه نظر پرولتاریای سوسیالیست و مبارزه اش برای رهایی خویش ما هیچ نقطه نظردیگری را برسمیت نمی شناسیم. اگر جنگ توسط طبقه‌ی استثماری رگر با منظور استحکام بخشیدن به حاکمیتش بعنوان یک طبقه برپا شود، چنین جنگی یک جنگ جنایتکارانه است و "دفاع طلبی" در چنین جنگی یک خیانت پایهای به سوسیالیسم است. اگر که جنگ توسط پرولتاریا، بعد از اینکه بر بورژوازی کشور خویش فائق آمده است، با منظور استحکام بخشیدن و توسعه‌ی سوسیالیسم برپا شود، چنین جنگی برحق و "مقدس" است.

ما از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ "دفاع گرا" بوده ایم.

و.ا. لنین، "چپ روی" کودکا نه و طرز تفکر خرده بورژوازی

مجموعه آثار، جلد ۲۷، ص ۲۰ - ۲۳۱

(۱) - در متن اصلی: سرزمین پدری

به نقل از کتاب نقل قولهای از لنین

"درباره مسائل جنگ" (از انتشارات سازمان)